



دولت اسلامی ولایت خراسان

خلافت جعلی یا ولایت واقعی؟

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان



دولت اسلامی ولایت خراسان
خلافت جعلی یا ولایت واقعی؟



مجموعه مطالعات رادیکالیسم ۶

۱۳۹۸ © انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک نهاد تحقیقاتی مستقل است که در میزان ۱۳۹۱ به هدف فراهم‌سازی زمینه علمی و آکادمیک برای ارزیابی موضوعات راهبردی افغانستان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، تأسیس شده است. انستیتوت تلاش دارد از طریق انجام پژوهش‌های مستقل، ترجمه و انتشار کتاب‌ها و مقالات علمی، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی، به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح و حکومت‌داری خوب در جامعه کمک کند.



دولت اسلامی ولایت خراسان

خلافت جعلی یا ولایت واقعی؟

نویسنده: شان ویتینگتون

دستیار ارشد: حسین احسانی

مترجم: جلیل پژواک

شماره نشر: AISS-P-029-2020

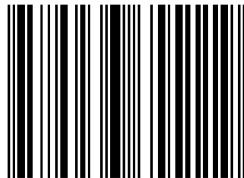
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸ کابل

نشانی: قلعه ۹ برج، کارته پروان، کابل، افغانستان

شماره تماس: ۰۰۹۳۲۰۲۲۳۲۸۸۰

ISBN 978-9936-655-11-9



9 789936 655119

فهرست مطالب

فهرست مطالب	ا
سپاس‌گزاری	ت
مقدمه	۱
روش تحقیق	۵
تعاریف	۶
چهار عنصر و تعاریف آنها	۶
خلاصه‌ی تحقیق	۷
حامیان دولت اسلامی ولایت خراسان	۱۸
پاکستان از «دولت اسلامی ولایت خراسان» به‌عنوان یک استراتژی پوشش ریسک حمایت می‌کند	۲۰
تماس‌های ایران	۲۴
شاخه‌ی ولایت خراسان کاملاً متکی به خود دولت اسلامی است	۲۸
حمایت دولت‌های غربی، حمایت دولت‌های خلیج فارس و حمایت‌های فردی از خلیج فارس	۳۲
اتحاد با گروه‌های شبه‌نظامی محلی	۳۴
حمایت محلی	۳۸
نتیجه‌گیری	۴۲
اهداف دولت اسلامی ولایت خراسان	۴۳
ایجاد خلافت جهانی	۴۶
تمرکز در سطح محلی	۵۱

نتیجه‌گیری	۵۷
تاکتیک‌ها و استراتژی دولت اسلامی ولایت خراسان	۵۹
نتیجه‌گیری	۶۷
هم‌سویی ایدئولوژیک ولایت خراسان با دولت اسلامی	۶۹
تعهد ایدئولوژیک	۷۵
تعهد به دلایل مادی	۷۷
انشعاب عملگرایانه	۸۰
وابستگی مداوم با طالبان	۸۲
نتیجه‌گیری	۸۴
پیشنهادات	۸۷
ایالات متحده نباید با دولت اسلامی ولایت خراسان به‌عنوان یک گروه یک‌پارچه رفتار کند. .	۸۷
حکومت افغانستان باید از تجربه خارجی برای مقابله داخلی با ولایت خراسان استفاده کند ..	۸۷
مقامات افغانستان باید برای جلوگیری از ورود شبه‌نظامیان به کشور یک استراتژی یک‌پارچه تهیه کند	۸۸
ایالات متحده باید به «پشتیبانی نزدیک هوایی» خود ادامه داده و تلاش‌های آموزشی و عملیات هوایی خود را افزایش دهد تا اردوی افغانستان قادر به گرفتن مسئولیت شود	۸۹
دولت امریکا باید وارد کارزار دیپلماسی مردمی متناسب با فرهنگ افغانستان شود.....	۹۱
پیوست الف: افراد و سازمان‌هایی که فعالیت دولت اسلامی ولایت خراسان را تسهیل می‌کنند	۹۳
پیوست ب: پرسش‌نامه پژوهش دولت اسلامی در ولایت خراسان	۱۰۴

سپاس‌گزاری

پژوهش کنونی در سلسله مطالعات افراط‌گرایی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان منتشر شده است. پژوهش‌های پیشین انستیتوت پیرامون مطالعات افراط‌گرایی عبارت‌اند از: گرایش افراط‌گرایی در میان دانشجویان در دانشگاه‌ها (۱۳۹۳)، گرایش افراط‌گرایی در مدرسه‌ها (۱۳۹۴)، رسانه‌های اجتماعی و شکل‌گیری گرایش‌های افراطی (۱۳۹۴)، گرایش افراط‌گرایی در صفوف نیروهای انتظامی (پولیس) افغانستان (۱۳۹۴) و ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نظام آموزشی عالی (۱۳۹۷).

انجام این پژوهش بدون حمایت سازنده‌ی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان ممکن نبود. از تمام آن‌هایی که در تکمیل‌کردن این پژوهش سهم داشتند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم. همچنین از مرورگران این پژوهش که نظرات ارزشمند خود را برای بهبود بخشیدن به پرسشنامه و نسخه اولیه با ما درمیان گذاشتند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌نماییم:

- پروفیسور مگنوس مرسدن، رییس بخش مطالعات آسیایی دانشگاه ساسکس، انگلستان
- دکتر نعمت‌الله ابراهیمی، پژوهش‌گر دانشگاه دکین، استرالیا
- نافع چودری، پژوهش‌گر مکتب حقوقی هاروارد، آمریکا
- دکتر مایکل کوگلمن، پژوهش‌گر همکار بخش مطالعات جنوب آسیا مرکز ویلسن، آمریکا

سرانجام، ما از تمام مصاحبه‌شوندگان، اعم از کارشناسان عراقی، سوری و کُرد که کمک کردند و دیدگاه‌های منحصربه‌فردشان را درباره ماهیت «دولت اسلامی» در عراق و سوریه به ما ارائه دادند، عمیقاً سپاس‌گزاریم.

نویسنده این پژوهش شان ویتینگتون، پژوهشگر مهمان انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان می‌باشد. وی مدرک لیسانس خود را در بخش روابط عامه از دانشگاه سراکیوز بدست آورده است. او در حال حاضر دانشجوی دوره‌ی فوق لیسانس رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه ماکسویل می‌باشد.

شان ویتینگتون

مقدمه

دولت اسلامی ولایت خراسان که به نام شاخه خراسان دولت اسلامی نیز شناخته می‌شود، در ۱۰ جنوری سال ۲۰۱۵ وقتی که «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) بیعت گروه‌هایی مانند تحریک خلافت پاکستان، تحریک خلافت خراسان، خلافت افغان و عزیز الله حقانی^۱ را پذیرفت، در افغانستان ایجاد شد. در همان زمان گزارش‌هایی مبنی بر سربازگیری، اسکان و انجام حملات زیر پرچم داعش در دست کم ۷۰ درصد از ولایات افغانستان منتشر شد.^۲ با این حال، پیوند داعش با افغانستان به گذشته‌ی دورتری بر می‌گردد. اوایل سال ۲۰۱۴ بود که چندین گروه از جمله لشکر التوحید، انصارالخلافت والجهاد و گروه انشعابی تحریک طالبان پاکستان یعنی جندالله با داعش بیعت کردند.^۳ دولت اسلامی ولایت خراسان از آن زمان به این سو به سراسر افغانستان گسترش یافته اما مراکز قدرت این گروه ننگرهار و کنر هستند. این گروه در خشونت‌ورزی و دهشت‌افکنی از روش داعش اصلی پیروی کرده و تاکنون موفق شده که با وجود تلاش‌های دولت افغانستان، ناتو و حتی طالبان برای ریشه‌کن کردن این گروه از نابودی خودش جلوگیری کند. همین آرایش جناحی پیچیده شاخه‌ی خراسان داعش منجر به بروز اطلاعات متناقضی درباره این گروه شده و زمینه را برای به‌میان آمدن نظریه‌های توطئه، اطلاعات غلط و سیاست‌های رقابتی برای مقابله با آن، فراهم کرده است.

بنابراین، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان این پژوهش را به‌منظور شناخت بهتر و درک ماهیت دولت اسلامی ولایت خراسان در افغانستان، انجام داده است. این پژوهش مشخصاً سعی دارد تا به این پرسش پاسخ دهد: آیا «دولت اسلامی ولایت خراسان» یک ولایت واقعی «دولت اسلامی» است یا صرفاً کاری است در حد «تغییر پرچم‌ها»؟ به عبارت دیگر، هدف پژوهش این است که مشخص کند آیا کسانی که ادعا می‌کنند اعضای دولت اسلامی ولایت خراسان هستند،

¹ Jadoon, A. (2018, December 03) Allied and Lethal. Combatting Terrorism Center at the USMA West Point. Accessed online

² McNally, L. Amiral, A. M Weinbaum. A Issa. (2016, May) The Islamic State in Afghanistan: Examining its Threat to Stability. Middle East Institute. Accessed online

³ McNally, L. Amiral, A. M Weinbaum. A Issa. (2016, May) The Islamic State in Afghanistan: Examining its Threat to Stability. Middle East Institute. Accessed online

مطابق به معیارهای دولت اسلامی عراق و شام عمل می‌کنند یا صرفاً شبه‌نظامیان فرصت‌طلبی می‌باشند که برای منافع مادی، پرچم سیاه را به دست گرفته‌اند. قرار است این پژوهش در چند مرحله صورت گیرد. این گزارش قسمت نخست از این سلسله پژوهش‌ها می‌باشد.

قبل از این تحقیق، گفتگوی افغان‌ها در مورد این موضوع، در واقعیت امر حکایت از یک فضای دوقطبی شدید می‌کرد. باورها در خصوص دولت اسلامی ولایت خراسان متفاوت است؛ از این‌که این گروه تکرار کنترل‌شده‌ی سلفی‌گرایی، با منابع مالی داخلی خودش است گرفته تا نظریه‌های توطئه مبنی بر این‌که این گروه از جانب ایالات متحده حمایت می‌شود، در افکار عامه، نهادهای اکادمیک و حتی موسسات تحقیقاتی افغانستان دست‌به‌دست می‌شود. بیشتر اطلاعاتی که بر گفتمان پیرامون این گروه تأثیرگذار است، از رسانه‌های داخلی افغانستان و گفت‌وگوهای روزمره‌ی شهروندان افغان ناشی می‌شود که در آن معمولاً پای دخالت یک بازیگر خارجی به میان می‌آید. با این حال، دولت اسلامی ولایت خراسان در پنهان‌کاری و جلوگیری از نشر اطلاعات درباره نحوه و مکان فعالیت‌هایش، موفق عمل کرده است. بنابراین، با وجود این‌که صعود این گروه در افغانستان به صورت گسترده‌ای پوشش داده شده، اما بسیاری از سوالات همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند.

کارشناسان امنیتی برجسته‌ی افغانستان متقاعد شده‌اند که دولت اسلامی ولایت خراسان بازتابنده‌ی «بازی استخباراتی» است که همسایگان افغانستان آن را پیش می‌برند. برای مثال، امرالله صالح، معاون نامزد ریاست جمهوری افغانستان در سال ۲۰۱۸ در مجمع امنیتی تهران ادعا کرد که «حضور داعش در افغانستان واقعی نیست. این یک بازی استخباراتی برخی از همسایگان ما است.»^۴ با این حال، نمایندگان برخی از سفارت‌خانه‌های خارجی در افغانستان دقیقاً خلاف این را باور داشته و دولت اسلامی ولایت خراسان را به‌عنوان عنصر نیابتی غرب دانسته‌اند.

با این وجود، در این پژوهش سعی شده است که تا حد ممکن، تصویر کاملی از دولت اسلامی ولایت خراسان ارائه شود. در تهیه این گزارش از اطلاعات بیش از ۳۰ روزنامه‌نگار، کارشناس، مقامات دولت افغانستان، مقامات سفارت‌خانه‌ها، پرسنل ناتو، پرسنل سازمان ملل متحد و

^۴ امرالله صالح، کنفرانس امنیتی تهران، ۱۷ جدی ۱۳۹۶

جنگجویان دولت اسلامی استفاده شده است. در تحلیل، برخی از دیدگاه‌های دوحالتی بازتاب داده شده‌اند اما همواره تلاش بر این بوده است تا شواهد و مدارک متناقض به صورت عینی و منطقی درک شوند. با این وجود، نویسندگان پژوهش فرض را بر این گذاشته‌اند که دولت اسلامی ولایت خراسان در افغانستان تقلیدی از دولت اسلامی عراق و شام است تا یک جزء متجانس آن و یا اینکه یک مدل فدرالی آن. در این پژوهش برخی از شواهد مربوط به دست آمده و همچنین اسامی افراد مصاحبه شده، برای مصونیت پژوهش‌گران و مصاحبه‌کنندگان دخیل در تحقیق، حذف شده است.

در هر صورت تشخیص کامل ماهیت درست دولت اسلامی ولایت خراسان نیازمند کنکاش جامع‌تر می‌باشد. بعضی سوالات کلیدی باید برای پر کردن خلاهای اطلاعاتی که در حال حاضر وجود دارد باید جواب داده شوند. از میان بازیگران بین‌المللی و بازیگران دولتی کدام یک در حمایت لوجیستیکی و مالی دولت اسلامی ولایت خراسان نقش دارد؟ از منظر ایدئولوژیک تا چه میزان رهبری دولت اسلامی ولایت خراسان و سربازان پیاده با دولت اسلامی عراق و شام متعهد هستند؟ اهداف دولت اسلامی ولایت خراسان چه می‌باشد اگر به مراتب بازگو شده باشد و یا توسط عملیات آنها بازگو شده باشد. آیا دولت اسلامی ولایت خراسان برای ابداع تاکتیک‌های جنگی و تفاوت آن از دولت اسلامی عراق و شام البته اگر تفاوتی باشد تلاشی کرده است؟ پاسخ‌ها به این سوالات باعث تولید یک درک گسترده‌تر از دولت اسلامی ولایت خراسان و کمک به تقویت یا عدم اثبات فرضیه‌ای که دولت اسلامی ولایت خراسان در واقع یک ولایت واقعی نیست، می‌شود.

اما این پژوهش به تنهایی برای فهم کامل دولت اسلامی ولایت خراسان کافی نیست. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان متعهد است، برای برجسته‌سازی ابعاد دیگر مسأله و روشن ساختن بیش‌تر شک و گمان‌های مطرح شده در این پژوهش، میز پژوهش بر دولت اسلامی را حفظ کرده و به پژوهش‌های بعدی در این زمینه بپردازد.

روش تحقیق

با توجه به محدودیت منابع در مورد موضوع این تحقیق و عدم پژوهش‌های صورت گرفته در مورد ماهیت اصلی دولت اسلامی ولایت خراسان در افغانستان و همچنین ماهیت دوقطبی حضور دولت اسلامی ولایت خراسان (یعنی اینکه واقعاً دولت اسلامی است یا نه) کوشش بر آن شد تا ابتدا یک طرح ادبیات تحقیق تهیه شود و سپس یک پرسشنامه ترتیب و تنظیم شود.

یک ادبیات کلی تحقیق به زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی ارائه شده است که عمق و وسعت وجود دانش درباره حضور دولت اسلامی ولایت خراسان را در افغانستان نشان می‌دهد.

برای تهیه این ادبیات تحقیق، از کتاب‌ها، ژورنال‌های تحقیقی، مقاله‌های خبری و ویدیوها استفاده شده تا دسترسی اطلاعات را همه‌جانبه ارزیابی کند. شکاف در فهم دولت اسلامی ولایت خراسان خصوصاً درک واقعیت دولت اسلامی بعدها چهار بخش سوال را که در پایین فهرست شده را به میان آورد.

پس از آن یک مجموعه پرسشنامه‌ی کیفی طرح شد تا فهم در مورد تعهد دولت اسلامی ولایت خراسان به ایدئولوژی دولت اسلامی عراق و شام، شبکه‌ی حمایتی آن، تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها و اهداف آنها را بیشتر کند. سوال‌ها قصداً نیمه‌باز و محاوره‌ای در نظر گرفته شده است. این نوع سوال به منابع اولیه فرصت بیشتری برای افشا کردن اطلاعات درباره موضوعاتی مربوط به دولت اسلامی ولایت خراسان را می‌دهد.

در این پژوهش تقریباً با ۳۰ خبرنگار، متخصصان علمی، مقامات محلی افغان، مقامات خارجی، کارمندان ناتو و سازمان ملل و اعضای دولت اسلامی مصاحبه شده است. این تحقیق تا جای امکان گستره وسیعی از نظرات را جمع‌بندی می‌کند و از جمله نظرات دو بخش آن را که برای ترسیم بهتر هدف و نظرات منطقی مبتنی بر شواهد استوار است. سپس با توجه به داده‌ها و نظریات کارشناسانی که با آنها مصاحبه صورت گرفته است، تحلیلی جامع و منطقی از مصاحبه‌ها نگارش شد. انتظار می‌رود که شواهد ارائه‌شده توسط برخی منابع نه تنها برای رسیدن به یک نتیجه موثر باشد بلکه برای رد نظرات دیگران نیز کمک کند.

تعاریف

در این پژوهش دولت اسلامی واقعی را به چهار عنصر اساسی تجزیه شده است تا وفاداری دولت اسلامی ولایت خراسان را نسبت به دولت اسلامی عراق و شام بهتر ارزیابی کند. نویسندگان امیدوارند نتایج ارزیابی‌های هر چهار بخش را بررسی کنند، به یک نتیجه برسند و به این سوال پاسخ دهد که «آیا دولت اسلامی ولایت خراسان یک پدیده‌ی تغییر بیرق است یا یک ولایت حقیقی و واقعی.»

چهار عنصر و تعاریف آنها

۱- **ایدئولوژی:** دولت اسلامی ولایت خراسان از تفکر شاخه سلفی دولت اسلامی در عراق و سوریه تبعیت می‌کند. گرایش آنها به رعایت قوانین اسلامی سختگیرانه دولت اسلامی عراق و شام، عدم تحمل غیر مؤمنان (تکفیری‌ها) و عزم راسخ قرار دادن اسلام سلفی بالاتر از اهداف دیگر.

۲- **اهداف:** اقدامات دولت اسلامی ولایت خراسان که موجب ایجاد خلافت از طریق دستیابی به اهداف متناقض، چالشی یا حتی حرام است می‌باشد. استدلال‌های اقتصادی و سیاسی-اجتماعی که دشوار است به تاسیس یک خلافت یا به دولت اسلامی داعش ربط بدهیم.

۳- **تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها:** توانایی و اراده برای ایجاد متخصصان تخنیکی و عملیاتی به هدف حملات مستقیم علیه دشمن. شامل منابع مادی، ائتلاف‌های استراتژیک و انتخاب موقعیت‌های جغرافیایی

۴- **حمایت:** شبکه‌های حامی دولتی و غیردولتی که فعالیت‌های دولت اسلامی ولایت خراسان را حمایت می‌کنند، میزان حمایت مردم محلی از آنها و عملکرد دولت اسلامی ولایت خراسان برای جذب حمایت‌ها.

این چهار عامل برای ایجاد همپوشانی در نظر گرفته شده‌اند تا بتوانند نتیجه‌گیری را با یکدیگر به یک استدلال منسجم پیوند دهند. پیش‌بینی می‌شود شواهد حاصل از تحقیقات در مورد

اهداف دولت اسلامی ولایت خراسان، نتیجه‌گیری را در مورد ایدئولوژی (و برعکس) نتیجه‌گیری پیش‌بینی کند. پذیرش برخی اصول قبول‌شده در تحلیل مهم است.

این تحلیل حاوی برخی اصول بدیهی معین می‌باشد که مهم است به آن اشاره شود. مهم‌ترین اصل بدیهی این است که دولت اسلامی ولایت خراسان یک‌پارچه نیست. ایدئولوژی، حامیان و اهداف آن همه گواه این امرند و تلاش برای رسیدن به این نتیجه که این گروه یک واحد یکپارچه می‌باشد یک اشتباه خواهد بود. بنابراین، تحلیل حاضر به مثابه‌ی تأملی بر نهاد پیچیده و جناحی-که این گروه هست-می‌باشد و سعی می‌کند که متناسب با این واقعیت، نتیجه‌گیری‌های خود را ارائه دهد. اصل بدیهی دیگر این است که اطلاعات موجود کامل نیستند. با توجه به کمبود اطلاعات و متغیر بودن وضعیت، نمی‌توان با اطمینان کامل تشخیص داد که آیا اطلاعات دریافتی قابل اعتماد و معتبر هستند یا خیر. نتیجه‌گیری‌های ارائه‌شده باید به‌عنوان به‌روزترین شناخت از دولت اسلامی ولایت خراسان دیده شوند نه صرفاً یک نتیجه‌گیری قطعی درباره این گروه و فعالیت‌های آن.

خلاصه‌ی تحقیق

دولت اسلامی ولایت خراسان قبل از هرچیز یک ولایت خودخوانده‌ی دولت اسلامی است. با توجه به شواهد به نظر می‌رسد که این گروه ترکیب نامنظمی از شبه‌نظامیان طرفدار دولت اسلامی عراق و شام است تا یک ولایت واقعی در افغانستان. این گروه بسیاری از رفتارهای داعش‌گونه به نمایش می‌گذارد اما ابهام کافی وجود دارد برای ادعای اینکه در واقع این ولایت واقعی دولت اسلامی نیست. دولت اسلامی ولایت خراسان یک سازمان محدود شده به افغانستان، با محدودیت‌های تحمیل شده توسط خودش بر روی چشم‌اندازهایش برای گسترش‌اش و تأثیر محدود جهانی می‌باشد. این شرایط [مذکور] متمایل به تغییر نیست. دولت اسلامی ولایت خراسان یک ناتوانی برای اداره‌ی موثر قلمرو تحت کنترلش تشریح کرده است و همچنین تعهد ایدئولوژیک این سازمان در قدرت جنگ‌آوری‌اش به طور عمیقی مبهم است. بر علاوه دولت اسلامی ولایت خراسان در زمینه‌ی جنگ و مبارزه خود را بسیار مادون ثابت کرده است. اما این سازمان برای سازگار کردن خود با تاکتیک‌های جنگی یا استراتژی‌های دولت اسلامی مرکزی در عراق و شام، بسیار بی‌میل به نظر می‌رسد. این گروه چیزی است که در گذشته به‌عنوان «تغییر

پرچم» توصیف شده است. عوامل برجسته‌تر دیگری باعث پیوستن شبه‌نظامیان به این گروه شده است و برند داعش، بستر ارزش‌مند را برای استفاده از این عوامل فراهم کرده است.

ارتباط ضعیف این سازمان با دولت اسلامی عراق و شام و تحمل صفاتی که معمولاً از طرف دولت اسلامی عراق و شام غیرقابل قبول است، دال بر تایید این ادعا [تغییر پرچم] می‌باشد. تعداد ناچیزی مثل ۲ عضو از بین ۳۰۰۰-۶۰۰۰ نیروی انسانی این سازمان، در تماس قاعده‌مند با دولت اسلامی عراق و شام می‌باشد [ولی بیش‌تر اعضا] به طور مداوم با تکفیری‌ها در تعامل هستند. و یا به طور مثال فرماندهان دولت اسلامی ولایت خراسان و طالبان، برای خرید و فروش مواد انفجاری، با همدیگر هماهنگ می‌باشند. دولت اسلامی ولایت خراسان، ممنوعیت استفاده از مواد مخدر را در سال ۲۰۱۷ در جنوب غربی افغانستان لغو کرده^۵ حتی دیده شده است که دولت اسلامی ولایت خراسان، کمک‌های حقوقی برای رفع اختلافاتی که توسط طالبان انجام می‌گیرد ارائه می‌دهد.^۶ همچنین بسیاری عقیده دارند که دولت اسلامی ولایت خراسان به طور فعال در قاچاق مواد مخدر در افغانستان دخیل می‌باشد.

یک تمایل برای همکاری میان اعضای دولت اسلامی ولایت خراسان و تکفیری‌ها به خصوص طالبان وجود دارد. تعداد زیادی از جنگ‌جویان دولت اسلامی ولایت خراسان را اعضای پیشین تحریک طالبان پاکستان تشکیل می‌دهند و بسیاری از اعضای برجسته پیشین تحریک طالبان پاکستان عضویت شورای رهبری این گروه را دارند. در واقع، عدم فعالیت مستقیم جناح‌های باجور و اورکزی در درون تحریک طالبان پاکستان [از سال ۲۰۱۴ به این طرف] نشان می‌دهد که به احتمال زیاد، این دو جناح رهبری و اعضای خود را با دولت اسلامی ولایت خراسان یکی کرده‌اند. همچنین تصور می‌شود که تحریک خلافت پاکستان، که یکی از جناح‌های درون تحریک طالبان پاکستان به شمار می‌رفت، در جریان بیعت خود حدود ۲ هزار جهادی را که از مراکز مهم جمعیتی پاکستان از جمله باجور، پیشاور، کویته، کراچی، اسلام‌آباد و لاهور می‌آمدند،

⁵ Guistozzi, A. (2018, September 1) *Islamic State Khorasan*. London. C. Hurst & Co. p.35

⁶ مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

به افغانستان انتقال داده است. با این وجود، تحریک طالبان پاکستان هنوز ستون فقرات سیاسی دولت اسلامی ولایت خراسان را تشکیل می‌دهد.^۷

با این وجود، گروه‌های دیگری که دولت اسلامی ولایت خراسان را تشکیل می‌دهند، از آرایش فریبنده و پیچیده‌ی جناحی برخوردارند. تحریک طالبان پاکستان خود یک گروه نظامی متمرکز نیست بلکه شبکه‌ای شامل بیش از ۴۲ گروه کوچک‌تر است.^۸ دولت اسلامی ولایت خراسان در جریان بحران رهبری از درون تحریک طالبان پاکستان و گروه طالبان، صعود کرد^۹ و این امر نشان‌گر عنصر جناح‌گرایی در درون دولت اسلامی ولایت خراسان است که از زمان شکل‌گیری، بارها خودش را نشان داده است.

به طور کلی در ولایت‌های دولت اسلامی حفظ رابطه نزدیک با دولت اسلامی عراق و شام مستقل می‌باشد اما از طرفی دیگر شواهد نمایان‌گر یک رابطه‌ی تعاملی ضعیف که در حال تضعیف شدن می‌باشد. بدون در نظر داشت تعهد دولت اسلامی ولایت خراسان، به بیعت با دولت اسلامی عراق و شام می‌باشد. آمارهایی را که داعش در رسانه‌های خود منتشر کرده، نشان می‌دهد که به سایر بخش‌های خلافت (الارض‌الخلافة) مانند لیبیا و آفریقای مرکزی توجه دارد. در ضمن عملکردهای دولت اسلامی ولایت خراسان، نمایان‌گر یک تمرکز، بیشتر بر روی توانمندی برای به دست آوردن و حفظ حمایت در افغانستان و اطراف افغانستان می‌باشد.

درباره ساختار حمایتی خارجی این گروه توضیحات متنوعی وجود دارد. پاکستان، ایران و حتی ایالات متحده و متحدانش در حوزه خلیج فارس بارها متهم شده‌اند که مخفیانه دولت اسلامی ولایت خراسان را در افغانستان ایجاد کرده‌اند. کارشناسان غربی بر این باورند که دولت اسلامی ولایت خراسان یک گروه انشقاقی خودمختار از دولت اسلامی است و به‌غیر از گه‌گداری مداخله دولت اسلامی عراق و شام، نفوذ خارجی بر آن اندک است. با این حال، کارشناسان منطقه‌ای

⁷ Lushenko, P. Van Auken, L & G Stebbins (2019) ISISK: Deadly Nuisance or Strategic Threat? *Small Wars & Insurgencies*, 30:2, 265-278

⁸ Zahid, F. Khan, M. I. (2016). Prospects for the Islamic State in Pakistan. *Current Trends in Islamist Ideology*, 20, 65-80, 128.

⁹ Brahimi N. Akbarzadeh, S. (2018, July 19) Intra-Jihadist Conflict and Cooperation: Islamic State–Khorasan Province and the Taliban in Afghanistan, *Studies in Conflict & Terrorism*. P.12 Accessed [online](#)

معتقدند که برعکس این باور واقعیت دارد. و آن این است که احتمالاً بازتاب‌دهنده ماهیت چند وجهی این گروه است. این و یک خلاء کلی استراتژیک، باعث مدیون شدن این سازمان به حامیان متفاوت که اهداف مختلفی دارند، می‌شود.

حقیقت در مورد حمایت خارجی دولت اسلامی ولایت خراسان عمدتاً بیانگر ماهیت چند وجهی این سازمان می‌باشد در حالی که مقیاس حمایت داخلی‌اش به همان اندازه مبهم می‌باشد. افغانستان توسط گروه‌های جهادی اشباع شده است که بسیاری از این گروه‌ها به نسبت دولت اسلامی ولایت خراسان، نوسان قوی‌تری را با جمعیت محلی حفظ می‌کنند. به نسبت تعهد ناسازگار دولت اسلامی عراق و شام به سلفیسم، شبکه حقانی، طالبان، القاعده و جنبش اسلامی ازبکستان بیش‌تر به سنت‌های حنفی افغانستان پایبند هستند، البته تا جایی که به این گروه‌ها اجازه داده می‌شود. جمعیت روستایی افغانستان برخلاف طالبان، دولت اسلامی ولایت خراسان را به عنوان یک نیروی بیگانه کمتر از آیساف که از سال ۲۰۰۱ در افغانستان حضور داشتند، نمی‌دانند. بنابراین فرضیه‌ای استنتاجی وجود دارد که دولت اسلامی ولایت خراسان باید با ایدئولوژی دولت اسلامی عراق و شام به هدف ایجاد حمایت لازم برای حضورش، سازگار شود. البته چنین اقداماتی روی ماهیت اصلی دولت اسلامی خالی از پیامد نیست.

مدارک آن‌چنانی وجود ندارد که نشان دهد ارتباط منظم و متقابل بین داعش و ولایت خراسان برقرار است. برای ولایت‌های دولت اسلامی لازم است که از نزدیک با داعش در ارتباط باشند اما شواهد نشان می‌دهد که بین ولایت خراسان و داعش، رابطه‌کاری ضعیف وجود دارد که صرف‌نظر از بیعت ولایت خراسان با داعش، روز به روز ضعیف‌تر می‌شود.

به همین ترتیب، تبعیت ایدئولوژیک این گروه از داعش نیز ضعیف است. ایدئولوژی این گروه با ایدئولوژی داعش یکسان است اما ولایت خراسان صرفاً ایدئولوژی داعش را اتخاذ کرده اما به لحاظ فکری در آن نقش ندارد. این گروه صرفاً ایدئولوژی داعش را بر می‌گیرد و در تدوین این ایدئولوژی سهمی ندارد. انگیزه‌های مادی بسیاری از اعضای ولایت خراسان از پیوستن به این گروه، سهولت در پیوستن و سپس ترک یک گروه و تمایل این گروه به انجام کارهایی که معمولاً از نظر داعش مجاز نیست، پیوسته نشان‌دهنده تعهد ایدئولوژیک ضعیف این گروه بوده است. دلیل این امر، احتمالاً این است که سطوح بالای رهبری ولایت خراسان بر فعالیت‌های گروه‌های

مختلف منطقه‌ای کنترل کامل ندارند. فقدان یک استراتژی کلی نیز تاحدودی نتیجه نفوذ حامیان مختلف و متعدد بر ولایت خراسان است که هرکدام اهداف متفاوتی دارند. ناکامی ولایت خراسان در استفاده از تاکتیک‌های جنگ سنتی و اتکای مداوم به تاکتیک‌های شورشی، ماهیت سلولی این گروه را می‌پوشاند. این امر موجب شده که جناح‌های مختلف درون این گروه، هرکدام اهداف متفاوتی را تعیین کنند. درون این گروه، سه جناح اصلی وجود دارد که هرکدام حامیان و اهداف متفاوتی دارند.

دولت اسلامی ولایت خراسان در ننگرهار، کنر، پکتیا، نورستان و بدخشان متکی به خود است. اما احتمالاً از حمایت محدود پاکستان نیز برخوردار است. حمایت پاکستان به‌طور کلی تلاشی برای جلوگیری از درگیری بین ولایت خراسان و طالبان است نه تلاش برای استفاده از این گروه به‌عنوان ابزاری برای اهداف ژئوپلیتیکی پاکستان. جناح جنوب‌شرقی ولایت خراسان کم‌تر ایدئولوژیک است و اصلاً برای استفاده از منابع معدنی مانند تالک، چوب و سنگ‌های قیمتی در مناطق عملیاتی خود فعالیت می‌کند.

جناح شمالی این گروه، به‌ویژه جوزجان و فاریاب، ایدئولوژیک‌تر هستند و بیش‌تر جنگ‌جویان تاجیکستانی و ازبیکستانی در همین جناح جلب و جذب می‌شوند. اهداف این جناح با داعش هماهنگ‌تر است و به ایده تأسیس خلافت، نسبت به سایر جناح‌های ولایت خراسان متعهدتر به نظر می‌رسد. با این‌وجود، این جناح از ارتباط خود با بقیه ولایت خراسان در افغانستان و به‌ویژه از فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی آن‌ها در جنوب کابل، سود می‌برد.

ولایت خراسان در غرب افغانستان به‌ویژه اطراف هرات و فراه، احتمالاً از جانب ایران بعضی از حلقات استخباراتی برای فشار آوردن روی آمریکا حمایت می‌شود. جناح غربی ولایت خراسان نیز نسبت به جناح این گروه در ننگرهار و کنر، ایدئولوژیک‌تر است اما به دلیل ارتباط با ایران، شدیداً مخفیانه فعالیت می‌کند. با این‌حال، این ارتباط به دلیل همبستگی منافع وجود دارد. اقدام ایالات متحده و ترور قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ممکن است در واقع این رابطه کاری بعید را بیش از پیش تقویت کند. ایران اما خود را محور مبارزه با داعش

دانسته، از حضور این گروه در افغانستان ابراز نگرانی کرده است و گفته آماده است در مقابل داعش با همکاری دولت افغانستان بجنگد.^{۱۰}

همه‌ی این موارد، این واقعیت را برجسته می‌کنند که هیچ‌یک از جناح‌های ولایت خراسان مستقل نیستند بلکه اقدامات خود را هماهنگ و منابع را با یک‌دیگر شریک می‌کنند. برای مثال، پولی که در ننگرهار جمع‌آوری می‌شود به بیت‌المال می‌رود و سپس به واحدهای دیگر این گروه توزیع می‌شود. داعش به دادن آزادی عمل به فرماندهان خود معروف است و همین مسأله در مورد ولایت خراسان نیز صدق می‌کند. این به معنای خودمختاری کامل ولایت خراسان نیست بلکه در عوض فضایی را برای اعمال نفوذ سایر بازیگران ایجاد کرده است. رهبران سطح پایین ولایت خراسان هم از رهبری این گروه و هم از حامیان‌شان دستور می‌گیرند. از این‌رو، آن‌ها در واقع تعهدات دوگانه دارند.

به جای ایدئولوژی، ژئوپلیتیک زیربنای این تعهدات دوگانه و رهبری عملیاتی دولت اسلامی ولایت خراسان است. اهداف حامیان دولتی ولایت خراسان، بسیاری از اهداف خود این گروه را نیز تعیین می‌کند. اهداف حامیان دولتی می‌تواند تفاوت چشم‌گیری با اهداف ولایت خراسان داشته باشد. پاکستان در صدد جلوگیری از درگیری بین اعضای ولایت خراسان و طالبان است. در مورد ایران به نظر می‌رسد فشار آوردن به دولت کابل و نیروهای غربی ممکن است با اهداف این گروه نزدیک‌تر باشد اما عمل به دستورات دولت ایران، توجه ولایت خراسان را از دستیابی به اهداف ایدئولوژیک خودش به بهترین وجه منحرف می‌کند. تنش‌ها میان دولت افغانستان و دولت اسلامی ولایت خراسان بر سر مناطق به لحاظ استراتژیک مهم مانند اچین یا هرات، در عین حال بازتاب‌دهنده اهداف کوتاه‌بینانه خود ولایت خراسان است. این گروه بر این مناطق به‌عنوان سکویی برای حمله به کابل و سایر ولایات افغانستان تمرکز دارد. دشوار است بگوییم که این هدف تا چه حد در هماهنگی با حمایت پاکستان یا ایران و تا چه حد ناشی از اراده خود ولایت خراسان است.

¹⁰ <http://www.rfi.fr/fa/>

استراتژی دولت اسلامی ولایت خراسان در سطوح متعدد ساختاری رنج می‌برد، که همچنین این مسئله سرنخ‌هایی از اهداف‌شان را ارائه می‌دهد. ظرفیت سازمانی دولت اسلامی ولایت خراسان برای تمرکز برای بر یک سازوکار جهانی به طور بالایی به علت وظیفه‌ی قبلی‌شان در جنگ با طالبان محدود شده است. دولت اسلامی ولایت خراسان متکی بر معادن تالک، غیرقانونی، تجارت چوب و معدن‌کاری سنگ‌های قیمتی برای تمویل کردن فعالیت‌هایشان می‌باشد. این فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی دولت اسلامی ولایت خراسان را وارد رقابت مستقیم بر سر منابع با طالبان می‌کند. بنابراین دلیلی برای باور نمودن خاتمه‌ی جنگ علیه طالبان وجود ندارد. محاصره‌ی جغرافیایی جنگجویان دولت اسلامی ولایت خراسان همچنان توانمندی این سازمان را برای تاثیر بر جهادگرایی فراتر از مرزهای افغانستان محدود می‌کند. دولت اسلامی ولایت خراسان از جلال‌آباد به مانند دیگر مراکز جمعیتی عمده به سمت محیط‌های حومه‌نشین رانده شده‌اند. دسترسی به زمین‌های ناهموار و کوهستانی تورابورا یا کنر جایی که بیش‌تر رهبران در آن ساکن هستند بسیار دشوار است و بنابراین ارتباطات محدود می‌باشد. مدیریت جهاد جهانی و صادر کردن رهنمودها اگرچه غیرممکن نیست اما به عنوان یک نتیجه مشکل می‌باشد. دولت اسلامی تاسیس ولایت الهند و ولایت پاکستان را به ترتیب در ۱۰ می و ۱۵ می صادر کرد ولی برای بیان میزان ارتباطات میان این دو ولایت با ولایت خراسان بسیار زود است. برد استراتژیک دولت اسلامی ولایت خراسان به نظر می‌رسد برای فعلاً به طور حداقل، محدود به افغانستان می‌باشد و اخیراً نامعلوم است که آیا جاه‌طلبی برای تغییر دادن این استراتژی وجود دارد یا خیر؟ بر علاوه منازعه با طالبان در نواحی با بیش‌ترین پتانسیل اقتصادی متمرکز شده است. بنابراین بسیار مشکل است از اینکه اقتصاد و نه ایدئولوژی یا استراتژی میدانی دولت اسلامی عراق و شام، استراتژی دولت اسلامی ولایت خراسان را پیش می‌برند صرف نظر کنیم.

در هر صورت، استراتژی ولایت خراسان برای دستیابی به این اهداف کاملاً به قدرت و توانایی رهبری این گروه بستگی دارد. اگر رهبری‌اش قوی باشد، هماهنگی استراتژیک و تأثیرگذاری دستور نبرد رهبری نیز قوی است. برعکس هر قدر رهبری ضعیف باشد، به همان اندازه گروه بی‌هدف‌تر می‌شود. از این رو، ولایت خراسان در افغانستان برای اثربخشی کامل خود به رهبر خود وابسته است. تعهد ایدئولوژیک اعضای رده‌پایین این گروه به اندازه‌ای نیست که بدون نظارت

رهبری جهت خود را حفظ کنند. از این رو، برای دستیابی ولایت خراسان به اهدافش، رهبری مهم‌تر از ایدئولوژی است.

تعامل جنبشی دولت اسلامی ولایت خراسان با طالبان، ارتش ملی افغانستان و نیروهای پاکستان در مناطق قبایلی پاکستان اشاره بر ضعف سطح تاکتیکی این سازمان علی‌رغم رهبری‌اش می‌باشد. عملیات ضرب عضب ارتش پاکستان در جون ۲۰۱۴ علیه تحریک طالبان پاکستانی در آن زمان زمان و عناصر جنبش اسلامی ازبیکستان و کسانیکه به تشکیل دولت اسلامی ولایت خراسان اقدام می‌کنند بیان‌گر محدودیت قابلیت تاکتیکی این سازمان هست. تحریک طالبان پاکستان و جنبش اسلامی ازبیکستان توسط ارتش پاکستان مجبور به ترک مناطق قبایلی پاکستان و ورود به افغانستان شدند. کاری که در واقع موفقیت آشکاری برای نظامیان پاکستان بود. کمبود حمایت عملیاتی از طرف نیروهای آیساف بیان‌گر قابلیت نظامیان محلی در شکست دولت اسلامی ولایت خراسان در میدان جنگ، بدون مداخله‌ی بین‌المللی بود، می‌باشد. دولت اسلامی ولایت خراسان توسط جنگجویانی که تجربه‌شان تقریباً منحصر در بخش شورش‌گری می‌باشد، تشکیل شده است. تعداد اندکی از این جنگجویان از داعش در حال سقوط به افغانستان سفر کرده‌اند. همه این‌ها ممکن است که برای شکل دادن یک بن‌بست کافی باشند اما برای به دست آوردن یک پیروزی قاطع بر عملیات نیروهای حمایت قاطع یا طالبان و وابستگانش دور از انتظار است. در حال حاضر شواهدی دال بر نشان دادن قابلیت دولت اسلامی ولایت خراسان در بخش ظرفیت نظامی‌اش برای شکست دشمنانش در افغانستان برای بنیان‌گذاری یک حضور با ثبات‌تر که از آن یک جهاد جهانی را ترغیب کند وجود ندارد. در هر صورت تمایل این سازمان به سازگاری با تاکتیک‌های جدید برای غلبه بر این ضعف تاکتیکی‌اش به نظر می‌رسد که وجود ندارد.

رویکرد شورشی دولت اسلامی ولایت خراسان به راه‌اندازی عملیات و خلا تجربه در حکمرانی بر یک جمعیت به نظر، یک تفاوت تعریفی بین دولت اسلامی ولایت خراسان و دولت اسلامی عراق و سوریه می‌باشد.

داعش مانند طالبان برای گستره‌ی وسیعی از جمعیت تحت کنترلش قابل تحمل بود، به این دلیل که آن‌ها یک حاکمیت موثر را پایه‌گذاری کردند. حتا اگر این دولت را با قانون بی‌رحمانه‌ی

شریعت یکسان‌سازی می‌کردند. ولایت خراسان اما این جانب احتیاط را اتخاذ نمی‌کرد و از قاعده‌ی سود کمتر از دو شر به نحوی که طالبان بهره می‌گیرند استفاده نمی‌کنند. پیش‌بینی موفقیت دولت اسلامی ولایت خراسان بدون توانایی مدیریت کارآمد دولت یا شکست دادن نیروهای متعارف‌شده دشوار هست. پس شک و تردید‌هایی در مورد توانایی‌های سازمانی دولت اسلامی ولایت خراسان و به خصوص روابطش با هسته‌ی رهبری دولت اسلامی در عراق و شام وجود دارد.

توانایی برای دستیابی به همان تعصب ایدئولوژیک همچنان به طور مشابهی مبهم می‌باشد. ایدئولوژی در پیش گرفته شده توسط رهبری این سازمان همان ایدئولوژی دولت اسلامی عراق و شام می‌باشد. اما به سادگی هر تغییر جدید در ایدئولوژی دولت اسلامی عراق و شام را در خود سازگار می‌کند بی‌آنکه از لحاظ فکری نقشی در آن داشته باشد. این کار به طور موثری رفتاری مثل «کاپی و پیست» می‌باشد که ایدئولوژی داعش را سازگار می‌کند بدون اینکه هیچ اشتراکی در شکل‌دهی این ایدئولوژی داشته باشد. این تعهد ایدئولوژیک ضعیف میان بسیاری از اعضای ولایت خراسان به طور مداوم با انگیزه‌های مادی نشان داده شده است سهولتی که با آن گروه‌ها در طول تاریخ به آن پیوسته و دوباره ترک کرده‌اند و تمایل به انجام اقداماتی که که معمولاً توسط داعش کاملاً بعید در نظر گرفته می‌شود.

وقتی تمام این موارد را کنار هم قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که ولایت خراسان یک ولایت داعش به معنای واقعی کلمه نیست. ماهیت قبیله‌ای شدیداً پیچیده‌ی افغانستان به‌عنوان پایه و اساس این امر عمل می‌کند. به لطف ماهیت سنی حنفی جمعیت افغانستان، تسلط قبیله‌ای پشتون و ماهیت بیگانه ولایت خراسان، دشوار است که ایده‌ها و روش‌های داعش در افغانستان جذابیت پیدا کند. این گروه همچنین نتوانسته کاملاً به ایدئولوژی داعش پای‌بند باشد و در راستای تأسیس خلافت جهانی داعش تلاش کند یا حتی همکاری با تکفیری‌ها را رد کند. افزون بر این، ولایت خراسان هیچ گامی در جهت تغییر شیوه‌های عملیاتی خود از شورش‌گری که مختص طالبان است، به یک روش جنگی متعارف که از طریق آن شانس تصرف کامل افغانستان را داشته باشد، برداشته است. داعش به رغم جاه‌طلبی‌های جهانی، یک سازمان محلی متناسب

با سوریه و عراق است و این تناسب گونه‌ای است که ولایت خراسان آن را در افغانستان ندارد و نمی‌تواند داشته باشد.

حامیان دولت اسلامی ولایت خراسان

اهداف حامیان داخلی و بین‌المللی دولت اسلامی ولایت خراسان، تبعیت ایدئولوژیک این گروه از داعش، تاکتیک‌ها و اهداف خود این گروه را کنترل می‌کند. بنابراین، ضرور است که حمایت از این گروه را در بستر چند شاخه‌ای که در آن وجود دارد، در نظر گرفت. دولت اسلامی ولایت خراسان بسته به موقعیت فعالیتش در سطح افغانستان، از جانب طیف وسیعی از منابع خارجی و داخلی حمایت می‌شود. درباره ساختار حمایتی خارجی این گروه توضیحات متنوعی وجود دارد. پاکستان، ایران و حتی ایالات متحده و متحدانش در حوزه خلیج فارس بارها متهم شده‌اند که مخفیانه دولت اسلامی ولایت خراسان را در افغانستان ایجاد کرده‌اند.^{۱۱} ^{۱۲} کارشناسان غربی براین باورند که دولت اسلامی ولایت خراسان یک گروه انشقاقی خودمختار از دولت اسلامی است و به‌غیر از گهگداری مداخله دولت اسلامی عراق و شام، نفوذ خارجی بر آن اندک است. با این حال، کارشناسان منطقه‌ای معتقدند که برعکس این باور واقعیت دارد. و آن این است که احتمالاً بازتاب‌دهنده ماهیت چند وجهی این گروه است.

افغانستان از جهات بسیاری مکان مناسب برای دولت اسلامی است تا دامنه خود را برای جلب حمایت گسترش دهد. افغانستان بین ۲۷ تا ۶۴ هزار جنگ‌جوی مبارز که برای سازمان‌های بنیادگرایی اسلامی می‌جنگند، دارد. در مقایسه با دیگر سوریه و عراق، سوریه بین ۴۳ تا ۷۰ هزار و عراق بین ۱۰ تا ۱۵ هزار جنگ‌جوی بنیادگرای اسلامی دارد.^{۱۳} علاوه براین، دولت اسلامی عراق و شام در ۴ مارچ سال ۲۰۱۸ با نشر ویدیویی از هواداران خود خواست که اگر نمی‌توانند به سوریه و عراق سفر کنند، به خراسان بروند.^{۱۴} در واقع، اولین نشانه‌های حضور دولت اسلامی

^{۱۱} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی
^{۱۲} مصاحبه با باشندگان محلی در کنز و ننگرهار افغانستان

^{۱۳} Jones, S. Newlee, D & N Harrington (2018, November 20) Evolution of the Salafi-Jihadist Threat. CSIS. Accessed [online](#)

^{۱۴} Ibrahim N. Akbarzadeh, S. (2018, July 19) Intra-Jihadist Conflict and Cooperation: Islamic State-Khorasan Province and the Taliban in Afghanistan. Studies in Conflict & Terrorism. Accessed [online](#)

ولایت خراسان در منطقه خراسان زمانی حس شد که جزواتی به زبان دری و پشتو و تحت عنوان «فتح» بین مهاجران افغان در پاکستان پخش شد.^{۱۵}

دولت اسلامی ولایت خراسان توانسته مبلغ قابل توجهی پول را برای کمک به گسترش این گروه در افغانستان جمع‌آوری کند، اما این‌که این پول دقیقاً از کدام منابع آمده، همچنان محل بحث است. براساس برآورد اخیر یک کارشناس، دولت اسلامی ولایت خراسان در سال ۲۰۱۶ نزدیک به ۲۷۱ میلیون دالر امریکایی از تمویل‌کنندگان خصوصی یا افراد (حدود ۱۲۰ میلیون دالر امریکایی)، دولت اسلامی عراق و شام در سوریه و عراق (تقریباً ۷۸ میلیون دالر امریکایی)، دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس (حدود ۴۰ میلیون دالر امریکایی) و زکات (حدود ۳۳ میلیون دالر امریکایی) جمع‌آوری کرده است.^{۱۶} با این‌حال، گزارش‌های دیگر ادعا می‌کنند که کمک‌های مالی افراد کم است و این گروه از دولت‌های خارجی یا سازمان‌های استخباراتی اصلاً پولی دریافت نکرده است.^{۱۷}

گزارش‌های متناقض درباره منابع مالی این سازمان و این‌که چه میزان پول توانسته جمع‌آوری کند، ممکن است ناشی از چنددستگی این سازمان باشد. مجراهای حمایتی هر یک از جناح‌های درون این سازمان متفاوت است و گزارش‌های متفاوت یا متناقض نشان می‌دهد که حامیان خارجی این گروه به‌خصوص با توجه به کشوری که در آن هستند، در ارائه پشتیبانی و حمایت از دولت اسلامی ولایت خراسان با موانع روبه‌رو هستند. از این‌رو، حمایت از دولت اسلامی ولایت خراسان باید به‌عنوان حمایت از مجموعه‌ای از گروه‌های مختلف با اهداف گاه متفاوت در نظر گرفته شود نه حمایت از یک نهاد واحد و یک‌پارچه.

¹⁵ Guistozzi, A. (2018, September 1) *Islamic State Khorasan*. London. C. Hurst & Co. P.1

¹⁶ Ashraf, S. (2017) *ISIS Khorasan: Presence and Potential in the Afghanistan-Pakistan Region*. The Henry Jackson Society. Accessed [online](#)

¹⁷ Guistozzi, A. (2018, September 1) *Islamic State Khorasan*. London. C. Hurst & Co. P.13

پاکستان از «دولت اسلامی ولایت خراسان» به عنوان یک استراتژی پوشش ریسک

حمایت می‌کند

انتقاد از حمایت مالی پاکستان از دولت اسلامی ولایت خراسان، پیرامون روابط این کشور با طالبان و پیامدهای احتمالا منفی توافق صلح ایالات متحده با طالبان روی روابط پاکستان و طالبان اثرگذار می‌باشد. براساس این نظریه، پاکستان هم حامی مالی اصلی و هم تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی در خصوص اقدامات دولت اسلامی ولایت خراسان است. طبق این نظریه، اگر رفتار طالبان پس از توافق صلح برای پاکستان رضایت‌بخش نباشد، دولت اسلامی ولایت خراسان احتمالا به عنوان گروه شورشی جدید برای به چالش کشیدن طالبان به کار گرفته خواهد شد. در پشت این نظریه دست‌کم تا حدودی منطق نهفته است. گروه‌هایی که دولت اسلامی ولایت خراسان را تشکیل می‌دهند، نسبتا از هم گسیخته‌اند و ولایت خراسان مطمئنا به گونه‌ای ساختار یافته است که به سرعت می‌توان گروه‌های جدید را در آن ادغام کرد.

تخمین زده می‌شود که در صورت توافق صلح، حدود ۵ تا ۲۰ درصد نیروی طالبان از این گروه جدا شوند.^{۱۸} اگر فقط ۵ درصد نیروی طالبان به ولایت خراسان بپیوندند، اندازه این گروه دو برابر خواهد شد و اگر ۲۰ درصد نیروی طالبان از این گروه جدا شوند، دولت اسلامی ولایت خراسان پنج برابر خواهد شد. در این صورت پاکستان دارای نیروی جنگی متشکل از ۲۰ هزار جنگ‌جوی بالقوه خواهد بود که در صورت توافق نامطلوب بین ایالات متحده و طالبان [برای پاکستان]، آماده‌ی واکنش و مقابله می‌باشند. با این حال، این یک تحلیل گمراه‌کننده به نظر می‌رسد، در حالی که دخالت پاکستان [در این مسأله] احتمالا یک استراتژی به‌منظور کاهش خطر برخاسته از دولت اسلامی ولایت خراسان در تضعیف موقعیت طالبان است.

زمینه تاریخی و واقعیت‌های عینی بدون شک نشان از دخالت پاکستان دارد. گروه‌های سلف اصلی دولت اسلامی ولایت خراسان از جمله تحریک طالبان پاکستان، انصارالمجاهدین، جنبش اسلامی ازبیکستان، حزب التحریر تاجیکستان و انصارالله از نزدیک با آی‌اس‌آی پاکستان در ارتباط بوده‌اند^{۱۹} و این ارتباط در گزارش استخباراتی سال ۲۰۱۲ ناتو که به بیرون درز کرد،

^{۱۸} مصاحبه با مدیر برنامه‌ی ثبات و پیشرفت مرکز تحلیل نوال، دکتر جاناتان سکوردن

^{۱۹} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

به‌عنوان ارتباط «صمیمی» توصیف شده است.^{۲۰} روابط باقی‌مانده به خوبی می‌توانست بر جابه‌جایی‌ها غالب آید و دور از منطق نیست که باور کنیم این اتفاق افتاده است. یک مرد محلی در ننگرهار به خاطر دارد که یک جاسوس پاکستانی در روستای وی در حال هماهنگی برنامه‌ها و منابع با دولت اسلامی ولایت خراسان بازداشت شد.^{۲۱} همچنین یک مقام پیشین دولت افغانستان از جلسه‌ای یاد می‌کند که در آن به وی نقشه‌ای داده می‌شود که در آن تعداد باورنکردنی از موقعیت‌های دولت اسلامی ولایت خراسان نزد آی‌اس‌آی معلوم بوده است. او ادعا کرد که آی‌اس‌آی به حکومت افغانستان از حملات ولایت خراسان به حمایت مالی پاکستان، هشدار داده است.^{۲۲} علاوه بر این، رهبران دولت اسلامی ولایت خراسان همه اتباع پاکستان بوده‌اند. از این رو مطابق این نظریه، هیچ مانع زبانی یا فرهنگی سد راه نفوذ و کنترل پاکستان بر این گروه وجود ندارد.

همچنین دیده شده است که پیوسته از پاکستان تجهیزات و افراد به ولایت خراسان فرستاده می‌شود. باشندگان ولایت ننگرهار و کنگر پیوسته گزارش داده‌اند که اردو زبان اصلی جنگ‌جویان دولت اسلامی ولایت خراسان است و این امر را با حمایت دولت پاکستان از این گروه، مرتبط می‌دانند.^{۲۳} کسانی که عضویت این گروه را دارند به رغم ادعاهای مخالف، به افغانستان یا پاکستان پیوند دارند. کارشناسانی که به سوابق و مدارک مرتبط به این گروه دسترسی دارند، تخمین می‌زنند که دست‌کم ۹۰ درصد اعضای این گروه از پاکستان یا افغانستان می‌آیند.^{۲۴} به‌خصوص جنگ‌جویان پیشین تحریک طالبان پاکستان، بخش قابل‌توجهی از قدرت جنگی این گروه را تشکیل می‌دهند. بنابراین، وجود تعداد زیادی از جنگ‌جویان پاکستانی در این گروه جای تعجب ندارد. همچنین بیش‌تر مواد برای ساخت بمب برای این گروه از پاکستان می‌آید. از پشاور و کویت به‌عنوان منابع اصلی عنصر مهم تولید مواد منفجره این گروه، یعنی آمونیوم نایتریت، نام برده شده است.^{۲۵} همچنین نیروهای مرزی افرادی را در گذرگاه‌های مرزی افغانستان-پاکستان

²⁰ Radio Free Europe (2012, February 01) Leaked NATO report shows Pakistan support for Taliban. Accessed online

^{۲۱} مصاحبه با باشندگان محلی کنگر و ننگرهار، افغانستان

^{۲۲} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۲۳} مصاحبه با باشندگان محلی کنگر و ننگرهار، افغانستان

^{۲۴} مصاحبه با استادیار مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت، دکتر امیره جادن

^{۲۵} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

دستگیر کرده‌اند که پول یا تجهیزات را در دستار یا موتوره‌های حامل سبزیجات به قصد رساندن آن به دست دولت اسلامی ولایت خراسان، مخفی کرده بودند.^{۲۶} علاوه بر این، کیفیت و کمیت تجهیزات در دسترس دولت اسلامی ولایت خراسان باعث شده است که برخی به این نتیجه برسند که حتما دولتی آن را تأمین می‌کند که به لحاظ جغرافیایی به افغانستان نزدیک است. گذشته از این، آن‌عه از اعضای این گروه که برای این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، گفته‌اند که سلاح‌های آنان در پاکستان تهیه و توسط تسهیل‌کنندگان در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد.^{۲۷} گفته می‌شود که کلاشینکف (AK-47) های بدلی در پاکستان ساخته می‌شود و به واحدهای دولت اسلامی ولایت خراسان در ولایات افغانستان عرضه می‌شود. هرچند هیچ‌یک از این موارد آشکارا حمایت پاکستان از این گروه را اثبات نمی‌کند، اما نشان می‌دهد که احتمالا دولت پاکستان این حمایت‌ها و فعالیت‌ها را نادیده می‌گیرد یا حتی تسهیل‌کننده‌ی آن است.

با این حال، در این نظریه خطر اغراق در مورد دخالت پاکستان و همچنین بی‌توجهی به اهداف استراتژیک کلان آن وجود دارد. دولت اسلامی ولایت خراسان یکی از اهدافش را سرنگونی دولت پاکستان اعلام کرده و از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ حدود ۸۳ حمله در داخل پاکستان انجام داده که در مجموع ۷۰۶ نفر در نتیجه‌ی آن کشته شده است.^{۲۸} این گروه همچنین براساس «بانک اطلاعاتی موقعیت و رویداد منازعه مسلحانه» ۱۶ حمله‌ی دیگر را از ۲۰۱۸ تا نوامبر ۲۰۱۹ انجام داده است. گذشته از این، هدف نهایی پاکستان همواره این بوده که یک دولت دوست و سنی‌مذهب را در کابل مستقر کند.^{۲۹} توافق طالبان با ایالات متحده استراتژی کلان پاکستان را به موفقیت نزدیک‌تر می‌کند نه دورتر. تضعیف قدرت جنگی طالبان و معرفی یک گروه شورشی رقیب، اهداف ژئواستراتژیک پاکستان را ضربه می‌زند، حتی اگر به گفته‌ی برخی، دولت اسلامی ولایت خراسان برای جلوگیری از، دست‌دادن کنترل طالبان معرفی شده باشد.

^{۲۶} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۲۷} مصاحبه با جنگجوی ایرانی داعش در افغانستان، امین دلنشین

²⁸ Jadoon, A. (2018, December 03) Allied and Lethal. Combatting Terrorism Center at the USMA West Point. Accessed online

^{۲۹} مصاحبه با مدیر برنامه‌ی ثبات و پیشرفت مرکز تحلیل نوال، دکتر جاناتان سکوردن

یک مقام فعلی دولت افغانستان سناریویی را توضیح می‌دهد که از جهاتی قابل قبول و محتمل‌تر به نظر می‌رسد؛ این‌که پاکستان احتمالاً نقش «مدیر پروژه» میانجی‌گری را بین طالبان و دولت اسلامی ولایت خراسان بازی می‌کند.^{۳۰} در نهایت، اقدامات قابل مشاهده پاکستان با کمک این کشور به ولایت خراسان ناسازگار است. عملیات «ضرب عضب» در ماه جون سال ۲۰۱۴ تلاشی از جانب ارتش پاکستان برای خنثی کردن تحریک طالبان پاکستان، سلف دولت اسلامی ولایت خراسان، در خاک پاکستان بود. ارتش پاکستان حملات مشابهی را در ایالت‌های خیبرپختون‌خواه و بلوچستان نیز سازمان داد. طبق این استدلال، ارتش [پاکستان] تلاش کرده است تا مانع جنگ طالبان و ولایت خراسان علیه یک‌دیگر شود. دقیقاً برای رسیدن به این هدف، جلسه‌ای بین اعضای طالبان، شبکه حقانی و دولت اسلامی ولایت خراسان در راولپیندی برگزار شد.^{۳۱} ادعایی که بارها تکرار شده این است که پاکستان در اطراف مرز افغانستان-پاکستان دخالت دارد نه سراسر افغانستان و این امر، بیشتر دال به محدودیت‌هایی است که نشان می‌دهد پاکستان آماده نیست از آن بیشتر خودش را درگیر کند.

بنابراین، توصیف مناسب نقش پاکستان می‌تواند این باشد که این کشور بیش‌تر در پی محافظت از اهداف ژئوپلیتیک خود است. حمایت آی‌اس‌آی از دولت اسلامی ولایت خراسان با حمایت این سازمان از طالبان متفاوت است؛ دخالت آی‌اس‌آی به احتمال زیاد تلاش برای جلوگیری از برخورد این دو گروه است تا کوششی برای ایجاد تغییر از طریق دولت اسلامی ولایت خراسان به‌عنوان یک عنصر نیابتی.

^{۳۰} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

^{۳۱} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

تماس‌های ایران

امکان و احتمال وجود روابط و تماس‌های بین عده‌ای از حلقات استخباراتی ایران با افراد گروه دولت اسلامی ولایت خراسان در غرب افغانستان به عنوان یک فرضیه توسط نهادهای امنیتی دولت افغانستان و رقبای غربی و عربی این کشور مطرح شده است. این فرضیه پیچیده و متناقض نیاز به مطالعه بیش‌تر و دسترسی به منابع معتبر برای راستی آزمایی آن دارد. از یک سو، در خاورمیانه، ایران به عنوان یکی از نیروهای اصلی مبارزه با داعش شناخته می‌شود که برای مقابله با این گروه ایران هزینه‌های فراوان، مالی و انسانی را از جمله ایجاد لشکر فاطمیون پرداخت نموده است. از سوی دیگر اتهامات متقابل سازمان‌های امنیتی علیه رقبای خود بخشی از رویه کاری سازمان‌های استخباراتی می‌باشد که هم ایران و هم رقبای غربی و منطقه‌ای آن علیه یکدیگر استفاده می‌کنند. هم‌چنین داشتن روابط با تمام گروه‌های تروریستی، در کارنامه تمام سرویس‌های امنیتی وجود دارد. در مقیاس بزرگ‌تر، حمایت و استفاده از گروه‌های تروریستی به عنوان یکی از ابزار سیاست خارجی و امنیتی بخشی از سیاست‌های قدرت‌های جهانی و بعضی از بازیگران منطقه‌ای می‌باشد. بنابر این روابط سرویس‌های امنیتی با گروه‌های تروریستی امر سیاه و سفید نبوده بلکه دارای جلوه‌های گوناگون است. درک بهتر از این روابط پیچیده نیاز به مطالعات بیش‌تر دارد. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان امیدوار است در قسمت‌های بعدی از سلسله پژوهش‌های خود پیرامون پدیده افراط‌گرایی از جمله دولت اسلامی ولایت خراسان به بخشی از این روابط بپردازد.

امکان و احتمال تماس‌های استخباراتی ایران با بعضی از افراد منسوب به ولایت خراسان ایران است. ایران نیز از جنگجویان فاطمیون در جهت مبارزه با دولت اسلامی عراق و شام استفاده می‌کند. به لحاظ نظری گمانه‌های وجود دارد که احتمالاً بعضی از حلقات استخباراتی ایران از دولت اسلامی ولایت خراسان به‌عنوان وسیله‌ای برای نیروهای ائتلاف مستقر در این کشور، حمایت می‌کند. این چشم‌انداز که دولت شیعی ایران از سازمانی حمایت کند که عمداً شیعیان را در افغانستان هدف قرار می‌دهد، در نگاه اول غیرمحتمل به نظر می‌رسد اما شواهدی وجود دارد که این شک را به‌وجود آورده‌اند. گفته می‌شود که مقامات استخباراتی ایران برای تماس با گروه‌های شاخه خراسان دولت اسلامی در فراه دیده شده‌اند. هم‌چنین گفته می‌شود در حالی که

طالبان در حال حمله بر مواضع دولت اسلامی ولایت خراسان بوده‌اند، ایران برای جنگ‌جویان دولت اسلامی، آموزش‌دیده‌ی ایران، پناه‌گاه امن فراهم کرده است.^{۳۲} علاوه بر این، وزارت دفاع امریکا ادعا کرده است که نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در حمایت از دولت اسلامی ولایت خراسان فعالیت می‌کنند اما در مورد تعداد نیروهای قدس و مناطقی در افغانستان که آن‌ها فعالند، چیزی نگفته است.^{۳۴} سپاه قدس به لحاظ تاریخی از طریق نمایندگانی چون محمد ابراهیم اوحدی و اسماعیل رضوی، هر زمان که به نفع سیاست‌های ایران بوده، از طالبان حمایت کرده است. برای مثال اوحدی حملات طالبان در ولایت هرات را هماهنگ کرده و سازمان داده است.^{۳۵} نظر دولت ایران خلاف این گمانه‌ها است و تأکید بر این دارد که امریکا قصد داشته نیروهای داعش را از عراق و سوریه به افغانستان انتقال دهد.^{۳۶}

دلایل بیشتر برای متهم کردن ایران احتمالاً از موقعیت تاریخی این کشور به‌عنوان گذرگاه جهادی‌ها ناشی می‌شود؛ جهادی‌هایی که برای پیوستن به گروه‌های سلفی در منطقه از ایران عبور می‌کنند. افغان‌ها و پاکستانی‌ها از طریق ایران به عراق برای پیوستن به داعش سفر می‌کردند. آن‌ها برای این‌که توسط مقامات ایران شناسایی نشوند، با ظاهر مبدل و به‌عنوان مهاجران اقتصادی سفر می‌کردند.^{۳۷} جنگ‌جویان فعلی دولت اسلامی ولایت خراسان از ازبکستان، تاجیکستان و روسیه نیز ادعا می‌کنند که از طریق ایران مسیر پیوستن به این گروه را پیموده‌اند.^{۳۸} یک گُرد ایرانی که هنگام جنگ برای دولت اسلامی ولایت خراسان اسیر شده بود، ادعا کرد هنگامی که ساکن ایران بود، از طریق یک گروه تلگرامی به استخدام ولایت خراسان

^{۳۲} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۳۳} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

^{۳۴} US Department of Defense (2019, May 17) Lead Inspector General for Operation Freedom's Sentinel, Quarterly Report to the United States Congress Jan 1st 2019 - March 31st 2019.

^{۳۵} US Department of the Treasury (2018, October 23) Treasury and the Terrorist Financing Targeting Center Partners Sanction Taliban Facilitators and their Iranian Supporters. Accessed [online](http://www.rfi.fr/fa/%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%AF)

^{۳۶} <http://www.rfi.fr/fa/%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%AF>

^{۳۷} Guistozzi, A. (2018, September 1) *Islamic State Khorasan*. London. C. Hurst & Co. P.24

^{۳۸} مصاحبه با یک خبرنگار ایران اینترنشنال

درآمد.^{۳۹} همچنین جنگ‌جویان دولت اسلامی ولایت خراسان که از طریق ایران به این گروه ملحق شده‌اند، پاسپورت و تذکره افغانی دریافت کرده‌اند که احتمالاً از طریق رابط‌هایی در داخل افغانستان در اختیار آن‌ها قرار گرفته است. این تازه‌سربازان از خاک ایران به بلوچستان در مرز نیمروز افغانستان منتقل می‌شوند؛ گزارش‌ها می‌گویند که آن‌ها با چنان سهولتی از نیمروز وارد افغانستان می‌شوند که از نظر مصاحبه‌شوندگان، چنین جابه‌جایی ممکن بدون حمایت دولت ایران میسر نباشد.^{۴۰} بعید است که ایران آگاهانه به سربازان داعش اجازه بدهد از خاکش برای جنگ با نزدیک‌ترین متحد ایران، بشار اسد، عبور کنند؛ اما این‌که ایران اجازه دهد جنگ‌جویان از خاکش به افغانستان و پیش بردن نبردهای ژئوپلیتیکی تهران در افغانستان، عبور کنند، محتمل به نظر می‌رسد. همچنین ممکن است سرخ‌ری را درباره این‌که چه‌طور تازه‌سربازان دولت اسلامی ولایت خراسان برای پیوستن به این گروه از روسیه و آسیای میانه به افغانستان سفر می‌کنند، به دست دهد. در عین حال منابعی دیگر بر نگرانی تهران در مورد حضور دولت اسلامی در افغانستان تأکید دارد و این را به مثابه‌ی خطر برای ایران قلمداد می‌کند.^{۴۱}

به نظر می‌رسد ایران عموماً از دولت اسلامی ولایت خراسان حمایت نمی‌کند بلکه از نفوذ محدودی بر عناصر این گروه در غرب افغانستان در نزدیکی مرز خود به ویژه ولایت هرات برخوردار است. فشار از جانب ایران نیز می‌تواند یکی از دلایل این باشد که دولت اسلامی ولایت خراسان با ارتش آزادی‌بخش بلوچستان همکاری می‌کند؛ به این معنا که همکاری در افغانستان و پاکستان می‌تواند پای جنگ‌جویان را از ایران جمع کند، هرچند نمی‌توان بر این باور مطمئن بود.

علاوه بر این، هدف ایران از دخالت ممکن است مانند ادعای حمایت پاکستان از دولت اسلامی ولایت خراسان، این باشد که تهران سعی می‌کند با اعمال نفوذ بر این گروه، از عناصر نیابتی خودش در افغانستان محافظت کند. گفته می‌شود که جنگ‌جویان فاطمیون پس از فروپاشی

^{۳۹} مصاحبه با یک جنگ‌جوی ایرانی داعش در افغانستان، امین دلشین

^{۴۰} مصاحبه با جنگ‌جویان دولت اسلامی ولایت خراسان در افغانستان در زندان ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان
^{۴۱} <https://foreignpolicy.com/2014/07/10/the-iran-factor-in-afghanistan/>

خلافت داعش در عراق و سوریه، به تعداد قابل توجه اما نامشخص به افغانستان بازگشته‌اند.^{۴۲} بنابراین، احتمال دارد انگیزه‌ی دخالت ایران در افغانستان دوگانه باشد. احتمال دارد سپاه قدس دولت اسلامی ولایت خراسان را تطمیع کند تا از درگیری این گروه با فاطمیون جلوگیری و همچنین از تمرکز دولت اسلامی بر اهداف مرتبط با دولت کابل و ناتو، اطمینان حاصل کند.

با این حال، این لزوماً نقطه عطفی در رابطه با دخالت ایران در افغانستان نیست. «دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی» وزارت خزانهداری ایالات متحده اعضای سپاه قدس، محمد ابراهیم اوحدی و اسماعیل رضوی را به خاطر سازمان‌دهی حملات طالبان در ولایت هرات در ماه اکتبر سال ۲۰۱۸ تحریم کرده است.^{۴۳} ایران همچنین منتقد پر سروصدای حضور ایالات متحده در افغانستان بوده و از سال ۲۰۰۱ برای بیرون‌راندن ایالات متحده تلاش کرده است. از این‌رو، حمایت ایران از دولت اسلامی ولایت خراسان به مثابه‌ی نقطه‌ی تکامل سیاستی است که از قبل موجود بوده است.

با وجود موارد اشاره شده، ایران تأکید بر مبارزه با دولت اسلامی دارد و حضور عوامل و نیروهای این جریان را از فعالیت‌های آمریکا برای ناامن سازی منطقه می‌داند.^{۴۴}

^{۴۲} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۴۳} US Department of the Treasury. (2018, October 23) Treasury and the Terrorist Financing Targeting Center Partners Sanction Taliban Facilitators and their Iranian Supporters. Accessed [online](#)

^{۴۴} <https://www.nytimes.com/2019/08/20/world/asia/isis-afghanistan-peace.html>

شاخه‌ی ولایت خراسان کاملاً متکی به خود دولت اسلامی است

بررسی سوابق نیرو و اقدامات دولت اسلامی ولایت خراسان نشان می‌دهد که این گروه تا حدی متکی به خود است. «مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت» بیش از ۴ هزار سند به‌دست آمده از دولت اسلامی ولایت خراسان را بررسی کرده است. این مرکز در ارزیابی خود گفته که ولایت خراسان مرتب با دولت اسلامی عراق و شام ارتباط برقرار می‌کند. با این حال، جالب این‌جاست که هیچ مدرکی دال بر ارتباط مستقیم این گروه با نمایندگان دولت‌های خارجی، در دست نیست.^{۴۵} دولت اسلامی عراق و شام (نه دولت یا حامی خارجی) در آپریل ۲۰۱۹ هیئتی را برای نظارت بر انتخاب مولوی عبدالله به جای ابو عمر الخراسانی، رهبر ولایت خراسان در آن زمان، می‌فرستد.^{۴۶} این اقدام با داعش هم‌خوانی دارد. روکمینی کالیماچی، روزنامه‌نگار نیویورک تایمز، حدود ۱۵ هزار سند دولت اسلامی عراق و شام را که از عراق به دست آمده، بررسی و با دقت سیستم جمع‌آوری مالیات داعش را ارزیابی کرده است. کالیماچی از بررسی این اسناد نتیجه گرفته که فقط ۲ درصد عواید داعش از حمایت مالی دولت خارجی حاصل شده است.^{۴۷} در این اسناد هیچ مدرکی دال بر دریافت دستور از طرف حامی دولتی خارجی دیده نشده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که یکی از مشخصه‌های مهم دولت اسلامی عراق و شام، توانایی این گروه در اداره مؤثر یک دولت در حدی است که بتواند به خودکفایی مالی برسد.

دولت اسلامی ولایت خراسان نیز سعی کرده است به خودکفایی مالی برسد. این گروه بر گذرگاه سودآور خیبر برای قاچاق تا نوامبر ۲۰۱۹ کنترل جدی داشت و برای تصرف معادن تالک و منابع چوب در ولایت کمر جنگیده است. تصور می‌شود که این منابع اکنون بخش اعظمی از بودجه این گروه را تأمین می‌کند. براساس اسناد بررسی‌شده توسط مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت، دولت اسلامی ولایت خراسان تقریباً تمام بودجه خود را از طریق قاچاق چوب و استخراج معادن تالک یا از وجوه مالی ارائه‌شده توسط دولت اسلامی عراق و شام به‌دست آورده است. خود جنگ‌جویان دولت اسلامی ولایت خراسان هنگام مصاحبه برای این پژوهش، اشاره‌ای

^{۴۵} مصاحبه با استادیار مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت، دکتر امیره جدن

^{۴۶} مصاحبه با یک مقام در سازمان ملل متحد

^{۴۷} Attendance at New York Times Journalist, Rukmini Callimachi, presentation 'the ISIS files' 15/11/2019

به ارتباط این گروه با پاکستان یا کشور دیگری نکردند.^{۴۸ ۴۹} دولت اسلامی ولایت خراسان بودجه اولیه خود را از داعش دریافت کرده اما پس از آن، منابع در دولت افغانستان می‌گویند که پس از کمبود امکانات، داعش مجبور شده تا به ولایت خراسان دستور دهد که خودش نیازهای مالی خود را برآورده کند. وخیم‌شدن وضعیت مالی دولت اسلامی ولایت خراسان در ۱۸ ماه گذشته^{۵۰}، با توجه به شکست داعش در عراق و سوریه و به دنبال آن پنهان‌شدن رهبران آن، تصادفی به نظر نمی‌رسد. شایعات مبنی بر رو آوردن ولایت خراسان به تولید تریاک و مواد مخدر، از نظر بسیاری به‌عنوان تلاش این گروه برای رسیدن به خودکفایی مالی دانسته شده است.^{۵۱}

همچنین بارها گزارش شده است که دولت اسلامی ولایت خراسان مجهزتر از طالبان است. شاهدان در ننگرهار و کنر گزارش می‌دهند که جنگ‌جویانی را دیده‌اند که سلاح‌های مدرن با خود حمل می‌کنند و مهمات فراوان در اختیار دارند. کارشناسان متعدد افغان این نظریه را که ولایت خراسان سلاح‌های خود را از منابع فراوان و از قبل موجود در کشور تهیه می‌کند و در نتیجه با طالبان فرق دارد، تأیید می‌کنند.^{۵۲} با این حال، ولایت خراسان برخلاف دولت اسلامی عراق و شام با تسلیحات سنگین مجهز نیست. موقعیت جغرافیایی این گروه در ننگرهار و کنر، قاچاق تسلیحات سبک به دو طرف مرز افغانستان و پاکستان را به لحاظ موقعیت جغرافیایی آسان می‌کند. ولی برعکس، انتقال وسایل نقلیه زرهی یا سیستم‌های پیشرفته مانند سیستم پدافند هوایی قابل حمل (MANPAD) در این مناطق دشوار است. با این وجود، ولایت خراسان به منابع اضافی تجهیزات نظامی موجود در افغانستان، دسترسی دارد.^{۵۳} به‌ویژه تسلیحات سبک بسیار آسان قابل دسترسی هستند و دشوار است که تصور کنیم این گروه از این فرصت و منابع استفاده نکرده‌اند. قاچاق اسلحه در افغانستان دسترسی به اسلحه را برای هرکسی که پول خرید آن را داشته باشد، به شدت آسان کرده است.

^{۴۸} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

^{۴۹} مصاحبه با یک خبرنگار ایران اینترنشنال

^{۵۰} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۵۱} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۵۲} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

^{۵۳} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

داشتن تجهیزات مدرن تر لزوما نشان‌دهنده این نیست که دولتی آن را در اختیار گروه‌ها قرار داده بلکه نشان می‌دهد ولایت خراسان نسبت به طالبان در کل از مدیریت مالی بهتر و جریان تدارکاتی مستقل برخوردار است. این مسأله نیز با سایر «واقعیت‌ها» در مورد دولت اسلامی ولایت خراسان هم‌خوانی دارد. گزارش‌ها می‌گویند که معاش ماهانه یک جنگ‌جوی ولایت خراسان (۵۰۰ دالر در ماه) دو برابر یک جنگ‌جوی طالبان است. جنگ‌جویان ولایت خراسان خودشان گزارش داده‌اند که کامپیوتر و سایر دستگاه‌های تکنولوژیکی، به‌عنوان ابزار و مزایای کار، در اختیارشان قرار می‌گیرد.^{۵۴}

با این حال در نتیجه‌گیری از وضعیت مالی ظاهراً بهتر دولت اسلامی ولایت خراسان نسبت به طالبان باید احتیاط کرد. این وضعیت، همان‌طور که توسط چند مصاحبه‌شونده برای این تحقیق مطرح شده، می‌تواند دلالت بر حمایت سخاوتمندانه یک حامی دولتی از این گروه کند. ولی شاید وضعیت مالی بهتر این گروه فقط به خاطر اندازه بسیار کوچکتر آن نسبت به طالبان باشد. این گروه با پرسنل ۳ تا ۶ هزار نفری^{۵۵} نیرویی ۹۵ درصد کوچک‌تر از طالبان است. دولت اسلامی ولایت خراسان از نظر تئوری اقتصادی می‌تواند از «صرفه‌مقیاس» یا (Economies of Scale) بهره‌مند شود. اعضای دولت اسلامی ولایت خراسان در مصاحبه برای این پژوهش گفته‌اند که مبلغی که به آن‌ها پرداخت می‌شود بسیار کمتر از مبلغی است که هنگام پیوستن به این گروه به آن‌ها تبلیغ می‌شود. با این‌وجود ردپای محدود آن‌ها در افغانستان و تمرکز این گروه در کابل، ننگرهار و کنر، در اختصاص سخاوتمندانه‌تر منابع به نفع شان تمام می‌شود.

^{۵۴} مصاحبه با خبرنگار ایران اینترنشنال

^{۵۵} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

حمایت دولت‌های غربی، حمایت دولت‌های خلیج فارس و حمایت‌های فردی از خلیج

فارس

ایالات متحده و متحدان آن از جمله کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز متهم به حمایت از دولت اسلامی ولایت خراسان هستند. ادعا شده است که پول پول نقد از عربستان از طریق امارات متحده عربی به شکل قاچاق به پرسنل ولایت خراسان در افغانستان رسانده می‌شود. بر اساس این نظریه آن‌ها [متحدان ایالات متحده] در تلاش‌اند تهدید دولت اسلامی عراق و شام را به مناطقی بکشانند که برای غرب از نظر ژئوپلیتیکی اهمیت کمتری دارد اما برای رقبای ژئوپلیتیکی‌شان مهم است.^{۵۶} دولت‌های عرب به‌ویژه عربستان سعودی و قطر، و ایالات متحده از طریق افغانستان بر روسیه، چین و ایران فشار وارد می‌کنند. موقعیت جغرافیایی این کشورها، حضور دولت اسلامی ولایت خراسان در افغانستان را به یک نگرانی امنیتی شدیداً مهم برای روسیه، چین و ایران تبدیل می‌کند. دولت اسلامی ولایت خراسان به راحتی قادر است جنگ‌جویان خارجی خود را که اکثراً از آسیای میانه و روسیه می‌آیند، پس به کشورهای مبدا صادر کند و حملات خود را در آنجا انجام دهد. ادعا شده است که بخش عمده‌ی حمایت دولت‌های خلیج فارس، حمایت مالی است اما معلوم نیست که انگیزه‌ی آن‌ها از حمایت از ولایت خراسان با انگیزه‌ی آنچه حمایت این دولت‌ها از دولت اسلامی در سوریه ادعا شده بود، یکی است یا خیر. طبق این نظریه، پول در جاهایی مانند امارات متحده عربی جمع‌آوری شده و به واحدهای ولایت خراسان در افغانستان توزیع می‌شود.

با این حال، فراتر از حدس و گمان مدارک و شواهد آنچنانی برای تقویت چنین ادعاهایی وجود ندارد. امارات متحده عربی در واقع در بستن کانال‌های مالی دولت اسلامی عراق و شام بسیار مؤثر بوده است. اتهاماتی مبنی بر این که هلیکوپترهای امریکایی و ناتو جنگ‌جویان ولایت خراسان را از محاصره طالبان در بدخشان نجات داده، باعث شده است برخی با حدس و گمان به این نتیجه برسند که ایالات متحده مخفیانه دولت اسلامی ولایت خراسان را در افغانستان اداره می‌کند.^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} با این حال، توضیح قابل قبول برای این «عملیات نجات» می‌تواند این باشد که

^{۵۶} مصاحبه با یک استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران-ایران

^{۵۷} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

وقتی جنگ جویان ولایت خراسان به نیروهای امریکایی یا ناتو تسلیم می‌شوند، این نیروها طبق مقررات جنگی خود مجبور به پذیرفتن آنها شده‌اند. همچنین در بازداشت تعداد قابل توجهی جنگ‌جو، سود استخباراتی بالقوه و چشم‌گیر نیز نهفته است.

^{۵۸} مصاحبه با یک خبرنگار بی‌بی‌سی

^{۵۹} مصاحبه با یک مقام سازمان ملل متحد

اتحاد با گروه‌های شبه‌نظامی محلی

دولت اسلامی ولایت خراسان، با وجود حفظ روابط با گروه‌های شبه‌نظامی محلی، مبارزه را با آن‌ها ادامه می‌دهد. این گروه‌ها به خصوص شامل طالبان می‌شود که دولت اسلامی ولایت خراسان، تا سرحد ریشه‌کن کردن آن‌ها پیش‌رفته بود. این روابط بیش‌تر معاملاتی به نظر می‌رسد تا ایدئولوژیک اما با آن‌هم، با «آرمان‌های دین‌گرایانه» مورد حمایت دولت اسلامی ولایت خراسان مغایرت دارد. دولت اسلامی ولایت خراسان رابطه پویا و پیچیده‌ای با طالبان دارد. شکل‌گیری این رابطه مبهم را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد. مرحله اول: دولت اسلامی ولایت خراسان در نتیجه ترک خدمت و تغییر جبهه‌ی اعضای پیشین تحریک طالبان پاکستان، طالبان در افغانستان و تعدادی از گروه‌های کوچک‌تر، در سال ۲۰۱۴ ظهور کرد. برخی از جناح‌های طالبان به‌خصوص شورای پشاور و شورای میران‌شاه، روابط صمیمانه‌ای با دولت اسلامی ولایت خراسان برقرار کردند و آن را یک گروه جهادی معتبر دانستند. طالبان جریان اصلی به رهبری شورای کویت، از ابتدا به ولایت خراسان مشکوک بوده‌اند و شورای مشهد طالبان که در ایران مستقر است، در مخالفت خود با ولایت خراسان مصمم‌تر بوده است.^{۶۰} مرحله دوم: در این مرحله (در بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶) رابطه بین ولایت خراسان و طالبان تیره‌تر شد و نبرد بر سر منابع آغاز شد. «بانک اطلاعاتی موقعیت و رویداد منازعه مسلحانه» از سال ۲۰۱۷ تاکنون حدود ۲۰۷ درگیری بین ولایت خراسان و طالبان را در ۱۴ ولایت افغانستان ثبت کرده است.^{۶۱} مرحله سوم رابطه طالبان و ولایت خراسان از ۲۰۱۷ آغاز و تاکنون شاهد همکاری‌های غیررسمی این دو گروه در برخی مناطق و همچنین ادامه‌ی درگیری بین این دو گروه در سایر مناطق بوده است.^{۶۲}

⁶⁰ brahimi N. Akbarzadeh, S. (2018, July 19) Intra-Jihadist Conflict and Cooperation: Islamic State–Khorasan Province and the Taliban in Afghanistan, *Studies in Conflict & Terrorism*. P.12 Accessed online

⁶¹ Jadoon, A. (2018, December 03) Allied and Lethal. *Combatting Terrorism Center at the USMA West Point*. Accessed online

⁶² Ibrahimi N. Akbarzadeh, S. (2018, July 19) Intra-Jihadist Conflict and Cooperation: Islamic State–Khorasan Province and the Taliban in Afghanistan. *Studies in Conflict & Terrorism*. P.10 Accessed online

به نظر می‌رسد که دولت اسلامی ولایت خراسان دست‌کم تا حدی از این رابطه مبهم با طالبان بهره می‌برد. برخی از تحلیل‌گران فرض را بر این گرفته‌اند که منشا مرگ‌بار بودن دولت اسلامی ولایت خراسان در مشارکت این گروه با سایر گروه‌های شبه‌نظامی منطقه‌ای باز می‌گردد.^{۶۳} روابط تاکتیکی سطح پایین و همکاری تاکتیکی با فرماندهان طالبان، تأسیس این ولایت در «خراسان» را از نقطه‌نظر تدارکاتی آسان کرده است. برای مثال، فرماندهان ولایت خراسان و فرماندهان ساحوی طالبان در خرید و فروش مواد منفجره باهم هماهنگی می‌کنند. تمرکز سربازگیری ولایت خراسان نیز از روابط قبلی سربازگیران این گروه با طالبان سود برده است. دست‌کم یک عضو دولت اسلامی ولایت خراسان که هم‌اکنون در دانشگاه کابل در رشته حقوق تحصیل می‌کند، برای طالبان نیز آشکارا سربازگیری می‌کند.^{۶۴} این کار در دانشگاه‌های کابل و جلال‌آباد یک امر معمول تلقی می‌شود.

رابطه دولت اسلامی ولایت خراسان با القاعده نیز به همین اندازه گیج‌کننده است. مایکل رایان، تحلیل‌گر تروریسم این دو گروه را به‌عنوان «دوقلوهای تاکتیکی و دشمنان استراتژیک» توصیف کرده است.^{۶۵} در چنین رابطه‌ای، دو گروه به سمت تجربه همکاری‌های محلی پیش رفته‌اند اما در عین حال، رقابت سازمانی استراتژیک خود را نیز ادامه داده‌اند.^{۶۶} القاعده سال‌ها را صرف ایجاد روابط با گروه‌های شبه‌نظامی اسلام‌گرا در پاکستان و افغانستان کرده است. القاعده طی این سال‌ها با سایر گروه‌های شبه‌نظامی مانند تحریک طالبان پاکستان و گروهک‌های فرقه‌ای محلی (که خود به ولایت خراسان علاقه دارد تا بر آن‌ها کنترل داشته باشد) یک «پیوند» ایجاد کرد.^{۶۷} آموزش و تمرین مشترک بین جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستان و القاعده، نشان‌دهنده استحکام رابطه این دو گروه است. تحریک طالبان پاکستان به ارائه امکانات و تجهیزات برای

⁶³ Jadoon, A. (2018, December 03) Allied and Lethal. Combatting Terrorism Center at the USMA West Point. Accessed online

⁶⁴ مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

⁶⁵ Zahid, F. Khan, M. I. (2016). Prospects for the Islamic state in Pakistan. *Current Trends in Islamist Ideology*, 20, 65-80,128.

⁶⁶ Ibrahimi N. Akbarzadeh, S. (2018, July 19) Intra-Jihadist Conflict and Cooperation: Islamic State–Khorasan Province and the Taliban in Afghanistan, *Studies in Conflict & Terrorism*. P.3 Accessed online

⁶⁷ Zahid, F. Khan, M. I. (2016). Prospects for the Islamic state in Pakistan. *Current Trends in Islamist Ideology*, 20, 65-80,128.

آموزش مشترک، القاعده در کمک به روند آموزش و گروهک‌های فرقه‌ای به تأمین پرسنل این آموزش در مناطق قبیله‌ای فدرال پاکستان، شناخته شده‌اند.^{۶۸} برای مثال، بمب‌گذاری انتحاری را القاعده به شبه‌نظامیان پاکستانی آموزش داده است. القاعده با تلاش بسیاری که برای ایجاد تقویت این روابط به خرج داده است، با افتادن کنترل این گروه‌ها به دست دولت اسلامی ولایت خراسان کاملاً مخالف خواهد بود.^{۶۹} منشا تاریخی دولت اسلامی عراق و شام که به موجب آن دولت اسلامی عراق ابومصعب الزرقاوی از القاعده (به علت عدم خلوص ایدئولوژیک القاعده) نشان‌دهنده‌ی خط تقسیم واضح و غالباً خوشونت‌آمیز است. حضور یک دشمن بزرگ‌تر از ائتلاف ولایت خراسان و القاعده، به علاوه نفوذ اعضای پیشین تحریک طالبان پاکستان که باعث ایجاد سطحی از همکاری‌های تاکتیکی و در عین حال حفظ رقابت استراتژیک بین این گروه‌ها شده است.

ریشه‌ی این همکاری‌های کاری، به احتمال زیاد دلیل عمل‌گرایانه دارد تا ایدئولوژیک. براساس مدارک موجود، گروه‌های تروریستی که از ارتباط سازمانی بیش‌تری برخوردارند، عموماً در حملات خود مرگ‌بارتر عمل کنند و دلیل آن احتمالاً می‌تواند این باشد که چنین گروه‌هایی می‌توانند تاکتیک‌های خلاقانه و مؤثر را از متحدین خود بیاموزند. همچنین همکاری بین سازمانی می‌تواند به بقای گروه‌های تروریستی به‌خصوص در شرایط دشوار، کمک کند.^{۷۰} گروه‌های جهادی به رغم اختلافات چشم‌گیر و رقابت‌های خود، می‌توانند از تاریخ مشترک و وابستگی ایدئولوژیک خود برای غلبه بر اختلافات تاکتیکی و ایدئولوژیک چشم‌گیر شان استفاده کنند.^{۷۱} در این مورد می‌توان هماهنگی سطح متوسط ولایت خراسان و طالبان علیه اردوی ملی افغانستان و نیروهای ناتو را مثال زد. تحلیل‌گران همچنین به این نتیجه رسیده‌اند که

⁶⁸ Zahid, F. Khan, M. I. (2016). Prospects for the Islamic state in Pakistan. *Current Trends in Islamist Ideology*, 20, 65-80,128.

⁶⁹ Zahid, F. Khan, M. I. (2016). Prospects for the Islamic state in Pakistan. *Current Trends in Islamist Ideology*, 20, 65-80,128.

⁷⁰ Justin V. Hastings & Farah Naz (2017) The trials and travails of the Islamic State in Pakistan, *Australian Journal of International Affairs*, 71:3, 335-353.

⁷¹ Ibrahim N. Akbarzadeh, S. (2018, July 19) Intra-Jihadist Conflict and Cooperation: Islamic State–Khorasan Province and the Taliban in Afghanistan, *Studies in Conflict & Terrorism*. P.3 Accessed online

جنگ‌جویان مسلمان اغلب به دلایل مذهبی از گرفتن سلاح علیه دولت اسلامی، حتی اگر به این گروه نپیوندند، خودداری می‌کنند.^{۷۲}

نبود سلاح سنگین در نزد دولت اسلامی ولایت خراسان به خوبی مستند شده و مصاحبه‌شوندگان اغلب آن را تکرار کرده‌اند، اما همین مسأله خود حاکی از روابط تاکتیکی دولت اسلامی ولایت خراسان است. تاکتیک‌های این گروه که بعداً مورد بحث قرار می‌گیرد، تقریباً با تاکتیک‌های طالبان یکسان است. ریشه‌های تاریخی ولایت خراسان به‌عنوان تحریک طالبان پاکستان، انصارالمجاهدین و جنبش اسلامی ازبکستان به این معنی است که پرسنل این گروه با تاکتیک‌های «شورش» به خوبی آشنا هستند اما مهارت لازم برای به کار بردن تاکتیک‌های متعارف را ندارند. چنین تخصص‌های مشترک به راحتی می‌تواند زمینه همکاری با طالبان، القاعده یا سایر سازمان‌های شبه‌نظامی را فراهم کند. دورشدن از تاکتیک‌های شورشی به تاکتیک‌های جنگی متعارف، احتمالاً برنامه‌ریزی، تأمین منابع و اجرای حملات مشترک با سازمان‌های شبه‌نظامی دیگر را [برای] ولایت خراسان به مراتب دشوارتر می‌کند. تخصیص منابع مالی برای تهیه «سیستم پدافند هوایی قابل حمل» (MANPADS) برای کمک به عملیات‌های متعارف، لزوماً دسترسی به مواد ساخت بمب‌های دست‌ساز (IEDs) را متأثر می‌کند. بنابراین، رفتن به سمت تاکتیک‌های متعارف روابط کاری با سازمان‌های دیگر را که از تاکتیک‌های متعارف استفاده نمی‌کنند، محدود می‌کند. تمرکز دولت اسلامی ولایت خراسان بر تاکتیک‌های شورشی و همچنین موارد مستندسازی همکاری این گروه با گروه‌های رقیب نشان می‌دهد که این گروه قصد ادامه استفاده از همکاری‌های عملی با سایر سازمان‌های شبه‌نظامی افغانستان را دارد.

⁷² Hassan, H. (2016, June 13) the Sectarianism of the Islamic State: Ideological Roots and Political Context. Carnegie Endowment for International Peace. Accessed online

حمایت محلی

برای یک نهاد «خارجی»، افغانستان به صورت خاص محلی دشوار برای جلب حمایت است. نرخ بی‌سوادی در این کشور بالاتر از ۴۰ درصد است و متداول‌ترین رسانه ارتباط جمعی رادیو می‌باشد. در نتیجه، اثربخشی تلاش ولایت خراسان در جلب حمایت از آن‌عده مردم افغانستان که قبلاً به گروه شورشی وابسته نبوده‌اند، متفاوت بوده است. دگروال «استیو وارن»، سخنگوی وزارت دفاع ایالات متحده اظهار داشته است که «ما لزوماً معتقد نیستیم که شرایط در افغانستان به‌گونه‌ای باشد که از داعش استقبال شود»^{۷۳} و پیوند مدل داعش به «خراسان» توسط بسیاری از ناظران تقریباً غیرممکن دانسته شده است.^{۷۴} با این حال، دوام و شمار پایدار نیروی انسانی دولت اسلامی ولایت خراسان در مواجهه با حملات بی‌امان ناتو و طالبان نشان می‌دهد که این گروه در این شرایط دشوار دست‌کم موفقیت نسبی داشته است.

از نظر برخی کارشناسان، شبکه‌های شخصی در حلقات جهادی منطقه‌ای، مولفه‌ی مهم سربازگیری و حفظ پرسنل بوده است (برای مثال، یک فرمانده ناراضی وقتی از گروهی جدا می‌شود، هر کجا برود زبردستانش را نیز با خود می‌برد). این مسأله افغانستان را به صورت متناقضی، از یک سو منبع غنی جهادی‌ها و از سوی دیگر مکانی دشوار برای سربازگیری و جذب نیرو تبدیل می‌کند. برای مثال، حضور شورشی دولت اسلامی ولایت خراسان در جوزجان، نتیجه برتری تاکتیکی این گروه در میدان نبرد نه بلکه نتیجه جدایی فرماندهان طالبان از گروه طالبان است.^{۷۵} از طرف دیگر، تغییر بیعت از دولت اسلامی ولایت خراسان به سرعت می‌تواند صفوف این گروه را خالی کند. همچنین این امر جدایی جنگ‌جویان از طالبان را مشروط بر اقدامات یک رهبر طالبان می‌کند. اینکه یک رهبر ارتباطات محکمی درون طالبان داشته باشد، کار دشواری است. با این وجود، تازه‌سربازان ولایت خراسان می‌گویند که آن‌ها تحت تأثیر قدرت، مقاومت و توانایی مالی این گروه قرار گرفته‌اند. آن‌ها می‌گویند گروه‌هایی که قبلاً در آن عضو بودند، نتوانسته‌اند معاش آن‌ها را به‌موقع پرداخت کنند و یک سازمان پایدار یا هویت قوی برای خود

⁷³ Guistozzi, A. (2018, September 1) Islamic State Khorasan. London. C. Hurst & Co. P.3

⁷⁴ Guistozzi, A. (2018, September 1) Islamic State Khorasan. London. C. Hurst & Co. P.5

^{۷۵} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

بسازند. این شهادت‌های شخصی نشان‌دهنده نواقص ساختاری مانند جناح‌گرایی، کوتاه‌بینی و جنگ‌سالاری درون طالبان است که می‌تواند به نفع ولایت خراسان باشد.^{۷۶}

دولت اسلامی ولایت خراسان به لحاظ روان‌شناختی روایتی را برای سربازگیری در پیش گرفته که به نظر می‌رسد برای مردمی به لحاظ اجتماعی ناراضی، جذاب واقع شده است؛ این که تمام مسلمانان وظیفه دارند از فرهنگ اسلامی محافظت کنند. با این حال، دولت اسلامی ولایت خراسان مجبور شده است بر سر این جمعیت به لحاظ اجتماعی ناراضی، با طالبان رقابت کند. این رقابت موفقیت تلاش‌های ولایت خراسان برای سربازگیری را متأثر کرده است. برای مثال عثمان غازی از جنبش اسلامی ازبکستان، در کنار حمایت از دولت اسلامی، از طالبان نیز ابراز حمایت کرده است. دولت اسلامی ولایت خراسان موفق شده است که همانند دولت اسلامی عراق و شام، پیام‌های روان‌شناختی خود را در خارج از مرزهای افغانستان پخش و تبلیغ کند و کادر کوچک (کمتر از ۱۰ درصد) اما نه‌چندان مهمی از جنگ‌جویان ولایت خراسان تازه‌سربازانی‌اند که از خارج از افغانستان و پاکستان جذب شده‌اند. به نظر می‌رسد که تعداد بسیار اندکی از نیروی جنگی ولایت خراسان، کهنه‌سربازان داعش یا دولت اسلامی عراق و شام باشند.^{۷۷}

با این حال، حضور سنگین دولت اسلامی ولایت خراسان در منطقه مرزی افغانستان و پاکستان باعث می‌شود که این گروه برای جذب تعداد زیادی از مهاجران افغان که توسط دولت پاکستان به افغانستان برگردانده می‌شوند، از موقعیت خوبی برخوردار باشد. حدود ۵۸ هزار مهاجر افغان که از پاکستان به افغانستان برگردانده شدند، تقریباً دو برابر کسانی بودند که همان سال از جنگ در سوریه، لیبیا و عراق فراری شدند. حدود ۶۰۰ هزار مهاجر از سه میلیون افغان که از سال ۲۰۰۲ به این سو از پاکستان به کشور بازگشته‌اند، در ننگرهار اسکان داده شده‌اند^{۷۸} و بیش از ۴۰ درصد آن‌ها به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. برآورد می‌شود که حدود ۷۰ درصد افغان‌هایی که

⁷⁶ Guistozzi, A. (2018, September 1) Islamic State Khorasan. London. C. Hurst & Co. P.8

^{۷۷} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

⁷⁸ Ashraf, S. (2017) ISIS Khorasan: Presence and Potential in the Afghanistan-Pakistan Region. The Henry Jackson Society. Accessed online

از پاکستان برگشته‌اند، بی‌سواد هستند.^{۷۹} فقدان مهارت‌های کاری در نزد مهاجرین افغان که به کشور باز می‌گردند، لزوماً باعث می‌شود که آن‌ها از امکان‌های شغلی اندکی برخوردار باشند، امری که به نوبه‌ی خود تمایل آن‌ها را برای پیوستن به یک سازمان شبه‌نظامی را افزایش می‌دهد. تلفیق چنین واقعیت‌هایی با روایت سربازگیری دولت اسلامی ولایت خراسان، زمینه را برای سربازگیری هرچه بیشتر ولایت خراسان فراهم می‌کند.^{۸۰}

شواهد نشان می‌دهد که این ترکیب، باعث موفقیت‌های تعیین‌کننده برای دولت اسلامی ولایت خراسان در سربازگیری به‌خصوص از بین افغان‌ها و پاکستانی‌ها شده است. این گروه در استفاده از رادیو برای سربازگیری از خود مهارت نشان داده است. صدای خلافت به دو زبان پشتو و دری، روزانه تقریباً ۹۰ دقیقه روی امواج افام نشرات دارد.^{۸۱} ولایت خراسان یک برنامه «شیربچه‌های خلافت» را نیز برای جذب و رادیکال کردن کودکان ۶ تا ۱۶ ساله معرفی کرده است. این به اصطلاح «کودکان سرباز» در اردوگاه‌های آموزشی در جوزجان، کنر و ننگرهار، از طریق نظام آموزشی شدیداً سفت و سخت که توسط آموزگاران دولت اسلامی در سوریه نسخه‌پیچی شده است، آموزش می‌بینند.^{۸۲} همچنین به نظر می‌رسد که دولت اسلامی ولایت خراسان با انتخاب معیارهای سخت‌گیرانه برای انتخاب فرماندهان نظامی خود و رد شیوه‌های خویش‌وقوم پرستانه و حامی‌گرایانه، خودش را از طالبان متمایز می‌کند. این گروه در عوض برای سربازگیری‌های سیاسی، به شبکه‌های شخصی از پیش ایجادشده‌ی خود درون حلقات جهادی، تکیه می‌کند.^{۸۳}

موفقیت دولت اسلامی ولایت خراسان در سربازگیری و توانایی این گروه در حفظ جمعیتی به اندازه تقریباً ۵ هزار عضو، باید نسبت به فقه سنی-حنفی که نظریه فقهی غالب در افغانستان است، سنجیده شود. عقیده غیرسلسله‌مراتبی فقه حنفی اسلام، تلفیق آن درون سیستم‌های

⁷⁹ Ashraf, S. (2017) ISIS Khorasan: Presence and Potential in the Afghanistan-Pakistan Region. The Henry Jackson Society. Accessed online

⁸⁰ Ashraf, S. (2017) ISIS Khorasan: Presence and Potential in the Afghanistan-Pakistan Region. The Henry Jackson Society. Accessed online

⁸¹ Ashraf, S. (2017) ISIS Khorasan: Presence and Potential in the Afghanistan-Pakistan Region. The Henry Jackson Society. Accessed online

⁸² Lushenko, P. Van Auken, L & G Stebbins (2019) ISISK: Deadly Nuisance or Strategic Threat? *Small Wars & Insurgencies*, 30:2, 265-278

⁸³ Guistoizzi, A. (2018, September 1) *Islamic State Khorasan*. London. C. Hurst & Co. P.13

متمركز را معمولا دشوار می‌سازد اما آشتی‌دادن آن با گروهی (از جمله دولت اسلامی عراق و شام) با فقه سنی-حنبللی که زیربنای سلفیسم است، به صورت خاصی دشوار است. فقه حنفی تا حد زیادی متساهل است و تفاوت‌ها را در جامعه مسلمان به راحتی هضم می‌کند. اما اسلام حنبلی، سنتی‌ترین مکتب اهل سنت است و از تفسیر تحت‌اللفظی منابع متنی حمایت می‌کند. این امر دولت اسلامی ولایت خراسان را با مشکلی اساسی در افغانستان روبه‌رو می‌کند. آمارها از سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که حدود ۸۵ درصد مردم افغانستان مسلمان سنی‌مذهب حنفی هستند.^{۸۴} بنابراین و با فرض این‌که محبوبیت حنفیسم همچنان پابرجاست، برای ولایت خراسان نفوذ به اکثریت قریب به اتفاق مردم افغانستان غیرممکن است. دولت اسلامی ولایت خراسان شاید توانسته است با موفقیت در افغانستان حمایت تعدادی را جلب کند اما برای بسیج موفقانه یک پایگاه حمایتی وسیع‌تر، به احتمال زیاد با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

ایدئولوژی دولت اسلامی ولایت خراسان به دلیل ماهیت وارداتی خود، نتوانسته در افغانستان واقعا طنین‌انداز شود. شیوه‌های متقابلا خشونت‌بار طالبان و دولت اسلامی ولایت خراسان نباید با ریشه‌های متفاوت ایدئولوژی داعش و طالبان اشتباه گرفته شود. طالبان از توسعه ارگانیک محلی خود سود بسیاری می‌برد. در مقابل، دولت اسلامی ولایت خراسان پدیده‌ای نیست که مانند طالبان در سطح محلی توسعه یافته باشد. در عوض این گروه تلاش کرده است نماد دولت اسلامی عراق و شام را به افغانستان وارد و بر افغان‌ها اعمال کند. داعش درباره عقاید سلفی خود در سوریه و عراق صریح بوده است و شدیداً تلاش می‌کند تا روایات خود را توضیح دهد. رویکرد نسبتاً ماهرانه‌ی دولت اسلامی ولایت خراسان در افغانستان، به‌ویژه در مناطق سنتی، از نظر برخی بازتاب ناتوانی این گروه در متقاعدکردن مردم افغانستان است. فرهنگ افغانستان با فرهنگ عرب عراق و عرب سوریه متفاوت است و این تفاوت در حدی می‌باشد که برخی معتقدند دولت اسلامی ولایت خراسان، نتوانسته‌است آن را درک کنند.^{۸۵} سنی‌های حنفی افغانستان هنوز از اصول قرن هشتم این مکتب پیروی می‌کنند.^{۸۶} دولت اسلامی ولایت خراسان مجبور شده است که نسبت به داعش تفسیر متفاوتی از اسلام را اختیار کند تا بتواند حنفیسم را

⁸⁴ Global Security (2012, August 17) Afghanistan - Religion. Accessed online

^{۸۵} مصاحبه با استاد دانشگاه صلاح‌الدین- اقلیم کوردستان

^{۸۶} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

با برخی عناصری درون این گروه که «وهابیت مبتدی» اند، تلفیق کند.^{۸۷} فرار از این نتیجه‌گیری که چنین انعطاف‌پذیری نشان‌گر ناکامی ولایت خراسان می‌باشد، غیرممکن است.

نتیجه‌گیری

شبکه حمایتی دولت اسلامی ولایت خراسان ثابت می‌کند که این گروه نه یک پارچه است و نه از جانب نهاد واحدی حمایت می‌شود. بنابراین می‌توان ولایت خراسان را یک گروه نیمه مستقل توصیف کرد. ولایت خراسان احتمالاً از حمایت ترکیبی از تمام بازیگران فوق، به جز ایالات متحده و ناتو، برخوردار است؛ هر عنصر پشتیبانی وابسته به موقعیت جغرافیایی و درک این نکته است که دولت اسلامی ولایت خراسان تا چه حد می‌تواند در خدمت منافع کسانی واقع شود که از این گروه حمایت می‌کنند.

بنابراین، پاکستان در ظرفیتی که بر طالبان اعمال کنترل می‌کند، حامی ولایت خراسان نیست. درست است که این کشور بر اقدامات ولایت خراسان در مناطق مرزی افغانستان تأثیر می‌گذارد اما این اعمال نفوذ، به احتمال زیاد تلاشی برای کاهش تأثیر ولایت خراسان بر منافع استراتژیک کلان اسلام‌آباد است که از طریق طالبان اجرا می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که اتهام حامی اصلی ولایت خراسان بودن بر پاکستان وارد نیست و مغایر با اهداف این کشور در افغانستان [داشتن دولت دوست در کابل] می‌باشد.

این بازیگران دولتی با پشتوانه‌ای که ولایت خراسان برای خود از طریق فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی در ننگرهار و کنر و همچنین دولت اسلامی مرکزی (ISC) ایجاد می‌کند، تقویت می‌شوند. پول حاصل از فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی ولایت خراسان و همچنین جمع‌آوری شده از طریق تماس این گروه با دولت اسلامی مرکزی، احتمالاً در سراسر افغانستان جمع و سپس توزیع می‌شود. بنابراین، ولایت خراسان وجود خود را کاملاً مدیون حمایت دولتی نیست بلکه در عوض به آن‌ها برای برد عملیاتی بیش‌تر در سراسر منطقه خراسان، تکیه می‌کند.

^{۸۷} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

اهداف دولت اسلامی ولایت خراسان

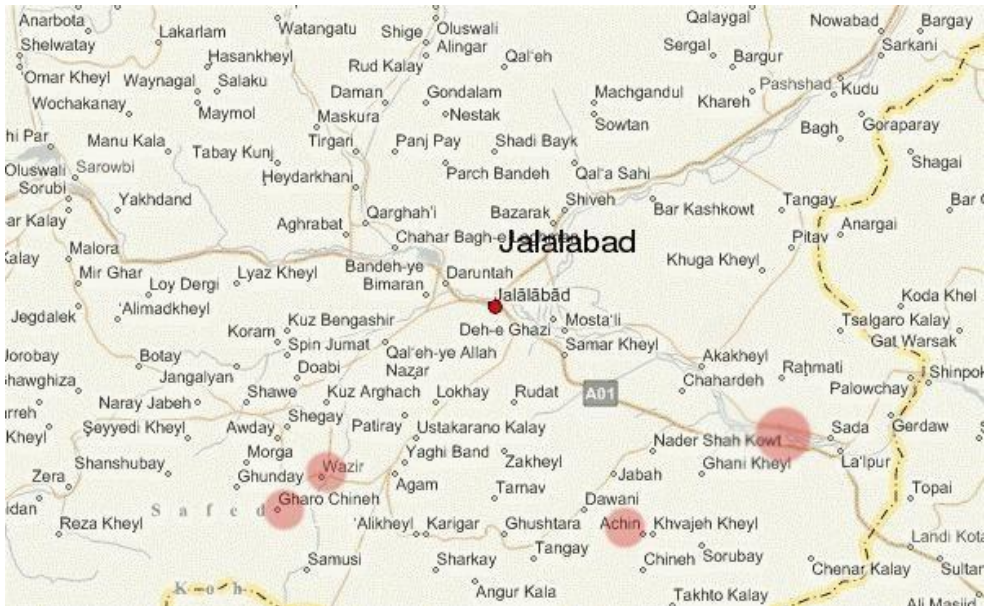
اهداف دولت اسلامی ولایت خراسان تاکنون بسیار مبهم بوده است. برخی گفته‌اند که ولایت خراسان در سطح محلی متمرکز است و هیچ تفاوتی با طالبان ندارد. هرچند ممکن است آشکار ادعا کند که در راستای ایجاد خلافت تلاش می‌کند، اما اقدامات آن نشان می‌دهد که این گروه ممکن است در پی اهداف دیگری باشد. برخی دیگر می‌گویند که اهداف دولت اسلامی ولایت خراسان به پیروی عقیدتی این گروه از داعش مرتبط است؛ دست‌کم برخی از جنگ‌جویان این گروه به ایجاد خلافت ابراز تعهد کرده‌اند.^{۸۸} با این حال، تعریف وفاداری اعضای ولایت خراسان به‌عنوان یک گروه دشوار است زیرا برخی از جنگ‌جویان این گروه همان‌طور در زیر بحث شده است، با انگیزه‌های متفاوتی به این ولایت خراسان پیوسته‌اند.^{۸۹}

با این حال، عموماً توافق براین است که دولت اسلامی ولایت خراسان به دنبال محاصره کردن جلال‌آباد و گرفتن کنترل این بخش از افغانستان به‌عنوان گذرگاه تدارکاتی منطقه‌ای است.^{۹۰} این گروه تا همین اواخر در حال گسترش به غرب ننگرهار به هدف محاصره شهر و گرفتن کنترل آن بود؛ این‌که چرا، محل بحث است. کسانی که معتقدند دولت اسلامی ولایت خراسان در پی جاه‌طلبی‌های جهانی است، تصرف جلال‌آباد را به عنوان اولین قدم در جهت گرفتن کنترل بزرگراه پاکستان و کابل با هدف نهایی تصرف سایر مراکز جمعیتی، می‌بینند. برخی دیگر براین باورند که کنترل جلال‌آباد برای ادامه حیات ولایت خراسان بسیار مهم است و تلاش برای تصرف این شهر در درجه اول اقدامی برای تقویت موقعیت این گروه خواهد بود تا گسترش به بقیه افغانستان.

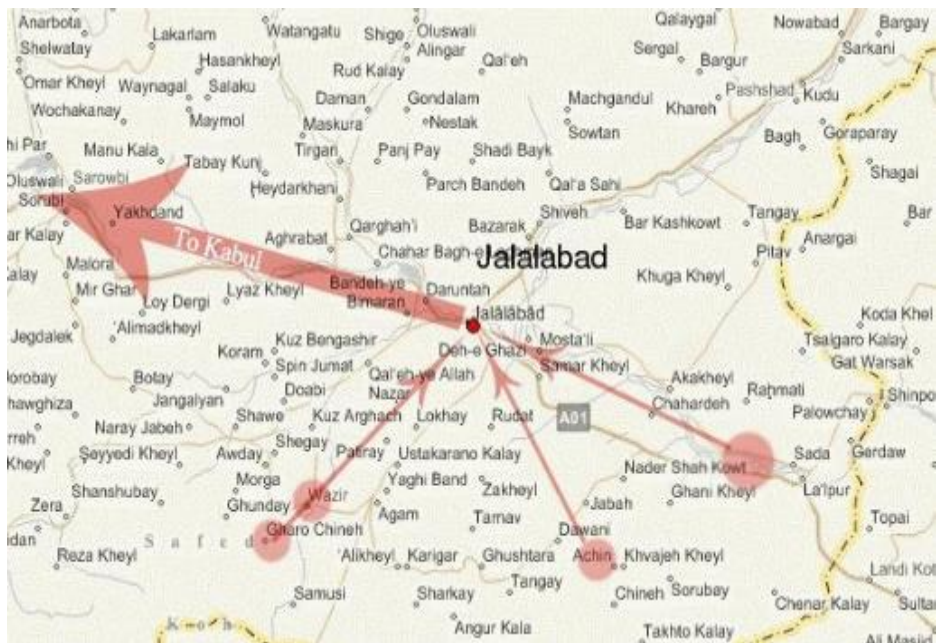
^{۸۸} مصاحبه با یک روزنامه‌نگار نشریه‌ی فارین پالیسی

^{۸۹} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۹۰} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان



مراکز قدرت اخیر دولت اسلامی ولایت خراسان در ولایت جلال‌آباد. ولسوالی اچین، مهمند دره، وزیر و غاروچینه، محاصره جلال‌آباد یک گام ضروری برای تصرف آن و در صورت تمایل، کابل است



ایجاد خلافت جهانی

اهداف دولت اسلامی ولایت خراسان اغلب به مثابه تلاش این گروه برای ایجاد خلافت در کل جهان، به خصوص پس از شکست داعش در عراق و سوریه، توصیف می‌شود؛ اما این توضیح بسیار ساده‌ای است.^{۹۱} داعش خودش اهداف خود را با استفاده از مفهوم «هجرت» به‌منظور گسترش اهداف ژئواستراتژیک خود در افغانستان، دنبال می‌کند.^{۹۲} این یعنی به افغانستان به‌عنوان مرکز خلافت خود نمی‌بیند بلکه به‌عنوان یک ولایت تحت فرمان داعش می‌بیند. درک کامل تفاوت‌های جزئی بین یک ولایت، خلافت و امارت برای مشخص کردن اهداف نهایی ولایت خراسان در چارچوب خلافت بسیار مهم است.^{۹۳}

دولت اسلامی ولایت خراسان مطمئناً در اصل با قصد اعلام‌شده تأسیس این ولایت در افغانستان وجود دارد. این ذهنیت تمام سازمان، از رهبری تا جنگ‌جویان سطح پایین آن است. افرادی که با این گروه تماس دارند احساس می‌کنند که جنگ‌جویان ولایت خراسان در نیت خود صادق هستند. یک روزنامه‌نگار می‌گوید: «به نظرم آن‌ها می‌خواهند آن را باور کنند، مطمئناً این را می‌خواهند.»^{۹۴}

این مسأله با توجه به سربازگیری ولایت خراسان در تاجیکستان، روسیه و ازبیکستان منطقی به نظر می‌رسد. سازمانی که صرفاً به دنبال اهداف محلی باشد بعید است و به دنبال نفوذ در کشورهای خارجی نباشد، منابع و تلاش خود را صرف سربازگیری از این کشورها کند. باور بر این است که درگیری بین ولایت خراسان و طالبان در شمال افغانستان، جنگی برای تسلط بر قلمرو بیش‌تر و در نتیجه تحمیل اراده برای ایجاد خلافت بوده است.^{۹۵} سربازگیری بین‌المللی این گروه را نیز با همین منطقی می‌توان بررسی کرد. طالبان که اهدافش محدود به افغانستان است تقریباً به صورت کامل به سربازگیری محلی وابسته است. برای جنگ‌جویانی که از سایر کشورها

^{۹۱} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت اقلیم کردستان

^{۹۲} مصاحبه با استاد علوم سیاسی دانشگاه کربلا- عراق

^{۹۳} مصاحبه با دستیار پیشین ابومصعب الزرقاوی

^{۹۴} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

^{۹۵} مصاحبه با یک خبرنگار بی‌بی‌سی

می‌آیند، اگر متعهد به ایجاد خلافت جهانی نباشند، سفر به افغانستان منطقی نخواهد بود. کسانی که ارتباط مستقیمی با آنها دارند، تعهد جدی به خلافت می‌دهند. یکی از خبرنگارانی که با جنگجویان دولت اسلامی ولایت خراسان مصاحبه کرده است، می‌گوید: «به طور قطع آنها می‌خواهند یک دولت اسلامی یا یک خلافت تاسیس کنند، این را به نحوی این مسئله را بازگو می‌کردند یا در مورد این ایده فکر می‌کردند که گویی این اندیشه در ذهن‌شان حفاری شده بود»^{۹۶}

ولایت خراسان از طریق ساختارهای حاکم بر داعش مجاز است که بدون نیاز به مشورت با داعش، در مورد عملیات نظامی، تدارکات، معاش، سربازگیری و بودجه‌ریزی تصمیم مستقلانه اتخاذ کند. ساختار غیرمتمرکز و شبکه‌ی سلولی دولت اسلامی عراق و شام بخش اعظم اقتدار خود را به رهبران ولایتی خود واگذار می‌کند. بنابراین، دولت اسلامی خراسان در افغانستان، به همان اندازه که به خلیفه وفادار است، می‌تواند مستقلانه عمل کند. از زمانی که دولت اسلامی عراق و شام، ساختار سازمانی خود را به نسبت القاعده غیرمتمرکزتر کرد، ارتباط میان دولت اسلامی ولایت خراسان و دولت اسلامی عراق و شام از بین رفت. این امر برای رسیدن به اهداف داعش تا زمانی که دو گروه هم‌سو باشند، فضای قابل توجهی باقی می‌گذارد. اما داعش باید در هرگونه تغییر قوانین، مقررات و انتخاب رهبری ولایت خراسان دخیل باشد.^{۹۷} مهم‌تر از داعش «نماینده ویژه» را که به‌عنوان کمیسر سیاسی برای نمایندگی از منافع دولت اسلامی مرکزی در ولایت خراسان فعالیت می‌کند و مطمئن می‌شود که دستورالعمل‌ها و هدایت رعایت می‌شوند، انتخاب می‌کند. داعش همچنین با ارسال تیم‌های بازرسی (نه کسانی که از جانب این گروه به ولایت خراسان مشوره می‌دهند) بر ولایت خراسان تاحدی نظارت مستقیم دارد.^{۹۸} این عدم تمرکز، فاصله افغانستان از عراق و سوریه و عدم وجود یک زبان مشترک ممکن است سهواً تضاد ایدئولوژیک داعش و ISK را تضعیف کند تا اینکه تلاش به احیای خلافت داعش در افغانستان

^{۹۶} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

^{۹۷} Guistozi, A. (2018, September 1) Islamic State Khorasan. London. C. Hurst & Co. P.60

^{۹۸} مصاحبه با استادیار مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت، دکتر امیره جدن

کمک کند.^{۹۹} این همچنین با پیشینه‌ی دولت اسلامی ولایت خراسان و دولت اسلامی عراق و شام سازگار است، که حاکی از ارتباط بین این دو می‌باشد اما در عین زمان تصمیم‌گیری کمتر متمرکز است.^{۱۰۰}

دولت اسلامی ولایت خراسان در سطح جهانی طعم برند داعش را دارد و شواهد آن موجود است. یک تبعه امریکایی و عامل داعش در پاکستان به یک مامور مخفی اف‌بی‌آی گفته است که او از دولت اسلامی «ولایت خراسان» اجازه حمله‌ای را که انجام داده دریافت کرده است. داعش قبلاً در دسامبر سال ۲۰۱۵ گروهک عملیاتی خارجی را به لیبیا صادر کرده بود که از حملات داعش در اروپا پشتیبانی می‌کند.^{۱۰۱} مقاله‌ای که در چهاردهمین شماره دابق منتشر شد، کنترل افغانستان و پاکستان را برای نیت ولایت خراسان برای نمایندگی از دولت اسلامی در آسیای میانه و آسیای جنوبی، سرنوشت‌ساز توصیف می‌کند. در این مقاله آمده است: «بنگال در ضلع شرقی هند واقع شده در حالی که ولایت خراسان در ضلع غربی آن واقع شده است. بنابراین، داشتن یک پایگاه جهادی قدرتمند در بنگال، زمینه انجام حملات چریکی را در داخل هند به‌طور همزمان از هر دو جانب، فراهم خواهد کرد.»^{۱۰۲}

ولایت خراسان همچنین تحت برخی شرایط سعی کرده است خدمات دولتی را به شیوه داعش اداره کند. نمونه‌های از دولت‌داری محدود وجود دارد. این گروه در مناطق تحت کنترل خود به لحاظ آموزشی، صحتی و قضایی تا حدی ظاهر یک سیستم را ایجاد کرده است و بنابراین، واضح است که اعضای این گروه «تلاش می‌کنند تا سازمان‌یافته باشند. اما در مقیاس بسیار اندک.»^{۱۰۳} دست‌یابی به این سیستم حتی در مقیاس بسیار کوچک، نقطه‌عطفی مهم برای دولت خراسان است. این گروه از زیرساخت‌های آماده یا تخصص داعش برخوردار نیست، بنابراین مهم است که برای اهداف تحلیلی، به جای خروجی این گروه بر نیت و هدف آن تمرکز کرد. قصد واضح این

^{۹۹} مصاحبه با دستیار پیشین ابومصعب الزرقاوی

^{۱۰۰} مصاحبه با خبرنگار فارین پالیسی

¹⁰¹ Cafarella, J. (2017, November 17) ISIS Plotting Attacks from Afghanistan. Institute for the Study of War. Accessed online

¹⁰² Lushenko, P. Van Auken, L & G Stebbins (2019) ISISK: Deadly Nuisance or Strategic Threat? Small Wars & Insurgencies, 30:2, 265-278

^{۱۰۳} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

گروه برای ایجاد یک بروکراسی کارا نشان‌گر هدف دولت اسلامی ولایت خراسان برای ایجاد یک ولایت اصیل دولت اسلامی است. چنین ولایتی به‌جای همکاری با امارت طالبان، [با آن] رقابت خواهد داشت. این‌که ولایت خراسان تا چه اندازه در چنین اداره‌ای درگیر می‌شود، معلوم نیست و این‌که آیا اداره فقط به عناصر فدایی ولایت خراسان محدود می‌شود یا خیر، باید دیده شود. مطمئناً تاکنون مدرکی وجود ندارد که نشان دهد دولت اسلامی ولایت خراسان از «Management of Savagery» نوشته‌ی «ابوبکر ناجی» پیروی یا حتی از آن آگاه باشد؛ این جزوه حاوی راهکارهایی است که داعش توسط آن خدمات دولتی خود را اداره می‌کرد.

اگر دولت اسلامی ولایت خراسان می‌خواهد کل افغانستان را به تصرف خود درآورد و یک ولایت واقعی را تاسیس کند ابتدا باید بر معضل شورش در این کشور غلبه کند.^{۱۰۴} این گروه در صورت افزایش عمده تعداد جنگ‌جویانش باید تصمیم بگیرد که آیا دست به تلاش برای تصرف مراکز عمده اقتصادی و جمعیتی بزند یا خیر. این امر محتمل است که دولت اسلامی ولایت خراسان ممکن است به اندازه کافی جنگ‌جو استخدام کند تا بتواند قدم منطقی را برای تبدیل شدن از یک نیروی شورشی به یک نیروی جنگی متعارف بردارد. این امر به‌ویژه در صورت توافق صلح طالبان و ایالات متحده، که دست‌کم اندازه تخمین‌زده‌شده‌ی کنونی این گروه را دو برابر خواهد کرد، صادق است.^{۱۰۵} با این‌حال، تصور این‌که ولایت خراسان می‌تواند از چنین نیروی جنگی برای تصرف و حفظ مراکز جمعیتی مهم استفاده مؤثر کند، غیرممکن است. تاکتیک‌هایی که گروه‌های شورشی در افغانستان به کار می‌برند، صدها سال است که تغییر نکرده است. در مورد تاکتیک‌های دولت اسلامی ولایت خراسان، در فصل تاکتیک‌ها و استراتژی بحث خواهد شد. تاکتیک‌های ولایت خراسان با تاکتیک‌های طالبان، که تجربه‌شان جنگ متعارف‌شان فاجعه‌بار بوده است، تفاوت ندارد. بنابراین، این گروه باید از خود بپرسد که آیا می‌خواهد با درگیر شدن در اقدامات لازم بعدی برای فتح افغانستان، خودش را در معرض نابودی قرار دهد یا خیر. این گروه

^{۱۰۴} مصاحبه با استاد انسان‌شناسی و مدیر بخش انسان‌شناسی دانشگاه بوستون، دکتر توماس بارفیلد

^{۱۰۵} مصاحبه با مدیر برنامه‌ی ثبات و پیشرفت، مرکز تحلیل نوال، دکتر جان‌اتان سکروند

یا نابود یا مجبور به عقب‌نشینی به پاکستان خواهد شد یا با جمعیت محلی مخلوط و به‌عنوان مدافع منافع محلی دیده خواهد شد.^{۱۰۶}

^{۱۰۶} مصاحبه با استاد انسان‌شناسی و مدیر بخش انسان‌شناسی دانشگاه بوستون، دکتر توماس بارفیلد

تمرکز در سطح محلی

دولت اسلامی ولایت خراسان، داعش، یا هردو گروه، به صورت غیرمستقیم یا آشکارا از محدودیت‌های گسترش خود که ناشی از معضل شورش در افغانستان و به صورت گسترده‌تر در خراسان است، آگاهی دارد. ولایت پاکستان و ولایت الهند اخیرا تأسیس شده‌اند و فقدان خلافت به‌عنوان هدف تعریف‌شده که از فعالیت‌های روابط عمومی ولایت خراسان نشأت می‌گیرد، وجود دارد. وضعیت دولت اسلامی ولایت خراسان به‌عنوان محل تجمع جناح‌ها-تا یک نیروی واحد-و اتحاد آن با گروه‌هایی که اهداف کاملا متفاوتی را دنبال می‌کنند (مانند ارتش آزادی‌بخش بلوچستان) گواه محدودیت‌های استراتژیک این گروه است. رقابت بر سر منابع و حامی در منطقه‌ای که می‌توان آن را پر از سازمان‌های جهادی توصیف کرد، بر این محدودیت و فشار می‌افزاید. برای مثال لشکر اسلام که یک گروه شبه‌نظامی می‌باشد، از ترس از دست‌دادن حمایت طالبان، از پیوستن به ولایت خراسان خودداری کرد. بعید است چنین مثال‌هایی تصادفی و یا رویدادهای منفرد یا منحصربه‌فرد باشند و اگر خیلی تکرار شوند، بر محاسبات رهبران دولت اسلامی ولایت خراسان تأثیر خواهند گذاشت.

بنابراین بسیاری بر توانایی و تمایل این گروه برای سهم‌گیری در ایجاد خلافت جهانی تحت شرایط کنونی شک دارند و معتقدند محدودیت‌های این گروه از عوامل اساسی‌تری ناشی می‌شود.^{۱۰۷} یک مصاحبه‌شونده آگاه از سیاست حکومت می‌گوید: «فکر نمی‌کنم که آن‌ها بخواهند جهانی شوند یا حتی از مرزهای افغانستان فراتر روند. آن‌ها مردم محلی هستند و به طالبان وابستگی داشته‌اند... به نظرم به لحاظ اهداف، سیاست، یا استراتژی، بین [ولایت خراسان] و طالبان تفاوت‌های شدیدی وجود ندارد.»^{۱۰۸} از نظر برخی تحلیل‌گران، اقتصاد جنگی و نارضایتی‌ها از دولت افغانستان انگیزه اصلی نیروی جنگی دولت اسلامی ولایت خراسان است. در مورد استراتژی دولت اسلامی ولایت خراسان، در فصل استراتژی بحث خواهد شد. بسیاری از جنگ‌جویان دولت اسلامی ولایت خراسان اساسا در سطح محلی متمرکز هستند و برخی از

^{۱۰۷} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۱۰۸} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

نمایندگان دولت‌های خارجی دست‌کم شواهدی می‌بینند که نتیجه بگیرند که این گروه علاقه‌ای به ایجاد خلافت جهانی ندارد.^{۱۰۹} دشوار است که تحت چنین شرایطی، گروهی را تصور کنیم که به خلافت جهانی متعهد باشد در حالی که انگیزه بسیاری از اعضای آن از پیوستن به این گروه، نارضایتی از یک نظام قضایی ناکارآمد بوده است.

این برای توضیح این‌که چرا به نظر می‌رسد تفکر تاکتیکی کوتاه‌مدت این گروه بر تفکر استراتژیک بلندمدت این گروه سایه افکنده، کمک می‌کند. یک منبع اهداف دولت اسلامی ولایت خراسان را درهم و برهم توصیف می‌کند و می‌گوید: «به نظر می‌رسد کار این گروه برعکس است.»^{۱۱۰} حملات بزرگ روایت آن‌ها را تقویت و برای روابط عمومی‌شان خوب است اما به نظر می‌رسد که این یگانه استدلال است و حس قوی وجود دارد که دولت اسلامی ولایت خراسان به خاطر نفس ماهیت جنگ می‌جنگد.^{۱۱۱} به نظر می‌رسد پشت حملات این گروه، حملاتی غیر از درگیری‌های این گروه در اطراف مسیرهای تجاری مهم‌اش، منطقی جز تلاش برای حفظ خود وجود ندارد. دولت اسلامی ولایت خراسان امکان داشت چنان محلی شود که هرگونه هدف استراتژیک خود را فراموش کند. این امر از این جهت مهم است که توضیح می‌دهد چرا ولایت خراسان ممکن است تحت شرایط خاص مایل به همکاری با طالبان باشد. پادرمیانی نمایندگان ولایت خراسان که به‌عنوان میانجی در حل اختلافات طالبان عمل می‌کنند، وقتی معنای بیشتری پیدا می‌کند که به آن به‌عنوان تلاش برای تقویت وجود دیده شود تا همکاری استراتژیک. بیرون‌رانده‌شدن جنگ‌جویان این گروه از جوزجان در سال ۲۰۱۸ در نتیجه همکاری طالبان و نیروهای دولتی افغانستان نشان می‌دهد که طالبان از وجود دولت اسلامی در افغانستان در موقعیتی به لحاظ استراتژیک تأثیرگذار، ناراضی است و بیشتر بر ولایت خراسان فشار می‌آورد. کاهش نزدیک به ۵۰ درصدی درگیری بین گروهی از جانب دولت اسلامی ولایت خراسان در افغانستان در سال ۲۰۱۹ می‌تواند نشان‌دهنده تصمیم تاکتیکی این گروه مبنی بر خودداری از درگیری با طالبان در حدی که سلطه ملی این گروه را تهدید کند و منجر به تضعیف بیشتر مواضع ولایت خراسان شود، باشد.

^{۱۰۹} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۱۰} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۱۱} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

دولت اسلامی ولایت خراسان تا آنجا که واقعا مقدور است، نومیدانه می‌خواهد حاکمیت خود را برقرار کند، به امید این که شرایط در آینده برای گسترش بیشتر قلمروش تغییر کند. ایده گسترش سریع مانند گسترش دولت اسلامی در عراق و سوریه، در افغانستان عملا غیر ممکن است؛ زیرا علاوه بر فشار طالبان، جوامع محلی بی‌شماری در افغانستان وجود دارد.^{۱۱۲} دولت اسلامی ولایت خراسان، در واقع، هرگز قصد جنگ با طالبان را نداشت، ولی خود را درگیر درگیری ۴ ساله با این گروه یافت. تحت چنین فرضیه‌ای، آنچه که ولایت خراسان منتظر است اتفاق بیافتد، مشکلی مانند جنگ داخلی است که در سال ۱۹۹۲ آغاز شد.^{۱۱۳} در شرایط مشابه ولایت خراسان، گروه‌های کوچک که قدرت چندانی نداشتند دست به ایجاد امارتی کوچک در نورستان زدند، اما با وجود حمایت دیرینه مبلغان پاکستانی، نتوانستند امارت خود را گسترش دهند.^{۱۱۴} این یعنی ولایت خراسان خودش را آماده می‌کند که اتفاقی بیافتد و این اتفاق به گونه‌ای باشد که منجر به بروز خلاء قدرت در افغانستان شود.^{۱۱۵} با این که به لحاظ تئوری در چنین شرایطی این گروه می‌تواند به اندازه داعش بلندپروازانه و پرآب‌وتاب ظاهر شود، اما تجربه در افغانستان نشان داده که این ایده عاقلانه به نظر نمی‌رسد. ولایت خراسان یا از این امر آگاه است و یا طبق سایر شواهد، صرفا دست به اقدام استراتژیک نزده است.^{۱۱۶} بنابراین می‌توان تصور کرد که این گروه حتی در صورت وجود خلاء قدرت در افغانستان، از شانس چندانی برای تصرف این کشور برخوردار نیست.

بنابراین ولایت خراسان ممکن است فعلا به حفاظت تجارت غیرقانونی مواد مخدر، چوب و معادن تالک بسنده کند و در صورت داشتن استراتژی، منتظر فرصتی برای بهره‌برداری از بی‌ثباتی در افغانستان باشد. برای مثال عناصر درون ولایت خراسان نشان داده‌اند که اولویت‌شان حفاظت از فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی این گروه است تا تصرف قلمرو جدید. با نگاهی به مناطق مورد تمرکز فعلی این گروه می‌توان نتیجه گرفت که این گروه در پی چنین هدفی است. تمرکز این گروه بر ننگرهار، کنر، بدخشان و کابل نشان می‌دهد که ولایت خراسان در پی محافظت از

^{۱۱۲} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۱۱۳} مصاحبه با استاد انسان‌شناسی و مدیر بخش انسان‌شناسی دانشگاه بوستون، دکتر توماس بارفیلد

^{۱۱۴} مصاحبه با استاد انسان‌شناسی و مدیر بخش انسان‌شناسی دانشگاه بوستون، دکتر توماس بارفیلد

^{۱۱۵} مصاحبه با استاد انسان‌شناسی و مدیر بخش انسان‌شناسی دانشگاه بوستون، دکتر توماس بارفیلد

^{۱۱۶} مصاحبه با استاد انسان‌شناسی و مدیر بخش انسان‌شناسی دانشگاه بوستون، دکتر توماس بارفیلد

مسیرهای قاچاق و استفاده از پتانسیل اقتصادی این مناطق است نه گسترش به مراکز جمعیتی مهم. دست کم یکی از سفارت‌خانه‌های خارجی معتقد است که این گروه ممکن است صرفاً به‌عنوان هدف اصلی خود به دنبال ایجاد دهلیزی بین پاکستان و تاجیکستان باشد.^{۱۱۷} به همین ترتیب یکی دیگر از سفارت‌خانه‌های خارجی درباره‌ی مناطق شمالی افغانستان که در آن گفته می‌شود ولایت خراسان گروهک‌های کوچکی را اداره می‌کند، «عمیقاً نگران» است و به نظر این سفارت‌خانه به این مسأله توجه کافی نمی‌شود.^{۱۱۸} هدف این گروه از ایجاد دهلیز از پاکستان تا آسیای میانه می‌تواند یکی از این دو باشد: اول، ایجاد یک مسیر قاچاق برای تجارت غیرقانونی. در واقع از نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان این امر محتمل‌تر است. «چرا آن‌ها روی بدخشان و غیره تمرکز کنند؟ چون این مسیر قاچاق مواد مخدر است. آن‌ها برای گرفتن کنترل مسیرهای قاچاق می‌جنگند.»^{۱۱۹} دوم، می‌توان فرض کرد که هدف این گروه از ایجاد دهلیز از پاکستان تا آسیای میانه، برای ایجاد ارتباط میان عناصر دولت اسلامی پاکستان، دولت اسلامی الهند، ولایت خراسان و اعضای دولت اسلامی در آسیای میانه به همدیگر باشد. درگیری بر سر «رودخانه پیچ» در بدخشان، نورستان و کنر جریان دارد.^{۱۲۰}

اقتصاد جنگی به‌عنوان انگیزه پیوستن جنگ‌جویان به ولایت خراسان با سازمانی که برای محافظت از دارایی‌های اقتصادی خود می‌جنگد، همخوانی دارد. در همین رابطه، در فصل مربوط به استراتژی دولت اسلامی ولایت خراسان، بحث خواهد شد. ولایت خراسان بهترین فرصت اقتصادی برای بسیاری از افغان‌ها در مناطق روستایی است. سنگ‌های قیمتی در منطقه شیرزاد ولایت ننگرهار از جمله منابع اقتصادی شرق افغانستان است.^{۱۲۱} پیوستن به ولایت خراسان در حال حاضر یکی از بهترین راه‌های رسیدن به چنین مواد معدنی با ارزش و پول‌دار شدن است. «جنگیدن به خاطر جنگ» لزوماً برابر با اقتصاد جنگی نیست، اما می‌توان نتیجه گرفت که در واقع این چیزی است که در عمل وجود دارد.

^{۱۱۷} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۱۸} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۱۹} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۲۰} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۲۱} مصاحبه با یک خبرنگار بی‌بی‌سی

تازه‌ترین اعلامیه‌های روابط عمومی دولت اسلامی عراق و شام نیز حاکی از شروع ناهماهنگی بین این گروه و ولایت خراسان است. اعلامیه‌های داعش در ذیل به درگیری‌های جنبشی خلافت جهانی در سراسر جهانی می‌بالد اما هیچ نامی از ولایت خراسان نمی‌برد.

شکل ۱: اعلامیه داعش درباره کشتن ۸ سرباز نایجریایی و از بین بردن ۳ موتر نظامی در برنو، شمال شرق نایجریه. چنین اعلامیه‌هایی درباره افغانستان وجود ندارد.

مقتل 8 جنود من الجیش النیجیری و تدمیر 3 مدرعات فی هجوم لمقاتلی الدولة الإسلامیة بمنطقة "برنو"

نیجیریا - برنو - وكالة أعماق: قتل 8 جنود من الجیش النیجیری وأصیب آخرون أمس، ودمرت 3 عربات مدرعة، فی هجوم لمقاتلی الدولة الإسلامیة علی ثكنة للجیش بمنطقة "برنو" شمال شرقي نیجیریا.
وقالت مصادر عسكرية لوكالة "أعماق" إن مقاتلی الدولة الإسلامیة هاجموا أمس ثكنة للجیش ببلدة "منغو"، واشتبکوا مع الجنود فیها بمختلف الأسلحة، كما فجر مقاتل سيارة مفخخة كان یقودها علی الجنود، ما أسفر عن مقتل 8 منهم علی الأقل، وإصابة آخرین، وتدمیر 3 عربات مدرعة.
وأضافت المصادر نفسها أن مقاتلی الدولة الإسلامیة استولوا علی آلیة وأسلحة وذخائر بعد سيطرتهم علی الثكنة، ثم انسحبوا من البلدة فی وقت لاحق.

8 يناير 2020

شكل ٢: اعلاميه داعش دربارہ یک عملیات کلان و جدید در اینگویشیا، ولایت قفقاز، ٢ جنوری



٢٠٢٠. بازم، چنین اطلاعیه درباره افغانستان از جانب این گروه منتشر نشده است. داعش اکنون ممکن است به دنبال مکان بدیل برای ولایت خراسان باشد که از آنجا بتواند خلافت را زنده نگه دارد.

شكل ٣: اینفوگرافیک منتشر شده در هفته‌نامه النبأ داعش، عملیاتی‌های دولت اسلامی و ولایت‌های وابسته آن را در دسامبر ٢٠١٩ نشان می‌دهد. شمار تلفات «کافرها» به ویژه مسیحیان در آن درج شده است. افغانستان در این جمع دیده نمی‌شود.



شکل ۴: پروپاگاندا داعش تسلیحاتی را نشان می‌دهد که این گروه از ارتش نایجریا به چنگ آورده



نتیجه‌گیری

اهداف دولت اسلامی ولایت خراسان بازتاب‌دهنده ماهیت ازهم‌گسیخته و چندپارچه این گروه است. وضعیت نیمه‌خودمختار این گروه منجر به تعدد اهداف شده است؛ اهدافی که تحت تأثیر حامی دولتی در یک منطقه معین از افغانستان است. هرچند این گروه آشکارا در پی ایجاد یک ولایت فعال دولت اسلامی است، اما اقدامات این گروه ثابت می‌کند که رهبری مرکزی دولت اسلامی اقتدار تمام و کمال خود را بر اهداف گوناگون عناصر تشکیل‌دهنده ولایت خراسان اعمال نمی‌کند.

به نظر می‌رسد این گروه در غرب افغانستان از حمایت ایران بهره می‌برد. حمایت مادی و ارائه سرپناه برای برخی از جنگ‌جویان ولایت خراسان در غرب افغانستان در واقع می‌تواند دلیل اصلی این باشد که چرا این گروه در مناطق شیعه‌نشین افغانستان مانند ولایت بامیان، حضور سنگین ندارد. برای مثال ولایت خراسان بین نوامبر سال ۲۰۱۸ تا نوامبر ۲۰۱۹ هیچ درگیری در بامیان نداشته است.^{۱۲۳} از این رو حذف شیعیان و رویارویی مستقیم با فاطمیون احتمالاً در قعر لیست

¹²³ Armed Conflict Location and Event Data Project (ACLED) Accessed online

اولویت‌های ولایت خراسان قرار دارد ، بیش تر به دلیل رابطه این گروه با ایران در غرب افغانستان. با این وجود دلیل اصلی می‌تواند این باشد که عناصری چون فاطمیون مستقیماً با نیروی قدس سپاه پاسداران ایران در ارتباط هستند. برعکس، این گروه به حمله به دولت کابل و نیروهای ناتو احتمالاً بیش تر اولویت می‌دهد. این احتمال از طرف دولت ایران رد شده و آنها اظهار آمادگی بر مبارزه در مقابل داعش در افغانستان کرده اند. ممکن بتوان در پژوهشی مستقل به ابعاد مبهم این مساله بهتر پرداخت.

روابط دولت اسلامی ولایت خراسان با پاکستان بیشتر از پیش اهداف این گروه را پیچیده می‌کند. حمایت پاکستان از طالبان به این معنی است که هرگونه کمکی که آی‌اس‌آی بخواهد در اختیار ولایت خراسان قرار دهد، مشروط به عدم درگیری بین دو گروه و به‌طور قطع، مشروط به خودداری این گروه از انجام حملات در داخل پاکستان است. در نتیجه هدف پاکستان از کاهش تأثیر ولایت خراسان احتمالاً به اعمال محدودیت‌های استراتژیک بر ولایت خراسان منجر می‌شود.

علاوه براین، می‌توان با اطمینان فرض کرد که داعش ولایت خراسان را به سمت اهداف سنتی تر خود سوق می‌دهد و این امر می‌تواند توضیح دهد که چرا در آپریل ۲۰۱۹ مولوی اسلم فاروقی جایگزین مولوی ضیال‌الحق معروف به ابو عمر الخراسانی شد. این امر همچنین می‌تواند توضیح دهد که چرا ولایت خراسان به رغم خودداری از حمله تمام و کمال بر مناطق شیعه‌نشین افغانستان، همچنان به اهداف نرم در کابل حمله و از احساسات ضد شیعی حمایت می‌کند.

تاکتیک‌ها و استراتژی دولت اسلامی ولایت خراسان

تاکتیک‌های شورشی که ولایت خراسان به کار می‌بندد «از عهد اسکندر کبیر»^{۱۲۴} اند اما به نظر می‌رسد که استراتژی این گروه در پاسخ به شرایط تحول یافته است. ولایت خراسان برای دست‌یابی به اهداف خود از تاکتیک‌های مشابه و به‌طور فزاینده‌ای مرگ‌بار استفاده کرده است. استفاده از تاکتیک‌های شورشی این گروه را قادر ساخته تا به‌طور مخفیانه در سراسر افغانستان فعالیت کند و به مرور زمان مرگ‌بارتر شود. مردم محلی در ننگرهار گزارش می‌دهند که جنگ‌جویان این گروه معمولاً لباس غیرنظامی می‌پوشند و فقط برای انجام عملیات‌های رزمی تغییر پوشش می‌دهند.^{۱۲۵} تعداد کشته‌شدگان منسوب به ولایت خراسان بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ و عمدتاً در کابل و ننگرهار دو برابر شده است.^{۱۲۶} و درگیری‌های منتسب به ولایت خراسان نیز به همان اندازه گسترش یافته است. قبل از سال ۲۰۱۷ از مجموع حملات این گروه در سراسر افغانستان، ۶۲ درصد آن در ننگرهار انجام شده بود، اما این رقم بین سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ به ۱۷ درصد مجموع حملات این گروه در افغانستان کاهش یافت.^{۱۲۷} با این‌که ولایت خراسان ممکن است به لحاظ اقدامات متعارف، کنترل بر قلمرو و نیروی انسانی یعنی تعداد جنگ‌جو، قابل‌توجه به نظر نرسد اما به لحاظ الگوی متفاوت خشونت و ستیزه‌جویی‌اش بسیار قابل‌توجه است.^{۱۲۸} چهل‌ودو درصد اهداف دولتی این گروه در افغانستان اهداف مرتبط با دولت محلی بوده است که نشان می‌دهد بیشتر از حملات این گروه بر ارتش یا پولیس افغانستان است.^{۱۲۹} حملات انتحاری ولایت خراسان در افغانستان در سال ۲۰۱۶، ۲۵ درصد مجموع حملات این گروه را تشکیل داده است. این درصدی در سال ۲۰۱۷ به تقریباً ۳۴ درصد کل حملات این گروه و در هفت ماه اول سال ۲۰۱۸ به ۵۶ درصد کل حملات این گروه افزایش

^{۱۲۴} مصاحبه با مدیر برنامه‌ی ثبات و پیشرفت مرکز تحلیل نوال، دکتر جانانان سکرودن

^{۱۲۵} مصاحبه با باشنندگان محلی کنر و ننگرهار

^{۱۲۶} مصاحبه با استادیار مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت دکتر

¹²⁷ Armed Conflict Location and Event Data Project (ACLED) Accessed online

¹²⁸ Ashraf, S. (2017) ISIS Khorasan: Presence and Potential in the Afghanistan-Pakistan Region. The Henry Jackson Society. Accessed [online](#)

یافت.^{۱۳۰} بنابراین، این گروه موفقانه در انجام حملات شورشی حرفه‌ای شده است و سرعت اجرای عملیاتی این گروه از شبکه حقانی پیشی گرفته است.^{۱۳۱}

با این وجود تاکتیک‌های دولت اسلامی به استثنای حملات خودسرانه این گروه، با طالبان تفاوتی ندارد. تفاوت اصلی این گروه با طالبان روی آوردن ولایت خراسان به جنگ رو در رو با تکفیری‌ها، یعنی انجام عملیات‌های تصفیوی است.^{۱۳۲} ولایت خراسان شیعیان را عمداً هدف قرار می‌دهد؛ ۹۰ درصد از ۱۱ حمله این گروه بر فرقه‌های مذهبی در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، علیه جوامع شیعه انجام شده است.^{۱۳۳} غیر از این، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای بین طالبان و ولایت خراسان دیده نمی‌شود. ریشه مشترک جنگ‌جویان دولت اسلامی ولایت خراسان می‌تواند یک دلیل منطقی برای این باشد که چرا این گروه وابستگی شدید به تاکتیک‌های شورشی دارد. یک روزنامه‌نگار، شخصاً یک متخصص مواد منفجره را در کابل می‌شناسد که هم به طالبان و هم به دولت اسلامی ولایت خراسان تکنیک‌های انتقال و استفاده از مواد منفجره را آموزش می‌دهد.^{۱۳۴}

دولت اسلامی ولایت خراسان در عین حال نبردهای تلخی با طالبان و اردوی ملی افغانستان بر سر کنترل مسیرهای تجاری داشته است. این نبردها نشان‌دهنده یک استراتژی نامنسجم است که بر اثر درگیری‌های غیرقابل‌پیش‌بینی با طالبان بر این گروه اعمال شده است. شتابی که ولایت خراسان در پایان سال ۲۰۱۵ و آغاز سال ۲۰۱۶ داشت و به سرعت در سرتاسر افغانستان گسترش یافت، کاهش یافته و این گروه مجبور شده است با شرایط خودش را وفق دهد. دلیل عمده‌ی آن می‌تواند در واقع ضعف تاکتیکی این گروه نسبت به طالبان باشد. پیروزی‌های تاکتیکی آشکار ولایت خراسان در واقع به دلیل پیوستن گروه‌های مختلف به ولایت خراسان است، نه به دلیل عملیات‌های نظامی برای تصرف قلمرو. همان‌طور که یکی از سفارت‌خانه‌ها

¹²⁹ Jadoon, A. (2018, December 03) Allied and Lethal. Combatting Terrorism Center at the USMA West Point. Accessed online

¹³⁰ Jadoon, A. (2018, December 03) Allied and Lethal. Combatting Terrorism Center at the USMA West Point. Accessed online

¹³¹ Lushenko, P. Van Auken, L & G Stebbins (2019) ISISK: Deadly Nuisance or Strategic Threat? Small Wars & Insurgencies, 30:2, 265-278

^{۱۳۲} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۳۳} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۳۴} مصاحبه با یک روزنامه‌نگار خارجی

اشاره می‌کند، «توانایی آن‌ها در دستیابی به قلمرو، ناشی از تغییر پرچم بوده است. دلیل گسترش آن‌ها در شمال این نیست که آن‌ها از برتری نظامی یا عملیاتی برخوردار بودند، بلکه دلیل این بود که رهبری برخی جناح‌ها در این منطقه پرچم این گروه را به دست گرفتند و بعد آن را پایین گذاشتند.»^{۱۳۵} شکست این گروه در هرات، جوزجان و هلمند به دست طالبان، نشان‌دهنده برتری واقعی طالبان است؛ چه این برتری ناشی از نیروی انسانی باشد چه از جنگ‌افزار یا توانایی عملیاتی. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان می‌گویند که به دلیل تلفات سنگین ناشی از این افشار، دولت اسلامی ولایت خراسان مخفی شد و تصمیم گرفت به حملات شورشی بزرگ‌تر روی آورد. داعش احتمالاً به افغانستان به‌عنوان هدف «نرم» می‌بیند تا ولایت خراسان آن را تصرف کند و از آن به‌عنوان پایگاهی برای حمله به باقی منطقه خراسان استفاده کند. ولایت خراسان در واقع هرگز قصد جنگ با طالبان را نداشت اما اکنون ۴ سال می‌شود با این گروه درگیر است.^{۱۳۶} این گروه وقتی برای نخستین بار با ابوبکر البغدادی بیعت کرد احتمالاً به این باور بود که به‌چنگ آوردن افغانستان جدا ممکن است. با این حال، واقعیت جنگ با طالبان و اتکا به عناصر پیشین جنبش اسلامی ازبیکستان، تحریک طالبان پاکستان و طالبان به احتمال زیاد باعث شده که این گروه دست به تعدیل استراتژیک اهدافش بزند. این امر در سردرگمی اهداف این گروه مشهود است. ولایت خراسان نه از مهارت، نه از نیروی انسانی و نه از برتری تاکتیکی برای تصرف افغانستان در مواجهه با مقاومت طالبان، برخوردار نیست.

رکود استراتژیک دولت اسلامی ولایت خراسان همچنین با توانایی‌های ضعیف این سازمان برای دفاع از قلمروش پیچیده شده است.^{۱۳۷} یک مقام پیشین دولت افغانستان می‌گوید: «اگر دولت اسلامی ولایت خراسان، یک منطقه را تصرف کند، فرمایش دولت افغانستان آن را بازپس خواهد گرفت.»^{۱۳۸} دولت اسلامی ولایت خراسان از سال ۲۰۱۵ متحمل خسارات سنگینی شده است. در ماه‌های اخیر پیشرفت‌هایی در بدخشان داشته است، اما به‌طور کلی، پس از شکست سنگین در ننگرهار در نوامبر ۲۰۱۹ در وضعیت بدی به سر می‌برد. دولت اسلامی ولایت خراسان، تقریباً

^{۱۳۵} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۳۶} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۳۷} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۱۳۸} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

۱۵ کیلومتر از جبهه‌های اصلی خود به کوه‌ها رانده شده بود، به خصوص قبل از دستگیری حدود ۶۰۰ عضو ISK در ولایت، قبلاً مناطق فرودست را از دست داده بود. آن‌ها همچنین با وجود تصوراتی که داشته‌اند، هرگز کنترل کاملی روی مابین‌هایی که توسط طالبان در ننگرهار کاشته شده بود، اعمال نکرده بودند.^{۱۳۹}

دولت اسلامی ولایت خراسان حتا قبل از کشته‌شدن ابوبکر البغدادی، رهبر پیشین داعش، با فقدان استراتژی روبه‌رو شد. «این باور وجود دارد که [در این گروه] هیچ استراتژی‌ای وجود ندارد و هرگونه دستاوردهای آن‌ها تاکتیکی و فرصت‌طلبانه است و بخشی از یک برنامه‌ی کلان در منطقه نیست.»^{۱۴۰} داعش فقدان استراتژی درون ولایت خراسان را احتمالاً پذیرفته و توجه به این نکته، می‌تواند توضیح دهد که چرا داعش در آپریل ۲۰۱۹ مولوی عبدالله را جایگزین ابوعمر الخراسانی به حیث رهبر ولایت خراسان کرد. روزنامه‌نگارانی که اعضای ولایت خراسان را دیده‌اند، آن‌ها را بی‌هدف توصیف می‌کنند. «آن‌ها از نوعی رهبری برخوردارند اما با توجه به آنچه دیده‌ام، این رهبری خیلی واضح نیست. من با دسته‌ای از جنگ‌جویان این گروه در کنر و ننگرهار صحبت کرده‌ام و برخی از آن‌ها نظر به این‌که قبلاً با طالبان بوده‌اند و بسیاری از پاکستان آمده‌اند، کاملاً بی‌هدف به نظر می‌رسیدند. بنابراین، آن‌ها با این‌که نوعی فرمانده و فرماندهی دارند اما به نظر نمی‌رسد منسجم باشند.»^{۱۴۱}

استمرار رهبری دولت اسلامی ولایت خراسان نیز ممکن است دلیل این سرگردانی استراتژیک باشد. حملات هوایی نیروهای مأموریت پشتیبانی قاطع، فشار طالبان و حملات نظامی ارتش ملی افغانستان، توسعه و حفظ یک استراتژی ثابت را به شدت برای این گروه دشوار کرده است. یک کارشناس ادعا می‌کند که «داعش نتوانسته است رهبری کاریزماتیک در آسیای جنوبی پیدا کند که برای سربازگیری جذاب واقع شود. داعش بدون رهبری توانمند و باتجربه، ممکن است نتواند در پاکستان سر بلند کند و حاکمیت و قلمرو برای خود ایجاد کند؛ کاری را که در

^{۱۳۹} مصاحبه با خبرنگار بی‌بی‌سی

^{۱۴۰} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۴۱} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

خاورمیانه توانست انجام دهد.^{۱۴۲} ولایت خراسان از ابتدای ظهور تاکنون ۴ رهبری خود را از دست داده است و در کل، بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، حدود ۵۴۸ عضو رهبری میان‌رده این گروه از بین برده شده‌اند.^{۱۴۳} در نتیجه، ولایت خراسان احتمالاً از سر ناگزیری به استراتژی فرصت‌طلبی روی آورده است نه قدرت انتخاب.

ناتوانی استراتژیک ولایت خراسان در اثر کم‌توانی این گروه در حفظ قلمرو، دو برابر شده است.^{۱۴۴} یک عضو دولت افغانستان می‌گوید: «آن‌ها امروز یک منطقه را تصرف می‌کنند اما فردا دولت آن را پس می‌گیرد.»^{۱۴۵} ولایت خراسان از سال ۲۰۱۵ به این سو متحمل تلفات سنگینی شده است. این گروه در ماه‌های اخیر پیشرفت‌هایی در بدخشان داشته است اما در کل، پس از شکست سنگینی که در نوامبر سال ۲۰۱۹ در ننگرهار متقبل شد، تقریباً بی‌خانمان است. جنگ‌جویان دولت اسلامی ولایت خراسان حتی قبل از این که حدود ۶۰۰ عضو این گروه در ولایت ننگرهار اسیر شوند، مواضع خود را از دست داده بود و پس از ماه نوامبر نزدیک به ۱۵ کیلومتر از جبهات اصلی‌اش، به کوه‌ها عقب رانده شده است. همچنین، این گروه برخلاف باورها، هرگز نتوانسته کنترل معادن ننگرهار را به‌طور کامل از چنگ طالبان بگیرد.^{۱۴۶}

در اگست ۲۰۱۹ یک روزنامه‌نگار توانست تحرکات دولت اسلامی ولایت خراسان را در ننگرهار به تفصیل ثبت و شرح دهد. گزارش او سرخ‌هایی را درباره استراتژی این گروه به دست می‌دهد. هسکه‌مین در مجاورت مجموعه غار معروف تورا بورای اسامه بن لادن، پس از این که ولایت خراسان از اچین فاصله گرفت، به کانون توجه فزاینده‌ی این گروه تبدیل شد. جمعیت این گروه در ولسوالی پچیراگام و خوگیانی و شیرزاد-که به خاطر داشتن معادن سنگ‌های قیمتی معروف است-روز به روز افزایش یافت.^{۱۴۷} انتخاب این جغرافیا نشان می‌دهد که ولایت خراسان با ادامه

¹⁴² Zahid, F. Khan, M. I. (2016). Prospects for the Islamic state in Pakistan. Current Trends in Islamist Ideology, 20, 65-80,128. 75

^{۱۴۳} مصاحبه با استادیار مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت، دکتر امیره جدن

^{۱۴۴} مصاحبه با یک خبرنگار بی‌بی‌سی

^{۱۴۵} مصاحبه با یک عضو دولت افغانستان

¹⁴⁶ McNally, L. Amiral, A. M Weinbaum. A Issa. (2016, May) The Islamic State in Afghanistan: Examining its Threat to Stability. Middle East Institute. Accessed [online](#)

^{۱۴۷} مصاحبه با یک خبرنگار بی‌بی‌سی

شورش‌گری در پی محافظت از منافع اقتصادی خود است. بیرون راندن یک گروه شورشی از کنر به دلیل دره‌های عمیق و کوهستان‌های مرتفع این ولایت، بسیار دشوار است. ولی این منطقه اهمیت استراتژیک ندارد.^{۱۴۸} کوه‌های تورا بورا نیز که به مخفی‌گاه بن لادن مشهور است، نیز موقعیت دشواری برای جنگ با شورشیان است. گفته می‌شود که کاروان‌های بزرگ تریلر و موترهای باربری که سنگ‌های قیمتی را از شیرزاد به پاکستان منتقل می‌کنند، روزانه در این مناطق به چشم می‌خورند. نزدیکی جلال‌آباد به‌عنوان گذرگاه لجستیکی بین پاکستان و شمال‌شرقی افغانستان از جمله کابل، نشان می‌دهد که هدف ولایت خراسان از تمرکز بر این مناطق، بهره‌برداری خودش از این مسیرها بوده و یا قطع مسیرهای تدارکاتی طالبان.

نبرد دولت اسلامی ولایت خراسان در مرز تاجکستان-ازبیکستان در نوامبر ۲۰۱۹ نیز نشان‌دهنده استراتژی است که این گروه اکنون می‌خواهد آن را دنبال کند. تمرکز این گروه بر ننگرهار و کنر و فعالیت‌های آن در بدخشان و جوزجان، نیز این را تأیید می‌کند که ولایت خراسان اکنون استراتژی عوض کرده و احتمالاً به دنبال ایجاد دهلیز بین پاکستان و آسیای میانه است. جنگ در تاجیکستان مزایای بسیاری برای این گروه به همراه خواهد داشت، به‌ویژه این‌که گروهی به‌نام طالبان نیست که علیه ولایت خراسان مقاومت کند. راه‌یافتن به تاجیکستان برای ولایت خراسان به معنای بازشدن جبهه‌ی جدید برای این گروه در کشوری بدون حضور ناتو و با ظرفیت محدود برای مهار شورش‌گری است. این امر نیز با تلاش‌های ولایت خراسان در بدخشان همخوانی دارد. دولت اسلامی ولایت خراسان به لحاظ تئوری می‌تواند از منافع تجاری و فرصت سربازگیری خود دهلیزی از پاکستان به آسیای میانه ایجاد کند.

همان‌طور که اهداف این گروه نشان می‌دهد، این یعنی ولایت خراسان راهبرد خود را از استراتژی تصرف افغانستان به استراتژی بقا در افغانستان تغییر داده است. هنوز خیلی زود است که بگوییم این تغییر استراتژی نشانه‌ی پذیرش شکست است یا غیر از این؛ اما ولایت خراسان سابقه این را دارد که برای بقا، خودش را تغییر داده باشد. برای مثال، دولت اسلامی زندانی را

^{۱۴۸} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

برای جنگ‌جویان طالبان و غیرنظامیان در مهمندره ولسوالی اچین اداره می‌کرد.^{۱۴۹} مرگ‌باربودن این گروه در پاکستان عمدتاً ناشی از ظرفیت لشکر جنگوی بوده است. تقریباً ۴۰ درصد تمام کشته‌ها و زخمی‌های ناشی از حملات ولایت خراسان در پاکستان، در نتیجه حملات مرتبط به هر دو گروه بوده است و دوره‌های کوتاه و درازمدت فعالیت دولت اسلامی ولایت خراسان و لشکر جنگوی در افغانستان با هم همپوشانی دارند.^{۱۵۰} این البته علاوه بر میان‌جی‌های ولایت خراسان برای حل اختلافات طالبان است.^{۱۵۱} خطر نابودی کامل ولایت خراسان در سال ۲۰۱۸ در جوزجان از جانب طالبان نیز نشان می‌دهد که ولایت خراسان به لحاظ استراتژیک مجبور است برای بقا تلاش کند.

با این حال، دولت اسلامی ولایت خراسان در پیام‌رسانی خود بسیار مؤثر عمل کرده و به همین دلیل توانسته تعداد خود را حفظ کند. این گروه در استفاده از اخبار به نفع خود به‌عنوان بخشی از کارزار روابط عمومی خود خوب عمل کرده است.^{۱۵۲} کانال رادیویی این گروه در ننگرهار، با وجود بمباران مکرر، طی چند ساعت پس از هر حمله فعالیت خود را از سر گرفته است.^{۱۵۳} همان‌طور که یکی از نمایندگان دولت اشاره می‌کند، اعضای این گروه «از مزیت نامتقارنی برخوردارند و در جنگ اطلاعاتی خوب عمل می‌کنند.»^{۱۵۴} داعش کارزار رسانه‌ای خود را در سطح کلان‌تر پیش می‌برد و از امکانات رسانه‌های اجتماعی مدرن بهره می‌برد. نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر روزانه توییت‌های داعش را می‌خوانند.^{۱۵۵} این گروه از فیس‌بوک و توییتر مؤثرتر از هر سازمان بنیادگرای اسلامی دیگری استفاده کرده است.

¹⁴⁹ McNally, L. Amiral, A. M Weinbaum. A Issa. (2016, May) The Islamic State in Afghanistan: Examining its Threat to Stability. Middle East Institute. Accessed [online](#)

¹⁵⁰ Jadoon, A. (2018, December 03) Allied and Lethal. Combatting Terrorism Center at the USMA West Point. Accessed online

^{۱۵۱} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۱۵۲} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۵۳} مصاحبه با یک خبرنگار بی‌بی‌سی

^{۱۵۴} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۵۵} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت اقلیم کردستان

با این حال، ولایت خراسان نتوانسته است بخش بزرگی از نیروی جنگی طالبان را به سمت خود جلب کند و در عوض، درگیر جنگ‌های خونین شده است. این گروه احتمالاً انتظار داشت تعداد بیشتری از جنگ‌جویان طالبان یا اعضای شبکه حقانی به صفوفش بپیوندند، اما بیش‌تر اعضای طالبان به این گروه وفادار مانده‌اند. تصور می‌شود که دلیل اصلی این امر، رقابت بین گروه‌ها است. رقابت بین گروه‌های مختلف منجر به خشونت و افراط‌گرایی در سطح بالاتری می‌شود. رقابت بین حماس و سایر گروه‌های مقاومت فلسطین، محبوبیت بمب‌گذاری انتحاری را به‌عنوان سلاح انتخابی در درگیری بین فلسطین و اسرائیل افزایش داد^{۱۵۶} و این احتمال وجود دارد که همین پدیده اکنون در افغانستان در حال ظهور باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد در شرایطی که تعداد زیادی از گروه‌های تروریستی در یک منطقه فعالیت کنند، مانند پاکستان، رقابت بین آن‌ها می‌تواند به سطح بالاتری از تروریسم منجر شود؛ وقتی گروه‌های تروریستی مختلف در یک منطقه فعالیت داشته باشند، برای نفوذ بیش‌تر باهم رقابت می‌کنند و این رقابت می‌تواند در شکل حملات افراطی روزافزون چه علیه دشمن مشترک و چه علیه یک‌دیگر، خود را نشان دهد.^{۱۵۷} پس از این‌که ولایت خراسان از «ترتیب‌بندی» مخالفان خود کوتاهی کرد، به چالش‌کشیدن مخالفان فراوانش به‌طور هم‌زمان ممکن است یک اشتباه استراتژیک باشد. در نتیجه‌ی همین اشتباه، این گروه اکنون مجبور است هم‌زمان با دشمنان متعدد در جبهات مختلف به‌طور هم‌زمان بجنگد.^{۱۵۸}

با این حال، ولایت خراسان نتوانسته با پیروی از تاکتیک‌های بی‌رحمانه داعش در پیام‌رسانی، ترس خود را موفقانه و ماهرانه پخش کند. شاهدان به یاد می‌آورند که جنگ‌جویان این گروه زیر بزرگان قبیله ماین قرار داده‌اند و آن‌ها را چنان روش اعدام این گروه، منفجر کرده‌اند.^{۱۵۹} این

¹⁵⁶ Ibrahim N. Akbarzadeh, S. (2018, July 19) Intra-Jihadist Conflict and Cooperation: Islamic State–Khorasan Province and the Taliban in Afghanistan. *Studies in Conflict & Terrorism*. P.10 Accessed [online](#)

¹⁵⁷ Justin V. Hastings & Farah Naz (2017) The trials and travails of the Islamic State in Pakistan, *Australian Journal of International Affairs*, 71:3, 335-353.

¹⁵⁸ Guistozzi, A. (2018, September 1) *Islamic State Khorasan*. London. C. Hurst & Co. P14

گروه در برخورد با اسیران طالبان رفتار مشابهی از خود نشان داده‌اند. در یک مورد، آن‌ها دوازده زندانی طالب را با انفجار بمب آن‌ها اعدام کرده و بقیه اسیران را سر بریدند.^{۱۶۰}

شکل ۵: پروپاگندایی که توسط داعش منتشر شد، برخورد این گروه با زندانیان در ولایت سینا در مصر را نشان می‌دهد.



نتیجه‌گیری

قبل از هر چیز، ولایت خراسان توانایی تصرف افغانستان را ندارد. این گروه نه از مهارت لازم برای دست‌یابی به یک پیروزی کامل در برابر یک نیروی متعارف برخوردار است و نه توانایی شکست دادن طالبان را از خود نشان داده است.

نداشتن استراتژی منسجم یک مشکل جدی برای این گروه است و جایگزینی و حذف مکرر رهبری در سطوح مختلف این سازمان، به‌وضوح مانع پیشرفت استراتژیک برای این گروه شده است. نداشتن استراتژی منسجم در کنار اتکا به تاکتیک‌های شورشی و وجود سایر گروه‌های شورشی در منطقه، احتمالاً دامنه این گروه را به افغانستان محدود می‌کند. در نتیجه گسترش به

^{۱۶۰} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

آن سوی مرزهای افغانستان به رغم حملات اخیر این گروه در مرز تاجیکستان-ازبیکستان، نمی‌تواند امر پایداری باشد.

اهداف نهایی این گروه نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. اگر این گروه واقعا در پی فتح تمام جغرافیای خراسان قدیم است، پس چرا دولت اسلامی بیعت دولت اسلامی پاکستان و دولت اسلامی هند را پذیرفته است؟ تمرکز ولایت خراسان بر کمر، ننگرهار و محافظت از گذرگاه خیبر، نیز پرسش‌هایی را در مورد این که آیا اولویت این گروه منافع اقتصادی‌اش است یا گسترش ایدئولوژی داعش، مطرح می‌کند. برای مثال، اگر ولایت خراسان قصد از بین بردن شیعیان را داشت، چرا تصمیم گرفت در مناطقی فعالیت کند که تعداد شیعیان در آن ناچیز است و یا هم اصلا وجود ندارند؟ چرا این گروه تمام این سال‌ها منتظر نشسته و اکنون در تاجیکستان عملیات کرده است؟ چرا در ازبیکستان عملیات نکرده است؟

هم‌سویی ایدئولوژیک ولایت خراسان با دولت اسلامی

ماهیت و اقدامات دولت اسلامی ولایت خراسان پرسش‌های قابل‌توجهی را در مورد تعهد ایدئولوژیک این گروه به دولت اسلامی عراق و شام ایجاد کرده است. برخی از کارشناسان معتقدند که «آن‌ها [ولایت خراسان] بسیار متفاوت»^{۱۶۱} از دولت اسلامی هستند و ولایت خراسان پرچم داعش را فقط برای برندسازی و راحتی شکل‌گیری و ظهور در افغانستان به دست گرفته است. جناح‌هایی که از سازمان‌های شبه‌نظامی تثبیت‌شده‌تر افغانستان ناراضی و به دنبال آن جدا می‌شوند، و دیگر این سازمان‌ها را شایسته اتحاد خود نمی‌دانند، در جبهه ولایت خراسان قرار می‌گیرند.^{۱۶۲} علاوه بر این، ولایت خراسان مجبور شده است که برای پرکردن صفوف خود با ترکیبی از افغان‌های محلی و ظاهراً کمتر ایدئولوژیک یا پاکستانی‌ها، با افرادی که از مناطق دورتر می‌آیند، آشتی برقرار کند. قزاق‌ها، ازبیک‌ها و روس‌های چچنی که گرایش‌های ایدئولوژیک قوی‌تری دارند، در کنار افغان‌ها و پاکستانی‌ها که با انگیزه‌های عملی به ولایت خراسان پیوسته‌اند، می‌جنگند. همچنین ماهیت چند تکه این گروه تشخیص این امر را که انگیزه‌ی این گروه از فعالیت در افغانستان تا چه اندازه اقتصادی است و تا چه اندازه تمایل برای تحقق ایدئولوژی داعش دارد را به‌طور کامل دشوار می‌سازد.

با این حال، مهم است که برای استنباط بهتر هم‌سویی ولایت خراسان با دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، ایدئولوژی داعش را با جزئیات بیش‌تر تعریف کنیم. داعش از تعالیم سخت سلفیسم پیروی می‌کند؛ سلفیسم تفسیر مذهبی هماهنگ با اصول سنتی اسلام سنی است. سلفیسم برای جهانی تبلیغ و مبارزه می‌کند که در آن مسلمانان مطابق راه و روش پیروان اصیل اسلام زندگی می‌کنند. داعش در ظاهر عناصر دیوبندیسم و وهابیسیم را نیز تکریم می‌کند.^{۱۶۳} ویژگی تعیین‌کننده‌ای که این گروه را از سایر گروه‌های سلفی همچون القاعده، متمایز می‌کند، قصد این گروه برای از بین بردن مسلمانان شیعه است. همین تمرکز عمدی بر نابودی شیعیان، در واقع دلیل اصلی انشعاب اولیه داعش از القاعده است. القاعده برخلاف داعش، شیعیان را کافر

^{۱۶۱} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۱۶۲} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

نمی‌داند. باور براین است که اعتقادات ضدشیعی ابومصعب الزرقاوی، بنیان‌گذار داعش، حتا اسامه بن لادن را که مادرش شیعه بود، از وی دور کرده است.^{۱۶۴} دولت اسلامی ولایت خراسان به خواست خود به مسلمانان شیعه حمله می‌کند. ۹۰٪ از ۱۱ حمله به فرقه‌های خاص مذهبی در سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ در جوامع شیعه انجام شده است.^{۱۶۵} ایدئولوژی داعش برده‌داری، تجاوز و اخاذی را مجاز می‌داند اما اعمال ناچیز مانند سیگارکشیدن را جرمی می‌داند که مجازات آن می‌تواند حتی مرگ باشد. ایدئولوژی داعش زکات را تحمیل می‌کند که باید در هماهنگی و توسط بیت‌المال جمع‌آوری شود. جمع‌آوری زکات به داعش کمک کرد [هزینه] اکثر عملیات‌های خود را تأمین کند.

سلفی‌گری داعش دومین تکرار سلفیسم است که تاکنون در جهان ظهور کرده است. جنگ‌جویان عرب و مجاهدین عرب در دهه ۱۹۹۰ به رهبری اسامه بن لادن و از سال ۲۰۱۱ به رهبری ایمن الظواهری، اولین تجسم موج اول سلفیسم بودند. نسخه دوم و افراطی‌تر آن، سلفیسم داعش و ابوبکر البغدادی است، که از نظر نظامی شکست خورده اما از نظر فکری شکست نخورده است.^{۱۶۶} داعش با ایجاد نسخه دوم سلفیسم، شکافی را در سلفی‌گری ایجاد کرد که باعث شکل‌گیری دو نسخه رقیب از آن شد. علاوه براین، اسلام سنی از فقهی پیروی می‌کند که اجازه می‌دهد خلافت اسلامی در هر زمان و هر مکان شکل بگیرد. بنابراین، خلافت سلفی در صورت وجود پایگاه ایدئولوژیک کافی می‌تواند در هر کشوری شکل بگیرد. به همین ترتیب تشکیل خلافت داعش براساس نسخه دوم سلفیسم، در افغانستان صرف‌نظر از شرایط داخلی، منطقه‌ای یا بین‌المللی حاکم، امکان‌پذیر است.^{۱۶۷}

ساختارهای مدیریتی داعش برای تعیین شانس این گروه در یافتن و حفظ حمایت ایدئولوژیک کافی برای خلافت داعش در مواجهه با سایر عوامل رقابتی، مهم است. شبکه سلولی و غیرمتمرکز داعش، طوری است که که بخش اعظم اقتدار و صلاحیت این گروه به رهبران ولایتی

^{۱۶۴} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۶۵} Jadoon, A. (2018, December 03) Allied and Lethal. Combatting Terrorism Center at the USMA West Point. Accessed online

^{۱۶۶} مصاحبه با یک متخصص بنیادگرایی اسلامی

^{۱۶۷} مصاحبه با یک متخصص بنیادگرایی اسلامی

آن واگذار می‌شود. بنابراین، ولایت خراسان در افغانستان می‌تواند تا زمانی که وفادار به خلیفه باشد، مستقل عمل کند. با این حال، از وقتی داعش الگوی رهبری‌اش را نسبت به الگوی رهبری القاعده به یک رهبری غیرمتمرکزتر تغییر داده است، ارتباط بین رهبری ولایت خراسان و داعش سست شده است. بسیاری براین باورند که نسخه دوم سلفیسم ولایت خراسان را قادر ساخته است که نسبت به رهبری ایدئولوژیک عراق و شام به لحاظ عملی خودکفا باشد.^{۱۶۸} این امر با سوابق ولایت خراسان و داعش همخوانی دارد. سوابق هر دو گروه وجود ارتباط بین این دو گروه علی‌رغم تصمیم‌گیری نه‌چندان متمرکز را تأیید می‌کند همین عدم تمرکز، فاصله افغانستان از عراق و سوریه، همچنین عدم وجود زبان مشترک، ممکن است تصادفاً هم‌سویی ایدئولوژیک داعش و ولایت خراسان را (در جهت تلاش برای احیای خلافت داعش در افغانستان) تضعیف کرده باشد.^{۱۶۹} در عین حال، شبکه‌های اجتماعی و عقیده مشترک در مورد هدف داعش، باعث شده است که بالاترین سطح رهبری ایدئولوژیک همچنان در دست داعش باشد و ولایت خراسان از آن اطاعت کند. از این رو به نظر می‌رسد در معیارهای سخت‌گیرانه ایدئولوژیک داعش و ماهیت غیرمتمرکز سیستم ولایت آن دوگانگی وجود دارد. آزادی عمل ولایت خراسان، حتی اگر بالاترین سطح رهبری آن به رهبری ایدئولوژیک داعش متعهد باقی بماند، این گروه را قادر می‌سازد تا به اندازه‌ی کافی فضا برای انحراف از این ایدئولوژی داشته باشد.

درجه‌ای از هم‌سویی بین ولایت خراسان و دولت اسلامی عراق و شام به روشنی غیرقابل انکار است، اما چنین توضیحی چپستی و چرایی برخی سازش‌ها را پنهان می‌کند.^{۱۷۰} عناصر ایدئولوژی اصلی دولت اسلامی ولایت خراسان مطمئناً با موعظه‌های ابوبکر البغدادی و ابوابراهیم الهاشمی القریشی در عراق و سوریه مطابقت دارد اما این مسأله، از آنچه این تحلیل ساده نشان می‌دهد به مراتب پیچیده‌تر است. آمادگی دولت اسلامی ولایت خراسان به همکاری با گروه‌های جهادی که با داعش بیعت نکرده‌اند، نشان‌دهنده تناقض در وفاداری ایدئولوژیک ولایت خراسان به دولت اسلامی است. نیمی از اندیشه دولت اسلامی ولایت خراسان عمل‌گرایی را در اولویت قرار می‌دهد

^{۱۶۸} مصاحبه با رئیس مرکز مطالعات استراتژیک دفتر ریاست جمهوری تاجیکستان، بختیار خالقوف

^{۱۶۹} مصاحبه با دستیار پیشین ابومصعب الزرقاوی

^{۱۷۰} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

در حالی که نیمه‌ی دوم، از انعطاف‌پذیری داعش به‌عنوان یک ساختار شبکه‌ای (نه متمرکز) استفاده می‌کند تا رهبری و تفکر ایدئولوژیک منحصر به فرد خود را در چارچوب داعش توسعه دهد.^{۱۷۱} شایان یادآوری است که ساختارهای حاکم بر خود دولت اسلامی عراق و شام واگرایی (انشعاب) بین ولایت‌هایش را مجاز می‌داند. این امر ذاتاً دو امکان را فراهم می‌کند. رهبران دولت اسلامی ولایت خراسان می‌توانستند به‌منظور استفاده از برند داعش و بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری حاکم بر این گروه، برای اهداف غیرایدئولوژیک خود، بیعت خود با این گروه را با اختیار و صلاح‌دید خودشان اعلام کنند. از سوی دیگر، ولایت خراسان می‌تواند سیالیت ایدئولوژیک خود را برای بقا در افغانستان به کار ببرد. داعش در عمل انتظار ندارد که ولایت خراسان تمام اقدامات خود را تقلید کند.^{۱۷۲} همچنین داعش به رغم شواهد انشعاب، همچنان مایل به پذیرش بیعت از جانب ولایت خراسان است.

بیعت مهم‌ترین سطح وفاداری در بین گروه‌های جهادی است و این نیز پرسش‌هایی را در مورد رهبری دولت اسلامی ولایت خراسان ایجاد می‌کند. بیعت کردن طبق ایدئولوژی جهادی سلفی برای این که یک نفر عضو سازمان در نظر گرفته شود، الزامی است. بیعت با رهبر و سازمان آن ظاهراً یک ضرورت مسلم است. هم‌سویی به سایر افراد و گروه‌هایی که بیعت نکردند، طبق گفته یکی از دستیاران ابومصعب الزرقاوی که برای این تحقیق با وی مصاحبه شده، توسط داعش تحمل نمی‌شود یا دست‌کم نباید تحمل شود.^{۱۷۳} سایر عناصر جهادی که ولایت خراسان یا دولت اسلامی با آن‌ها کار می‌کنند، طبق ایدئولوژی جهادی سلفی باید با نهاد مرکزی (یعنی دولت اسلامی عراق و شام) بیعت کرده باشند. باقی گروه‌های جهادی که بیعت نمی‌کنند، طبق ایدئولوژی سلفی کافر محسوب می‌شوند. طبق ایدئولوژی داعش، مبارزه علیه این کافران به همان اندازه وظیفه اسلامی است که مبارزه با شیعیان و بی‌دینان. اهمیت بیعت در این ایدئولوژی، در درگیری بین داعش و جبهه‌النصره در سوریه به خوبی به نمایش درآمد.^{۱۷۴}

^{۱۷۱} مصاحبه با یک متخصص شورشگری منطقه‌ای

^{۱۷۲} مصاحبه با یک متخصص شورشگری منطقه‌ای

^{۱۷۳} مصاحبه با دستیار پیشین ابومصعب الزرقاوی

^{۱۷۴} مصاحبه با یک متخصص بنیادگرایی اسلامی

وفاداری ایدئولوژیک دولت اسلامی ولایت خراسان به داعش با توجه به این درک وفاداری متناقض است و ماهیت نسبتاً متفاوت این گروه، مسأله را پیچیده تر می‌کند. برنامه ولایت خراسان برای ادغام گروه‌های تشکیل‌دهنده‌ی خود درون یک ساختار فرماندهی و سوق و اداره واحد و یک پارچه، به دلیل اختلاف نظر ایدئولوژیک درونی، در سال ۲۰۱۸ به تأخیر افتاد.^{۱۷۵} با این حال، رهبری منطقه‌ای این گروه در ماه جون سال ۲۰۱۹ در ویدیویی که در آن رهبران ذیربط دیده می‌شوند، با ابوبکر البغدادی تجدید بیعت کردند. ابوزبیر الخراسانی (افغانستان)، ابوحفص الخراسانی (غرب افغانستان)، ابومجاهد الفارسی (ایران)، ابوظلحه الهندی (هند)، ابوعبدالله کشمیری (کشمیر)، سعدالپاکستانی (پاکستان) و ابوخالد پاکستانی (پاکستان) در این ویدیو دیده می‌شوند. پس از کشته شدن بغدادی، دولت اسلامی ولایت خراسان بازم در ویدیویی در ماه نوامبر با داعش تجدید بیعت کرد. با این حال، دستیار سابق زرقاوی با اشاره به مسافت طولانی بین دو گروه و دشواری آشتی دادن تصمیم غیرمتمرکز با وفاداری ایدئولوژیک و با توجه به نظارت شدیدی که بر رهبری داعش وجود دارد، اهمیت این بیعت را به چالش می‌کشد.^{۱۷۶}

موقعیت مراکز قدرت ولایت خراسان در افغانستان بینش‌هایی را در مورد همسویی ایدئولوژیک و اختلافات این گروه با داعش نیز ارائه می‌کند. ولایت خراسان در مناطق سنی افغانستان و عمدتاً در ننگرهار و کنر حضور سنگین دارد، فعالیت آن در کابل ملموس و در بدخشان رو به افزایش است. این واقعیت که ولایت خراسان تصمیم گرفته است خودش را در مناطق عمدتاً سنی نشین افغانستان تثبیت کند، به دلیل جمعیت عمدتاً سنی این گروه نه بلکه به دلیل نبود شیعیان در آن مناطق است. این امر نیز بازتاب‌دهنده‌ی نفوذ سنگین تحریک طالبان پاکستان بر ولایت خراسان است. برای این که چرا ولایت خراسان چنین مناطقی را به عنوان مراکز قدرت خود انتخاب کرده است، دو توضیح وجود دارد. فعالیت در مناطق شیعه‌نشین افغانستان از جمله هزاره‌جات، غزنی، بامیان و غور به لحاظ جغرافیایی برای ولایت خراسان بسیار دشوار است و شاید همین امر ولایت خراسان را از این مناطق دور نگه داشته است. اهمیت اقتصادی ننگرهار و

¹⁷⁵ Guistozzi, A. (2018, September 1) Islamic State Khorasan. London. C. Hurst & Co. P110

^{۱۷۶} مصاحبه با دستیار پیشین ابومصعب الزرقاوی

کنر (که بعداً در قسمت اهداف این گروه مورد بحث قرار می‌گیرد) نیز می‌تواند عامل ترجیح این دو ولایت به عنوان مراکز قدرت باشد. این دو عامل در کنار اهداف حامیان دولت اسلامی ولایت خراسان، احتمالاً وفاداری ایدئولوژیک گروه‌های تشکیل‌دهنده ولایت خراسان را متأثر کرده است. بنابراین، تشخیص این که کدام جناح به ولایت خراسان نسبت به دیگری وفاداری بیشتری دارد، دشوار است.

این پژوهش در مورد ایدئولوژی دولت اسلامی ولایت خراسان برای شناخت و درک بهتر وفاداری اعضای این گروه، باید به سه دسته تقسیم شود. ارزیابی کسانی که به وضوح از نظر عقیدتی متعهد هستند و نشانگر ارزش‌های اساسی آن هستند لازم است. تعهد ایدئولوژیک رهبری این گروه (که وفاداری جنگ‌جویان را کنترل می‌کند) نمایان‌گر ارزش‌های اصلی ولایت خراسان است، هر چند اعضای رده‌پایین آن -همانند اکثر سازمان‌های دیگر- در اغلب موارد با همان شدت به آن پای‌بند نیستند. بنابراین، رهبری دولت اسلامی ولایت خراسان و اعضای کلی آن باید به‌عنوان دو نهاد جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. یک عنصر مهم که به جای دلایل ایدئولوژیکی به دلیل انگیزه مادی است، نیز مورد توجه است. سازش‌های عملی مورد نیاز دولت اسلامی ولایت خراسان، از جمله وابستگی مداوم آن با طالبان، نیز در ارزیابی ایدئولوژی آن نقش اساسی دارد. سطوح متغیر تعهد را نیز می‌توان تعریف کرد جناح‌های درون آن در افغانستان است. در نتیجه، مدنظرگرفتن این واقعیت در شناخت این تفاوت‌ها و ارزیابی تعهدات این گروه حائز اهمیت است. پس از آن است که می‌توان در مورد تعهد ایدئولوژیک ولایت خراسان ارزیابی دقیق‌تری داشت.

تعهد ایدئولوژیک

رهبری دولت اسلامی ولایت خراسان بسیار به مراتب با ایدئولوژی داعش هم‌سوتر است. حلقه تنگ داخلی رهبری اصلی این گروه واقعا تلقین‌شده ایدئولوژی داعش است و از اصول آن پیروی می‌کند. مصاحبه‌شوندگان تأکید کرده‌اند که رهبری ولایت خراسان از طالبان ناراضی است زیرا طالبان دیگر نزد آن‌ها به لحاظ ایدئولوژیک جذابیت ندارند. ابتدا ابوبکر البغدادی و اکنون ابوابراهیم الهاشمی القریشی از بالاترین صلاحیت درون داعش برخوردار است و هیچ‌یک از ولایت‌های داعش، به رغم ساختار رهبری غیرمتمرکز این گروه، از خودمختاری کامل برخوردار نیستند. هسته داعش درون این سازمان بسیار قدرت‌مند است و بین تمام ارگان آن هماهنگی وجود دارد.^{۱۷۷} برای مثال، ولایت خراسان طبق اصول داعش بر تجارت مواد مخدر ممنوعیت شدیدی وضع کرد. رهبری این گروه به اعضای آن دستور داد تا به تمام کشاورزان اطلاع دهند که در صورت کشت خشخاش، با جریمه، بازداشت یا حتی اعدام روبه‌رو خواهند شد.^{۱۷۸} ولایت خراسان ادعا می‌کرد که تا ماه جون ۲۰۱۶، خشخاش را در ۱۲۰۰ هکتار زمین ریشه‌کن کرده است، تا ۳ میلیون دالر جریمه جمع‌آوری کرده است و تا ۲۰ تن مواد مخدر را کشف و ضبط کرده است. با این‌حال، در سال ۲۰۱۷ ممنوعیت کشت مواد مخدر در قلمرو این گروه در جنوب‌غرب افغانستان به هدف رقابت با طالبان، برداشته شد.^{۱۷۹}

اعضای رده‌پایین (جنگ‌جویان) ولایت خراسان ثابت کرده‌اند که در تطبیق ایدئولوژی بی‌رحم و سلفیت افراطی داعش، از این گروه چیزی کم ندارند. گزارش‌هایی وجود دارد که جنگ‌جویان ولایت خراسان با منفجر ساختن بزرگان قبیله آن‌ها، به قتل رسانده‌اند. کسانی که با جنگ‌جویان این گروه ارتباط مستقیم دارند می‌گویند که شاهد تعهد جدی آن‌ها به خلافت بوده‌اند.^{۱۸۰} روزنامه‌نگاری که با چندین عضو دولت اسلامی ولایت خراسان مصاحبه کرده است، می‌گوید: «بلی آن‌ها همه گفتند که خواهان ایجاد یک دولت اسلامی، یک خلافت هستند... و این را

^{۱۷۷} مصاحبه با استاد دانشگاه دهوک دولت اقلیم کردستان، دکتر مراد حکیم

¹⁷⁸ Guistozi, A. (2018, September 1) *Islamic State Khorasan*. London. C. Hurst & Co. p.73

¹⁷⁹ Guistozi, A. (2018, September 1) *Islamic State Khorasan*. London. C. Hurst & Co. p.35

^{۱۸۰} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

طوری گفتند که انگار تمرین داده شده‌اند که این‌طور بگویند و تمرین داده شده‌اند که این‌طور فکر کنند. آن‌ها به این باورند که می‌خواهند که دولت اسلامی داشته باشند، یک خلافت یا هر چیزی... و برای این کار حاضرند خانواده‌های خود را قربانی کنند. من این را شاهد بودم.» یک مقام بلندپایه فعلی دولت افغانستان می‌گوید که اعضای طالبان «تغییر جناح می‌دهند زیرا طالبان دیگر به لحاظ ایدئولوژیک و یا مالی، به اندازه داعش برای آن‌ها جذابیت ندارد.»^{۱۸۱}

آرمان‌های دولت اسلامی ولایت خراسان حتا بر احترامی که بسیاری از جنگ‌جویان آن برای نزدیک‌ترین عضو خانواده‌ی خود دارند، چربیده است. یک جنگ‌جوی این گروه می‌گوید که مادرش را که از کراچی به جلال‌آباد سفر کرده بود تا برای او زن بگیرد، پس به خانه فرستاده است. او به مادرش گفته: «من ازدواج نخواهم کرد.» او با اشاره به این که ممکن است در عرض چند ماه در حمله‌ای که قصد دارد در آن بمیرد تا به پیش‌رفت ایدئولوژی ولایت خراسان کمک کند، ازدواج با یک زن را ناعادلانه می‌داند.^{۱۸۲}

گزارش‌های موجود در این زمینه بخش عمده‌ی آنچه را که در غیر این‌صورت احتمال می‌رفت صرفاً به‌عنوان یک سروصدا نادیده گرفته شود، تأیید می‌کند. ساکنان محلی ننگرهار و کنر در مصاحبه برای این تحقیق پیوسته از هدف قراردادن عمدی زنان و کودکان یاد می‌کردند.^{۱۸۳}

تفاوت عمده بین دولت اسلامی عراق و شام و القاعده، مبنای ایدئولوژیک این گروه در خصوص هدف قراردادن عمدی زنان و کودکان دانسته می‌شود. افراد محلی در کنر و ننگرهار همچنین از مشاهده علاقه‌ی فراوان و روحیه بسیار بالا در میان جنگ‌جویان ولایت خراسان گزارش داده‌اند.^{۱۸۴} یک عضو محلی که تحت حاکمیت این گروه زندگی کرده بوده می‌گوید که از ترس این که مبادا قانون اسلامی سخت‌گیرانه‌ای را که این گروه بر اتباع خود اعمال می‌کند، نقض کند، نتوانسته پس از شام به شفاخانه برود. برخی مقامات در حکومت افغانستان با این نظر که در

^{۱۸۱} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

^{۱۸۲} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

^{۱۸۳} مصاحبه با باشندگان محلی کنر و ننگرهار، افغانستان

^{۱۸۴} مصاحبه با باشندگان محلی کنر و ننگرهار، افغانستان

صورت مصالحه افغانستان و ایالات متحده با طالبان، این نمایش هدف‌مندانه قدرت با شدت هرچه بیشتر خودش را تبارز خواهد داد، موافق هستند و اظهار نگرانی می‌کنند.^{۱۸۵}

با این وجود، بسیاری از اعضای افغان این گروه نیز اشتیاق ایدئولوژیک یکسانی با جنگ‌جویان خارجی این گروه دارند. طبق گزارش‌ها، ولایت خراسان به شدت از دانشگاه‌های کابل سربازگیری می‌کند؛ این افراد نیز از جمع همان معتقدین ایدئولوژیک واقعی هستند و دلیل پیوستن‌شان به این گروه اختلاف با طالبان نیست. این نشان می‌دهد که دولت اسلامی ولایت خراسان دست‌کم از هسته ایدئولوژیک جان‌فدایان واقعی متشکل از افغان‌ها و پاکستانی‌ها نیز برخوردار است.^{۱۸۶} یکی از اعضای این گروه که برای این پژوهش با وی مصاحبه شده، ادعا می‌کند که ۲۰ خانواده پاکستانی، افغان، تاجیکستانی، ازبکستانی و عرب در ولسوالی مهمند، بندر و اچین ولایت ننگرهار برای جهاد علیه طالبان در کوهستانات این ولایت مستقر هستند.^{۱۸۷} هسته فدائیان دولت اسلامی ولایت خراسان دست‌کم تا حدی شامل افغان‌ها و پاکستانی‌ها نیز می‌شود اما تعداد آن‌ها محل تردید است.

تعهد به دلایل مادی

در صفوف دولت اسلامی ولایت خراسان تعداد قابل‌توجهی جنگ‌جوی داخلی و خارجی وجود دارند که به وضوح، اگر نه به صورت کامل، با انگیزه‌های مادی به این گروه پیوسته‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت که «هیچ کس داعشی نیست.»^{۱۸۸} این نگاه پیوسته از جانب کسانی که به صورت مرتب با این گروه سروکار دارند، تکرار می‌شود. یک کارمند سابق دولت و آشنا با تحلیل‌ها در مورد این گروه، به شدت معتقد است که «بدنه [ولایت خراسان] از عناصر اقتصاد جرمی، فرصت‌طلبی و دشمنی قبیله‌ای و فرصت‌طلبی ژئوپلیتیکی ساخته شده و آن‌ها متعهد نیستند.»^{۱۸۹} کارشناسان دیگر نیز با این نظر موافق هستند و می‌گویند که بین تمام گروه‌های شبه‌نظامی در افغانستان شبکه و اختلاط وجود دارد. کسانی که با گروه‌های مختلف در

^{۱۸۵} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

^{۱۸۶} مصاحبه با مدیر برنامه‌ی ثبات و پیشرفت مرکز تحلیل نوال، دکتر جاناتان سکروتن

^{۱۸۷} مصاحبه با یک زن پاکستانی عضو دولت اسلامی ولایت خراسان

^{۱۸۸} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت خارجی

^{۱۸۹} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

تعاملند، هدف شان یافتن گروهی است که بیشترین پول را بدهد.^{۱۹۰} یک کارشناس امریکایی می‌گوید که از «اظهارنظرها»یی که دیده است متقاعد شده که «داعش پول بیشتری می‌پردازد.»^{۱۹۱} این‌که جنگ جویان ولایت خراسان با وعده همسر در افغانستان جذب این گروه می‌شوند با روش‌های استفاده شده توسط داعش فرقی نمی‌کند.^{۱۹۲} اما این انگیزه برای پیوستن، تعهد آن‌ها به ایدئولوژی‌شان را زیر سوال می‌برد. منابع دیگر ادعا می‌کنند که وعده ۵۰۰ دالر معاش ماهانه، مسکن و حتی کامپیوتر، مشوق این گروه برای جلب و جذب جنگ‌جو است.^{۱۹۳} این امر لزوماً به این معنی نیست که تعهد ایدئولوژیک آن‌ها جای سوال باشند.

گواهی اعضای ولایت خراسان دست‌کم تا حدودی ادعاهای مرتبط با انگیزه مادی جنگ‌جویان را تأیید می‌کند. یک جنگ‌جوی این گروه که در بازداشت ریاست امنیت ملی در کابل به سر می‌برد، ادعا می‌کند که دولت اسلامی ولایت خراسان وی را به طالبان فروخته است.^{۱۹۴} او می‌گوید که در اصل به خاطر وعده همسر به دولت اسلامی ولایت خراسان پیوسته اما از این‌که در کنار این گروه علیه طالبان جنگیده، راضی است. او می‌گوید که پس از آن، خودش و سایر هم‌سلولی‌هایش که هم‌سنگر یک‌دیگر بوده‌اند، بدون این‌که بدانند به طالبان فروخته شده‌اند و در یک تغییرجهت تمام‌عیار، برای جنگ علیه دولت اسلامی ولایت خراسان بسیج شدند. با این‌حال، معلوم نیست که آیا این یک رسم معمول بین گروه‌ها است یا خیر. ولی این نمونه‌ی آشکار از «مزدور جنگی» دست‌کم نشان می‌دهد که اقتصاد جنگی محرک اصلی استقرار نیرو است. یک جنگ‌جوی دیگر ادعا می‌کند که هدفش از پیوستن به دولت اسلامی ولایت خراسان، فرصت اقتصادی بوده که این گروه ارائه می‌کند و قبلاً برای گروه‌های ایرانی مانند وی، در دسترس نبود.^{۱۹۵} همسر یک جنگ‌جوی کشته‌شده دولت اسلامی ولایت خراسان نیز ادعا کرده است که شوهرش به دلیل مزایای اقتصادی شغل آی‌تی خود را در پنجاب پاکستان رها کرده و به این

^{۱۹۰} مصاحبه با مدیر برنامه‌ی ثبات و پیشرفت، مرکز تحلیل نوال، دکتر جان‌اتان سکوردن

^{۱۹۱} مصاحبه با مدیر برنامه‌ی ثبات و پیشرفت، مرکز تحلیل نوال، دکتر جان‌اتان سکوردن

^{۱۹۲} مصاحبه با یک خبرنگار بخش دری صدای آمریکا

^{۱۹۳} مصاحبه با یک خبرنگار بخش دری صدای آمریکا

^{۱۹۴} مصاحبه با یک خبرنگار بخش دری صدای آمریکا

^{۱۹۵} مصاحبه با جنگجوی ایرانی دولت اسلامی ولایت خراسان، امین دلنشین

گروه پیوسته بود.^{۱۹۶} با این حال، مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که وعده‌های مادی دولت اسلامی ولایت خراسان، دروغ است. چندین عضو این گروه ادعا کردند که ولایت خراسان به وعده معاش بالا عمل نکرده است و در عوض ماهانه بین ۱۵ تا ۲۰ هزار روپیه پاکستانی به آن‌ها پرداخت می‌شود. مزایای اقتصادی شاید عامل جذب نیرو باشد اما واقعیت ممکن است آنچه نباشد که انتظار می‌رود.

انگیزه‌های نهان برای پیوستن به دولت اسلامی ولایت خراسان حتی در بیش‌تر مناطق محلی وجود دارد. یک مقام پیشین دولت می‌گوید با جنگ‌جویی در ولایت ننگرهار ملاقات کرده که هدفش از پیوستن به ولایت خراسان، حل‌وفصل دعوا بر سرزمین با همسایه‌اش بوده است. همسایه این جنگ‌جو وابسته به طالبان بوده و بنابراین، یک راه مؤثر برای کمک به حل این مشکل این بوده که این جنگ‌جو به یک سازمان رقیب بپیوندد تا برای کمک به حل مشکلش، منابع در اختیار وی گذاشته شود.^{۱۹۷}

علاوه بر این، به نظر می‌رسد که بسته به این‌که جنگ‌جویان از کجا می‌آیند، دولت اسلامی ولایت خراسان التزام عقیدتی و پای‌بندی ایدئولوژیک را نیز متفاوت تعریف می‌کند. «من با خارجی‌ها بیشتر از افغان‌ها صحبت کرده‌ام و افراد خارجی خیلی قانع‌تر به نظر می‌رسند. من قطعاً بین خارجی‌ها و افغان‌ها کمی فرق قائل می‌شوم.»^{۱۹۸} این مسأله برای تعریف ویژگی‌های نیروی جنگی دولت اسلامی ولایت خراسان مهم است. «ما جنگ‌جویان متفاوتی داریم. ما تعدادی جنگ‌جوی افغان داریم که با کشور بلدیت دارند.»^{۱۹۹} به نظر می‌رسد که دولت اسلامی ولایت خراسان دست‌کم تفاوت‌های جزئی افغان‌ها در پذیرش ایدئولوژی داعش را به خوبی می‌داند. تفکیک این افغان‌ها از کسانی که «بیگانه هستند... و ممکن است بلدیت نداشته باشند اما می‌خواهند بیایند و بپیوندند»^{۲۰۰} و همچنین ارزیابی این‌که چه‌گونه از این افراد درون این گروه نمایندگی صورت می‌گیرد، امکان درک بهتر میزان گستردگی تعصب ایدئولوژیک آن‌ها را فراهم

^{۱۹۶} مصاحبه با جنگ‌جویان دولت اسلامی ولایت خراسان در زندان امنیت ملی افغانستان

^{۱۹۷} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۱۹۸} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

^{۱۹۹} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

^{۲۰۰} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

می‌کند. جنگ‌جویان خارجی خودبه‌خود متعهدتر از دیگران نیستند، اما به صورت عموم به لحاظ تعهد خود متمایز هستند. برخی از جنگ‌جویان خارجی «حتی می‌خواهند خودشان یک حمله را برنامه‌ریزی کنند. زیرا این افراد می‌خواهند تمام و کمال خودشان را وقف این آرمان کنند.»^{۲۰۱} تفکیک دقیق اعضای دولت اسلامی ولایت خراسان براساس ملیت آن‌ها کاملاً واضح نیست، اما با این وجود، با بررسی اعضای اولیه این گروه می‌توان به نتایجی دست یافت. بخش بزرگی از اعضای جنبش اسلامی ازبیکستان در ابتدا سعی کردند از این گروه جدا و به ولایت خراسان ملحق شوند اما ناپود شدند. در نتیجه، ولایت خراسان هنوز اکثراً از اعضای سابق تحریک طالبان پاکستان تشکیل شده است و افغان‌ها یا پاکستانی‌ها دست کم ۹۰ درصد جنگ‌جویان این گروه را تشکیل می‌دهند. بنابراین، هسته معتقدین ایدئولوژیک و جان‌فدای این گروه در بین اعضای رده پایین آن احتمالاً جزء نسبتاً کوچکی از جنگ‌جویان عمدتاً خارجی این گروه می‌باشد.

انشعاب عملگرایانه

شک و تردیدها در مورد تعهد رهبری، از روابط این گروه با سایر گروه‌های شبه‌نظامی نشأت می‌گیرد. برخی از کارشناسان غربی معتقدند که حرکت فرماندهان ولایت خراسان [به سمت سایر گروه‌ها] بیش‌تر به خاطر این بوده که ارتباط با این گروه‌ها امکان خودمختاری بیش‌تر و گسترش ولایت خراسان را فراهم می‌کند.^{۲۰۲} براساس این فرضیه تعویض طرف یک واقعیت معمول است. طبق این مکتب فکری بیعت رهبری ولایت خراسان صرفاً یک حرکت فرصت‌طلبانه برای خودمختاری بیش‌تر و منابع بیش‌تر نسبت به طالبان است. چرا باید این مسأله تعهد رهبری ولایت خراسان را زیرسوال ببرد؟ در این شرایط فرض بر این است که با این حرکت، ولایت خراسان همیشه امکان بازگشت به عقب را دارا است. همکاری بین طالبان و دولت اسلامی ولایت خراسان مانند «خدمات میان‌جی‌گری»، یافتن منبع و غیره نه‌تنها در پایین‌ترین سطح بلکه در سطح متوسط و بالاتر ولایت خراسان نیز اتفاق می‌افتد.^{۲۰۳} ایدئولوژی رهبری ولایت خراسان را می‌توان تقریباً به خودی خودش پان-اسلامیست و در نتیجه تکفیری توصیف کرد.

^{۲۰۱} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

^{۲۰۲} مصاحبه با مدیر برنامه‌ی ثبات و پیشرفت مرکز تحلیل نوال، دکتر جان‌اتان سکوردن

^{۲۰۳} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

^{۲۰۴} مصاحبه با یک خبرنگار بی‌بی‌سی

بازتاب این عدم توازن از کژی ایدئولوژیک را در حملات ولایت خراسان در افغانستان، که شواهدی مبنی بر برنامه‌ریزی مشترک این حملات از سوی دو گروه وجود دارد، می‌توان دید.^{۲۰۵} پس اعضای رده بالاتر ولایت خراسان اگر واقعا به دولت اسلامی متعهدند، چرا خود را با تکفیری‌ها پیوند می‌دهند؟ یکی از اعضای سابق دولت که از نزدیک با گروه‌های بنیادگرای اسلامی در منطقه آشنایی دارد، می‌گوید که «به نظر من تفاوت عقیدتی بزرگی بین طالبان و داعش وجود ندارد.»^{۲۰۶} مثالی که این تحلیل را تأیید می‌کند این است: یک روزنامه‌نگار با هر جنگ‌جوی ولایت خراسان در افغانستان که مصاحبه کرده، از طریق فرماندهان یا مربیان قبلی آن‌ها که طالبان هستند، به این جنگ‌جویان دسترسی پیدا کرده است.^{۲۰۷}

با این حال، چنین ارتباطی بین طالبان و ولایت خراسان ممکن است دلایل عملی داشته باشد تا ایدئولوژیک. به گفته برخی کارشناسان مستقر در واشنگتن که برای این پژوهش مصاحبه شده‌اند، مسائل اقتصادی و ترس از دشمن کلان‌تر از خودشان گاهی اوقات می‌تواند گروه‌های اسلامی را به هم نزدیک کند. وقت دلیل اصلی وجود آن‌ها در معرض خطر باشد، آن‌ها یک‌جا می‌شوند. همسویی رهبری ولایت خراسان با سایر جناح‌های شبه‌نظامی که با داعش بیعت نکرده‌اند، ممکن است یک میکانیسم حفاظتی از جانب رهبری این گروه باشد.^{۲۰۸} چنین میکانیسمی به احتمال زیاد به‌منظور فراهم کردن زمینه برای عملی‌بودن ایده ولایت خراسان در افغانستان نیز می‌باشد. ابوبکر البغدادی مجبور بود [کسی را] انتخاب کند که شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این کشور را درک کند. شرایط در افغانستان کاملا با عراق و سوریه فرق دارد و بنابراین البغدادی به فردی یا افرادی نیاز داشت که قادر به تطبیق دستورات وی در افغانستان باشند.^{۲۰۹} این امر مستلزم کسی است که ریشه در طالبان داشته باشد و بسیار دشوار است که کسی را از آن جدا کرد.^{۲۱۰}

^{۲۰۶} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

^{۲۰۷} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه فارین پالیسی

^{۲۰۸} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت اقلیم کردستان

^{۲۰۹} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت اقلیم کردستان

بسته به این که کدام حامی دخیل است، حامیان خارجی نیز بر تعهد ایدئولوژیک رهبری ولایت خراسان اعمال نفوذ می کنند، آن چنان که یک کارشناس ادعا می کند: «دولت اسلامی ولایت خراسان نه دارای یک نیروی سازمان یافته است و نه به نظر می رسد علاقه ای به حاکمیت در منطقه داشته باشد. این گروه فقط به نمایندگی از برخی مشتریان سیاسی دست به خشونت می زند.»^{۲۱۱} طبق این تحلیل ولایت خراسان از ایدئولوژی داعش الهام می گیرد و از آن برای دست یابی به اهداف سیاسی استفاده می کند اما مجراهای مستقیم با داعش ندارد.^{۲۱۲} نشریه دایق داعش در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که گروه هایی از نورستان، کنر، کندهار، خوست، پکتیا، پکتیکا، غزنی، وردک، هلمند، کندز، لوگر و ننگرهار با داعش بیعت کرده اند.^{۲۱۳} مدارک و شواهد در مورد وجود هماهنگی تدارکاتی بین کادرهای ولایت خراسان و داعش یا بسیار ناچیز است یا اصلا وجود ندارد. دلیل آن می تواند شکست داعش باشد اما به همان اندازه بر حمایت شخص ثالث دلالت می کند. به عبارت دیگر، به نظر می رسد که کمک از جانب حامیان خارجی برای بسیاری از جناح های ولایت خراسان سودمندتر از کمک داعش بوده است و این ممکن است رهبری دولت اسلامی ولایت خراسان را به لحاظ ایدئولوژیک به جهت های مختلف کشانده باشد که در اهداف متفاوت این گروه، که بعدا مورد بحث قرار می گیرد، تجلی می یابد.

وابستگی مداوم با طالبان

انگیزه های سیاسی طالبان و دولت اسلامی ولایت خراسان اساسا به واسطه نفوذ پشتون ها در هر دو گروه، در سطح وسیعی یکسان است اما تفاوت های آن قابل چشم پوشی نیست. هر دو گروه تسلط غرب بر حوزه های سنتی نفوذ اسلامی را چیزی می دانند که تنها با زور می توان بر آن غلبه کرد. تفاوت دو گروه در پای بندی طالبان به پشتون والی نهفته است. طالبان نسبت به سایر اسلام گران پشتون نیست تر هستند. تفسیر این گروه از جامعه عمدتا از طریق پشتون والی و فرهنگ سنتی قبیله ای پشتون است تا فرهنگ اسلامی. از این رو طالبان به عنوان «پشتون های اسلام گرا و عاری از افراط گرایی داعش» بهترین توصیف از این گروه است.^{۲۱۴} برعکس ولایت خراسان را

^{۲۱۱} مصاحبه با گروه تحلیل دهلی پالیسی، شریاس دشموک

^{۲۱۲} مصاحبه با گروه تحلیل دهلی پالیسی، شریاس دشموک

^{۲۱۳} مصاحبه با گروه تحلیل دهلی پالیسی، شریاس دشموک

^{۲۱۴} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

نمی‌توان شاخه پشتون‌گرای دولت اسلامی عراق و شام در «خراسان» توصیف کرد و این گروه هویت ملی مشخصی ندارد. اکثریت نیروی جنگی این گروه در شرق افغانستان اوروکزی و پشتون‌های افریدی هستند اما در شمال، عرب‌ها، چچن‌ها و روس‌ها بخش عمده‌ی جنگ‌جویان این گروه را تشکیل می‌دهند.^{۲۱۵} پشتون‌هایی که به شمال می‌آیند حتی امکان دارد از نظر جمعیت محلی به لحاظ زمینه‌ای و به دلیل فاصله جغرافیایی و فقدان روابط جاافتاده در «سمت شمال» افغانستان، بیگانه و خارجی تلقی شوند.^{۲۱۶} تمام رهبران قبلی دولت اسلامی ولایت خراسان در گذشته عضو رهبری تحریک طالبان پاکستان بوده‌اند^{۲۱۷} و بنابراین، می‌توان ولایت خراسان را به‌عنوان گروهی با اکثریت پشتون‌ها توصیف کرد اما نه برای پشتون‌ها.

اکثریت بودن پشتون‌ها درون دولت اسلامی ولایت خراسان و همچنین شباهت‌های سیاسی، به موجب ماهیت قبیله‌ای افغانستان این گروه را با طالبان گره زده است. تفاوت‌های ظریف جمعیت افغانستان و عمل‌گرایی سیاسی این امر را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. پیامدهای آن این است که اعضای ولایت خراسان با دوستان سابق یا اعضای خانواده‌ی‌شان که هنوز با طالبان هستند، ارتباط داشته باشند. این لزوماً ساختار فرماندهی این گروه را از ساختار فرماندهی داعش متمایز می‌کند. جنگ‌جویی که مدت‌ها با طالبان (چه طالبان پاکستانی چه طالبان افغان) بوده است حتماً روابط محکمی با فرماندهان و هم‌سنگران خود برقرار کرده است. این جنگ‌جو اگر به هر دلیلی تصمیم به ترک طالبان بگیرد، روابط خود را همچنان با فرمانده و دوستان سابق خود حفظ می‌کند و «این به نوعی وابستگی به دولت اسلامی ولایت خراسان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.»^{۲۱۸} مقامات دولت افغانستان از این‌هم فراتر می‌روند و ادعا می‌کنند که هر دو گروه در کل یک جنبش است. یکی از این مقامات ادعا می‌کند که ایدئولوژی‌های اسلام‌گرایانه با کمونیسم برابر است؛ او می‌گوید «حتی نمی‌توانم بین اسلام‌گرایی و کمونیسم تفاوتی پیدا کنم. هر دو گروه [طالبان و دولت اسلامی ولایت خراسان] از اوضاع انتقاد می‌کنند و [ادعا می‌کنند] که خواهان عدالت هستند. اسلام‌گرایان می‌گویند اسلام راه‌حل است و کمونیست‌ها می‌گویند

^{۲۱۵} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۲۱۶} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۲۱۷} مصاحبه با استاد یار مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت، دکتر امیره جن

^{۲۱۸} مصاحبه با یک خبرنگار نشریه‌ی فارین پالیسی

کمونیسیم راه حل است.^{۲۱۹} ۲۲۰ بنابراین، شباهت‌های سیاسی و پیوندهای جامعه‌شناختی دولت اسلامی ولایت خراسان و طالبان را ناگزیر مرتبط نگه می‌دارد.

با این حال، هیچ مدرک صریحی در دست نیست که نشان‌دهنده اتحاد‌های رسمی بین رهبری دولت اسلامی ولایت خراسان و رهبری طالبان یا هر جناح دیگر در افغانستان مانند جنبش اسلامی ازبیکستان، انصارالله، تحریک طالبان پاکستان یا لشکر طیبه باشد. همکاری میان رهبری سطح متوسط طالبان و ولایت خراسان در جنوب و شمال افغانستان غیررسمی است.^{۲۲۱} حتا گروه‌ها با پیوندهای ایدئولوژیک قوی مانند جنبش اسلامی ازبیکستان یا آنچه از تحریک طالبان پاکستان باقی‌مانده، اتحاد‌های سازمان‌یافته‌ای ندارند که مانند اتحاد شبکه حقانی با طالبان باشد. همکاری عملیاتی با گروه‌های هم‌سوی غیرایدئولوژیک مانند لشکر اسلام و لشکر جنگوی حتا کم‌رنگ‌تر است. به نظر می‌رسد در اتحاد‌های رسمی به خاطر دست‌یابی به همکاری‌های غیررسمی، این فرضیه را تقویت می‌کند که رهبری ولایت خراسان به صورت واقع‌بینانه و عملی از ارتباطات خود در سراسر افغانستان برای بقا بهره می‌برد.

نتیجه‌گیری

پیروی ایدئولوژیک ولایت خراسان از «دولت اسلامی مرکزی» در سطح رهبری ارشد این گروه قوی است، اما هرچه به سطوح پایین‌تر نزدیک می‌شویم به سرعت پیچیده‌تر می‌شود. این امر به دلیل از قبل موجود بودن سازمان‌های شبه‌نظامی دیرینه در افغانستان و پاکستان است که از حوزه ایدئولوژیک متفاوتی نسبت به دولت اسلامی عراق و شام برخوردارند. برای مثال، طالبان مانند القاعده، سلف داعش در عراق، نیست که اصول ایدئولوژیک نزدیکی با دولت اسلامی ولایت خراسان داشته باشد. برخی از اعضای این گروه نیز به وضوح به دلایل عملی به ولایت خراسان پیوسته‌اند و وابستگی ایدئولوژیک چندانی ندارند.

این امر احتمالاً بر انسجام سازمانی و توانایی این گروه به عمل به‌عنوان یک نهاد واحد، عواقب منفی دارد. انگیزه‌های رقابتی برای پیوستن یا به‌عنوان عضو ولایت خراسان باقی‌ماندن، امکان

^{۲۱۹} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

^{۲۲۰} مصاحبه با یک مقام پیشین دولت افغانستان

^{۲۲۱} مصاحبه با یک مقام رسمی دولت افغانستان

دارد باعث حساسیت بین رهبری این گروه شود. سوابق دولت اسلامی ولایت خراسان نشان می‌دهد که در واقع این امر حقیقت دارد.^{۲۲۲} همچنین حس وحدت هدف نیز در مقایسه با داعش، احتمالاً در نزد دولت اسلامی ولایت خراسان بسیار ضعیف‌تر است و جدایی جناح‌های متعدد در سال ۲۰۱۶ از این گروه، نشان می‌دهد که این امر نیز حقیقت دارد.

پیامد اصلی ناسازگاری (تناقض) ایدئولوژیک احتمالاً کم‌توانی این گروه در جذب نیرو است. تبلیغ روایاتی که هویت واضحی برای دولت اسلامی ولایت خراسان تعریف کند، اگر اعضای این گروه ندانند که خط ایدئولوژیک‌شان را کجا باید ترسیم کنند، بسیار دشوار خواهد بود. انگیزه‌های ایدئولوژیک طالبان و نوع امارتی که می‌خواهند تأسیس کنند، واضح است. دولت اسلامی ولایت خراسان اما در مورد این که چه‌گونه می‌خواهد طرح داعش را در افغانستان اعمال کند، اطلاعات اندکی برون داده است و این امر روایت این گروه در سربازگیری و جلب و جذب را بیش‌تر تضعیف می‌کند.

^{۲۲۲} مصاحبه با استادیار مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت، دکتر امیره جدن

پیشنهادات

ایالات متحده نباید با دولت اسلامی ولایت خراسان به‌عنوان یک گروه یک‌پارچه رفتار کند. ساختار دولت اسلامی ولایت خراسان نشان‌دهنده گرایش تاریخی افغانستان به جنگ‌سالاری جناحی است. عناصر تشکیل‌دهنده نه در اهداف و حمایت یک‌دست‌اند و نه به صورت گسترده در سراسر افغانستان پخش‌اند. این واقعیت که گروه‌های عضو ولایت خراسان در آرمان‌های سلفی داعش شریک هستند، نباید به‌عنوان قاعده در نظر گرفته شده و براساس آن به حمایت، اهداف و یا استراتژی این گروه پرداخته شود. با ولایت خراسان منحصیث یک نهاد پیچیده، پویا و جناحی که هست، رفتار شود.

بنابراین، برای مقابله با دولت اسلامی ولایت خراسان رویکردهای مختلفی باید اتخاذ شود تا بازتاب‌دهنده تفاوت‌ها، تقابل ایدئولوژی، حمایت و اهداف این گروه باشد. ولایت خراسان را نمی‌توان با صرف برتری نظامی شکست داد. از این‌رو، ایالات متحده باید تمام تلاش خود را برای شناسایی راه‌حل متناسب به خرج دهد. بنابراین این پالیسی باید زیربنای سایر توصیه‌های سیاسی باشد و هریک از توصیه‌های فوق‌الذکر باید طوری تنظیم شود که این مسأله را بازتاب دهد. در غیر این‌صورت یک راه‌حل عمومی که در آن با ولایت خراسان به‌عنوان یک نهاد واحد برخورد شود، محکوم به شکست است.

حکومت افغانستان باید از تجربه خارجی برای مقابله داخلی با ولایت خراسان استفاده کند. حکومت افغانستان باید از تجربه‌های دیگر کشورها از جمله دولت امارات و عربستان سعودی خواهان همکاری شود و از تخصص این دولت‌ها در جلوگیری از گسترش افراط‌گرایی در داخل افغانستان، بهره‌برد. هم امارات و هم عربستان سعودی از دانش نهادی عمیق در امر مبارزه با افراط‌گرایی برخوردارند. حکومت افغانستان باید در پی همکاری تخصصی دفتر مرکزی ال‌هدایه امارات، مرکز الصواب و مرکز الحرب الفکری باشد. حکومت باید مخصوصاً به دنبال مشورت در مورد همکاری با جامعه روحانیون، جامعه مدنی و دولت محلی باشد تا اعتقادات معتدل را نهادینه کند و نسبت به نیازهای مردم افغانستان بیش‌تر پاسخ‌گو باشد.

دولت عراق و دولت اقلیم کردستان نیز از تجارب منحصربه‌فردی در امر مبارزه با داعش و مدیریت جامعه پساداعش برخوردارند. از این‌رو حکومت افغانستان باید برای مدیریت جامعه پساداعش سعی کند همکاری عراق و اقلیم کردستان را با خود داشته باشد. تشریک بهترین روش‌ها و حتی تشریک سطحی از اطلاعات می‌تواند مانع نفوذ دوباره داعش به عراق شود و به سرکوب دولت اسلامی ولایت خراسان در افغانستان کمک کند. درس‌هایی که کردستان از مبارزه با داعش آموخته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و موفقیت‌گردها در جذب کمک‌های ائتلاف بین‌المللی برای نبرد با داعش باید از نزدیک مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

مقامات افغانستان باید برای جلوگیری از ورود شبه‌نظامیان به کشور یک استراتژی یک‌پارچه تهیه کند

افغانستان باید استراتژی یک‌پارچه‌تری برای مقابله با افراط‌گرایی اسلامی، جلوگیری از ورود جنگ‌جویان ولایت خراسان و برخورد با اعضای بازداشت‌شده این گروه اتخاذ کند. مرزهای افغانستان در حال حاضر شدیداً نفوذپذیر است. برای محدود کردن ورود جنگ‌جویان و تجهیزات دولت اسلامی ولایت خراسان به داخل کشور، یک راه‌حل کارآمد و عملی‌تری مورد نیاز است. افغانستان باید برای ایجاد یک کارگروه با مقامات عرب، تاجیک و ازبیک پیش‌قدم شود تا از عبور جنگ‌جویان ولایات خراسان از هر یک از این کشورها جلوگیری به عمل آید. همچنین دولت افغانستان باید به دنبال همکاری ایالات متحده در زمینه بررسی متقاضیان ویزا به ویژه اتباع تاجیکستان، ایران و ازبیکستان باشد. نقاط ورودی که باید مورد توجه ویژه قرار گیرند عبارتند از اسلام قلعه، نیمروز و میدان‌هوایی بین‌المللی حامد کرزی.

همچنین دولت افغانستان باید برای مقابله با بازیگران منطقه‌ای متهم به حمایت از تسهیل عملیات دولت اسلامی ولایت خراسان خوانده می‌شود، با ایالات متحده کار کند. سه صد میلیون دالر کمک نظامی ایالات متحده به پاکستان که در سال ۲۰۱۸ متوقف شد، باید برای تقویت عملیات‌های نظامی ارتش پاکستان در بلوچستان و خیبرپختون‌خواه به صورت مشروط از سر گرفته شود. ایالات متحده و افغانستان همچنین باید به دنبال یافتن گزینه‌ها برای تعمیق همکاری با دولت پاکستان در زمینه فعالیت‌های ضد شورش در داخل پاکستان باشند. ارائه کمک‌های هوایی در حمایت از عملیات ارتش پاکستان و کنترل مرز افغانستان و پاکستان

می‌تواند از جمله این گزینه‌ها باشد. میکانیسم‌های امن برای تشریک اطلاعات استخباراتی در مورد شبه‌نظامیان مستقر در خیبر پختون‌خواه (به شمول مناطق قبیله‌ای فدرال پاکستان) و بلوچستان نیز باید مورد توجه قرار گیرد. چنین همکاری و حمایتی مشروط به این است که پاکستان همکاری خود با تمام گروه‌های تروریستی از جمله دولت اسلامی ولایت خراسان را متوقف کند.

افراد و سازمان‌ها حامی، نه فقط ولایت خراسان بلکه برای سایر سازمان‌های تروریستی نیز باید برای اعمال فشار، به فهرست تحریم‌های دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا افزوده شوند. افزایش اخیر تنش‌ها بین ایران و آمریکا نیز می‌تواند در نبرد با دولت اسلامی به نفع افغانستان تمام شود. جنگ علیه ولایت خراسان می‌تواند فرصتی برای ایالات متحده و ایران برای یافتن زمینه مشترک باشد. کمک به کاهش تنش و ترغیب ایالات متحده به خودداری از فشار نظامی علیه ایران می‌تواند باعث تعهد مقامات ایران به همکاری بیشتر در مبارزه با دشمن دوسره آن‌ها یعنی دولت اسلامی شود. به همین ترتیب، ایالات متحده می‌تواند لغو تحریم‌های اعمال شده از زمان خروجش از برجام را در توافق با ایران مبنی بر اتخاذ استراتژی مشترک برای مقابله با این تهدید مشترک کشور از ولایت خراسان شامل کند.

ایالات متحده باید به «پشتیبانی نزدیک هوایی» خود ادامه داده و تلاش‌های آموزشی و عملیات هوایی خود را افزایش دهد تا اردوی افغانستان قادر به گرفتن مسئولیت شود

کمک نیروی هوایی ایالات متحده در امر مبارزه با ولایت خراسان بسیار ارزشمند بوده است. نیروی هوایی ایالات متحده تنها در ماه آگست سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۷۸۳ بمب روی افغانستان پرتاب کرده است.^{۲۲۳} در واقع تعداد (۷۳۶۲)^{۲۲۴} بمب‌هایی که نیروی هوایی ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ پرتاب کرده است بیش‌تر از رقمی است که در اوج «افزایش نیرو» پرتاب شده و این روند در سال ۲۰۱۹ نیز جریان دارد. قوای هوایی افغانستان باید قبل از این‌که ایالات متحده

²²³ Snow, S (2019, October 1) Afghan forces still at the mercy of US air support despite huge investment into Afghan air force. Military Times. Accessed online

²²⁴ Snow, S (2019, October 1) Afghan forces still at the mercy of US air support despite huge investment into Afghan air force. Military Times. Accessed online

تصمیم به خارج کردن نیروی هوایی‌اش از افغانستان بگیرد، توانایی گرفتن مسئولیت‌های «پشتیبانی نزدیک هوایی» و انجام مأموریت‌های کمکی را داشته باشد.

قوای هوایی افغانستان هواپیمای جنگی کافی برای برآورده کردن الزامات مأموریت فعلی را ندارد. سی‌ودو فروند هواپیمای «سوپرتوکانوی A29»²²⁵ مربوط به قوای هوایی هرچند برای نقش ضدشورش مناسب است اما تعداد آن برای ادامه نقش رزمی نیروی هوایی ایالات متحده در افغانستان کافی نیست. معمولاً بین ۱۵ تا ۱۹ فروند A-29 و ۱۰ فروند AC-208 برای عملیات‌های رزمی در دسترس قوای هوایی است. از این‌رو، افغانستان در وضعیتی که جنگ شدت یابد، نیروی هوایی کافی و آماده برای مقابله را ندارد و اشتباه است که فکر کنیم قوای هوایی می‌تواند مسئولیت نقشی را بگیرد که نیروی هوایی ایالات متحده در جنگ با دولت اسلامی ولایت خراسان ایفا می‌کند.

همچنین قوای هوایی افغانستان با کمبود هواپیماهای ترانسپورتهی روبه‌رو است. در حال حاضر، افغانستان دارای ۲۷ فروند هلیکوپتر «بلک‌هاوک UH-60»، چهار فروند هواپیمای لجستیکی «C-130 هرکولس» و ۳۷ فروند هلیکوپتر ترانسپورتهی «Mi-17» است. از این‌رو، قوای هوایی افغانستان برای انجام مأموریت‌های مهم مانور و انتقال نیرو و تجهیزات، که در حال حاضر توسط نیروی هوایی ایالات متحده به پیش برده می‌شود، توانایی حمل‌ونقل هوایی را ندارد.

علاوه بر این، قوای هوایی افغانستان توانایی برنامه‌ریزی و هماهنگی برای انجام «پشتیبانی نزدیک هوایی» مؤثر یا حملات هوایی از قبل برنامه‌ریزی شده را ندارد. تا ماه نوامبر سال ۲۰۱۹، فقط 2.5 تا 7.5 درصد حملات هوایی توسط هلیکوپترهای MD-530 و سوپرتوکانوی A-29 با هماهنگی «کنترل‌کنندگان تاکتیکی هوایی» قوای افغان انجام شده است.²²⁶ همچنین ارتش افغانستان با کمبود «افسر ارتباط هوایی» که به برنامه‌ریزی مأموریت‌ها و حملات هوایی کمک می‌کنند و برای تطبیق قوانین نبرد و ارزیابی خطر تلفات غیرنظامی نقش حیاتی دارند، مواجه

²²⁵ Giangreco, G. (2017, October 26) Afghan air force adds six more Super Tucanos to fleet. Flight Global. Accessed online

²²⁶ Department of Defense. (2019) Lead Inspector General Report to US Congress. Accessed [online](#)

است. قوای هوایی افغانستان در حال حاضر فقط ۲۴ افسر ارتباط هوایی و ۴۶ کنترل‌کننده تاکتیکی دارد.^{۲۲۷} این کمبود با عدم تمایل ارتش به ادغام کنترل‌کننده‌های هوایی در برنامه‌ریزی و اجرای مأموریت‌های خود، پیچیده‌تر شده است.^{۲۲۸} قوای هوایی افغانستان تاکنون نتوانسته است ظرفیت خود برای تأمین مجدد و توانایی تدارک تجهیزات از طریق هوا را توسعه دهد یا برنامه درسی برای آموزش افسران ارتباط هوایی بیشتر ایجاد کند. مشاوران امریکایی نیز نتوانسته‌اند مؤثریت عملیاتی کنترل‌کننده‌های تاکتیکی موجود را ارزیابی کنند.^{۲۲۹}

دولت امریکا باید وارد کارزار دیپلماسی مردمی متناسب با فرهنگ افغانستان شود

ایالات متحده برای پیروزی در جبهه دیپلماسی مردمی باید مبارزه کند و تلاش‌هایش به لحاظ فرهنگی حساب‌شده‌تر باشد. همان‌طور که «توماس جانسون» استدلال می‌کند، طالبان و دولت اسلامی ولایت خراسان از فقدان زیرساخت‌های ارتباطی و سطح بالای بی‌سوادی در افغانستان سود می‌برند زیرا بررسی صحت و سقم اطلاعات منتشرشده یا قرار گرفتن در معرض یک گفتمان یا روایت متفاوت، برای مردم دشوار است.^{۲۳۰} ولایت خراسان به شکل ماهرانه از سنت‌های شعری پشتون هم به صورت مکتوب در شکل «شب‌نامه» و هم از رادیو برای متقاعدکردن مردم از فضیلت هدف و آرمان خود، استفاده کرده است. علاوه براین، دولت اسلامی ولایت خراسان از درک نزدیکی که از ماهیت قبیله‌ای افغانستان دارد سود می‌برد و به‌خصوص با پشتون‌والی، آشنا است.

ایالات متحده نمی‌تواند امیدوار به برابری با این سطح از درک اجتماعی باشد. از این‌رو، مسئولیت توسعه و برنامه‌ریزی تلاش دیپلماسی مردمی ایالات متحده به اندیش‌کده‌های محلی و سازمان‌های غیردولتی که درک خوبی از ظرافت‌های ماهیت قبیله‌ای افغانستان دارند،

²²⁷ Department of Defense. (2019) Lead Inspector General Report to US Congress. Accessed [online](#)

²²⁸ Department of Defense. (2019) Lead Inspector General Report to US Congress. Accessed [online](#)

²²⁹ Department of Defense. (2019) Lead Inspector General Report to US Congress. Accessed [online](#)

²³⁰ Johnson, T. (2017) Taliban Narratives. Oxford University Press. New York

برون‌سپاری و واگذار شود. آن‌هایی که برای رهبری کارزار دیپلماسی مردمی استخدام می‌شوند، دست‌کم باید بتوانند زبان پشتو را در سطح زبان مادری خود صحبت کنند.

پیوست الف: افراد و سازمان‌هایی که فعالیت دولت اسلامی ولایت خراسان را تسهیل می‌کنند

بعید است که حامیان خارجی ولایت خراسان به تنهایی عمل کنند. این امر که افرادی دارای روابط کاری جاافتاده به دولت اسلامی ولایت خراسان در انتقال پول، نیرو و تجهیزات کمک می‌کنند نه تنها امری محتمل بلکه معلوم است. در ذیل، فهرست افرادی آمده است که گفته می‌شود به دولت اسلامی ولایت خراسان یا به‌طور بالقوه به منابع مالی این گروه، کمک می‌کنند:

سازمان‌هایی که به‌طور قطع از دولت اسلامی ولایت خراسان حمایت می‌کنند

سازمان رفاه اجتماعی نجات:^{۲۳۱}

- سازمان رفاه اجتماعی نجات در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۹ به دلیل ارائه کمک‌های مالی و مادی به دولت اسلامی ولایت خراسان، به فهرست تحریم‌های دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده اضافه شد. از دفاتر این سازمان در کابل و وضعیت حقوقی آن منحصیث یک سازمان خیریه، به‌عنوان پوششی برای تسهیل انتقال وجوه مالی و حمایت از فعالیت‌های ولایت خراسان استفاده می‌شود.
- در اواخر سال ۲۰۱۶، رهبران ولایت خراسان جلسه‌ی برنامه‌ریزی را به رهبری روح‌الله وکیل (جزئیات در ذیل) و با حمایت مالی سازمان نجات، تحت پوشش جلسه‌ی همبستگی سلفی برگزار کردند. اعضای اجرایی سازمان نجات و رهبران برجسته سلفی در افغانستان (که برخی حامی مالی سازمان نجات‌اند)، در این جلسه حضور داشتند. نجات همچنین میزبان یک مسئول جلب و جذب ولایت خراسان بوده است. این فرد قبلاً جنگ‌جویان را در کابل جذب کرده و زمینه سفر آن‌ها به ولایت ننگرهار را فراهم کرده است.
- نجات به نمایندگی از دولت اسلامی ولایت خراسان، از افرادی در قطر، امارات متحده عربی، عراق و سایر کشورهای خاورمیانه کمک‌های مالی جمع‌آوری کرده است. این

²³¹ US Treasury (2019, November 18) Treasury Designates ISIS Financial, Procurement, and Recruitment Networks in the Middle East and South Asia. Accessed [online](#)

پول قبل از این که سازمان نجات تحریم شود، از طریق سیستم بانکی از خلیج فارس به آسیا منتقل می شود و سپس یک هماهنگ کننده ولایت خراسان وجوه کمکی را دریافت می کند. سپس دفاتر نجات در کابل و جلال آباد این پول را به فرماندهان ولایت خراسان توزیع می کنند.

افرادی که به طور قطع از دولت اسلامی ولایت خراسان حمایت می کنند

سید حبیب احمد خان^{۲۳۲}

سید حبیب احمدخان رییس سازمان رفاه اجتماعی نجات است. با این حال، احمدخان از کویت فعالیت می کند و مقامات غربی وی را از جمله تأمین کنندگان اصلی دولت اسلامی ولایت خراسان می دانند.

روح الله وکیل^{۲۳۳}

روح الله وکیل عضو اجرایی سازمان رفاه اجتماعی نجات است. وکیل یکی از برگزارکنندگان جلسه همبستگی سلفی، به عنوان پوششی برای جلسه برنامه ریزی ولایت خراسان در سال ۲۰۱۶ بوده است.

محمد امین^{۲۳۴}

محمد امین در مالدیو مستقر است و به عنوان استخدام کننده و رهبر کلیدی دولت اسلامی عراق و شام در سوریه، افغانستان و مالدیو عمل می کند. براساس گزارشها از ماه اپریل ۲۰۱۹، امین از طریق دستیاران خود فعالانه در رهبری سربازگیری داعش دخیل بوده است. زبردستان امین در

²³² US Treasury (2019, November 18) Treasury Designates ISIS Financial, Procurement, and Recruitment Networks in the Middle East and South Asia. Accessed [online](#)

²³³ US Treasury (2019, November 18) Treasury Designates ISIS Financial, Procurement, and Recruitment Networks in the Middle East and South Asia. Accessed [online](#)

²³⁴ US Treasury (2019, September 10) Treasury Targets Wide Range of Terrorists and Their Supporters Using Enhanced Counterterrorism Sanctions Authorities. Accessed [online](#)

هفته نزدیک به ۱۰ جلسه جلب و جذب را تحت پوشش کلاس‌های آموزشی اسلامی در چندین مکان واقع در «ماله»، پایتخت مالدیو و همچنین خانه‌ی امین برگزار می‌کنند. امین در گذشته مسئولیت انتقال جنگ‌جویان تروریستی به سوریه را به عهده داشته اما اکنون به افغانستان جنگ‌جو می‌فرستد. برای مثال، امین برای برآورده کردن نیازهای دولت اسلامی ولایت خراسان، دست‌کم یک شهروند مالدیو و متخصص رسانه‌های دیجیتال را به افغانستان منتقل کرده است. به این متخصص رسانه‌های دیجیتال گفته می‌شود که ماهانه ۷۰۰ دالر حقوق دریافت خواهد کرد و همچنین مسئول ترجمه مطالب برای امین خواهد بود.

عبدالله برادر^{۲۳۵}

عبدالله برادر یک فرمانده افغان بوده که حمایت لجستیکی و انتقال تسلیحات ساخت پاکستان و روسیه را به جهادی‌های مختلف در افغانستان، از جمله دولت اسلامی ولایت خراسان تنظیم و سازمان‌دهی می‌کرد.

عبدالفتاح خراسانی^{۲۳۶}

عبدالفتاح خراسانی رابط لشکر طیبه است. او در سال ۱۹۹۸ در کشمیر جنگیده. گفته می‌شود که اندکی پس از ظهور داعش در خاورمیانه، خراسانی به سوریه سفر می‌کند و با البغدادی و سایر رهبران دولت اسلامی عراق و شام، ارتباط برقرار می‌کند. اندکی بعد خراسانی پرچم داعش را در کنر بالا می‌کند و سربازگیری برای دولت اسلامی ولایت خراسان را در هر دو طرف خط دیورند، آغاز می‌کند. ادعا شده است که پسر او مسئول توزیع و کمک به بستن جلیقه‌های انتحاری در بین جهادی‌های خطوط مقدم است.

ملا خادم^{۲۳۷}

ملا خادم یکی از رهبران ولایت خراسان در افغانستان بود که با ابوبکر البغدادی ملاقات کرد و به تبادل اطلاعات در مورد بهترین روش‌های عملیاتی در منطقه خراسان پرداخت.

^{۲۳۵} مصاحبه با خبرنگار آزاد، بلال سروری

^{۲۳۶} مصاحبه با خبرنگار آزاد، بلال سروری

^{۲۳۷} مصاحبه با خبرنگار آزاد، بلال سروری

بلال زدران عضو سابق شبکه حقانی است. او با پیوستن به ولایت خراسان از جانب این گروه به حیث والی کمر انتخاب شد. بلال زدران و برادرش، سنگین زدران، با لشکر طیبه، سپاه صحابه، لشکر جنگوی، القاعده و داعش جنگیده‌اند.

افرادی که احتمال می‌رود از دولت اسلامی ولایت خراسان حمایت می‌کنند

افرادی که معروف به تسهیل فعالیت جنبش اسلامی ازبکستان هستند

یاسین چوکه^{۲۳۹} (گفته می‌شود زنده نیست اما مرگش تأیید نشده است) و منیر چوکه (وابسته به جنبش اسلامی ازبکستان) مستقر در آلمان^{۲۴۰}:

- یاسین چوکه موسوم به ابوبراهیم و منیر چوکه، از سال ۲۰۰۸ تاکنون اعضای جنبش اسلامی ازبکستان هستند. آن‌ها در تاریخی که فعلاً نامشخص است (احتمالاً اپریل ۲۰۰۷) زادگاه خود آلمان را به مقصد یمن ترک کردند تا به جنبش اسلامی ازبکستان ملحق شوند. آن‌ها توانستند خودشان را به صورت دائمی در ساختارهای این جنبش ادغام کنند. گفته می‌شود که یاسین در سال ۲۰۱۵ در گذرگاه مرزی ایران کشته شده است هرچند مقامات ایرانی یا آلمانی، مرگ وی را تأیید نکرده‌اند.
- در خزان سال ۲۰۰۸، منیر و یاسین ویدیوی «خبرهای خوب از افغانستان» را ضبط کردند. در جنوری ۲۰۰۹، آن‌ها در ویدیوی «سرباز خدا - قسمت اول» و پس از آن «پیروزی یا شهادت» در آپریل همان سال سهم گرفتند. منیر و یاسین در دنباله ویدیوی ماه آپریل ۲۰۰۹، در حالی دیده می‌شوند که سمت راست و چپ طاهر یولداشف، رهبر وقت جنبش اسلامی ازبکستان، نشسته‌اند.

^{۲۳۸} مصاحبه با خبرنگار آزاد، بلال سروری

^{۲۳۹} US OFAC database. Accessed [online](#)

^{۲۴۰} US OFAC database. Accessed [online](#)

- یاسین و منیر چوکه به‌عنوان مبلغان این سازمان خدمت کردند و پیام‌های این سازمان را از طریق اینترنت پخش کردند و از این طریق، در میان سایر کارها، به جلب و جذب اعضا یا حامیان جدید پرداختند.
- وابستگی برادران چوکه به رهبری جنبش اسلامی ازبکستان و تلاش‌های شناخته‌شده‌ی آن‌ها برای ورود به سوریه از طریق ایران در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که آن‌ها به احتمال زیاد در صف داعش و ولایت خراسان درآمدی بودند.^{۲۴۱} در حال حاضر محل زندگی آن‌ها (اگر زنده مانده باشند) معلوم نیست.

گله‌خان حمیدی^{۲۴۲}

- گله‌خان حمیدی تسهیل‌کننده شناخته‌شده ارتباطات بین مسئولان شبکه حقانی و یک رابط این شبکه در سوریه است. شبکه حقانی به حمیدی برای ترجمه صادقانه ارتباطات بین مسئولان شبکه و رابط آن در سوریه متکی است.
- همچنین گفته می‌شود که حمیدی زمینه سفر یک افراط‌گرای ازبیک وابسته به شبکه حقانی و همراهان وی را از پاکستان به ترکیه در سال ۲۰۱۴ فراهم کرده است. گفته می‌شود که حمیدی در اوایل سال ۲۰۱۴ زمینه انتقال پول از شبکه حقانی به یک افراط‌گرای ازبیکستانی مستقر در پاکستان را فراهم کرده است. حمیدی نماینده شبکه حقانی در جلسات این شبکه با رهبران جناح‌های مختلف سوری در سوریه بوده است. حمیدی از ارتباطات خوبی در سوریه، ترکیه، افغانستان و پاکستان همچنین تجربه فراوان در زمینه قاچاق پول و نفر بین کشورها برخوردار است. حمیدی جدا از فعالیت‌های خودش با شبکه حقانی، سال‌ها در هماهنگی سفر و قاچاق دست داشته است. او در گذشته با یک قاچاق‌چی مستقر در ایران برای قاچاق افراد از افغانستان به اروپا در اواخر سال ۲۰۱۷ همکاری داشته است. حمیدی در ماه مارچ ۲۰۱۷ در رابطه به قاچاق یک تبعه افغان که قصد سفر از ترکیه به سوریه داشت، با یک همکار مستقر

²⁴¹ Hauschild, A. (2018, October 04) Yassin Choukas Tod in einem Video bestätigt, meldet. BILD online. Accessed online

²⁴² US Treasury (2018, January 25) Treasury Sanctions Taliban and Haqqani Network Financiers and Facilitators. Accessed online

در ایران هماهنگی کرده است. او همچنین افراد را از افغانستان به سوریه و از ترکیه به اروپا قاچاق کرده است. شبکه تسهیل‌گری حمیدی در اکتبر سال ۲۰۱۴ سفر اعضای القاعده و تحریک طالبان پاکستان را به ترکیه هماهنگ کرده است و زمینه انتقال دو گروه از جنگ‌جویان خارجی را از پاکستان به ترکیه در اواخر سال ۲۰۱۳ فراهم کرده است.

- تجربه حمیدی در زمینه قاچاق و ارتباطات جغرافیایی وی حاکی از وجود رابطه کاری بین او و اعضای دولت اسلامی عراق و شام است. علاوه بر این، تجربه قبلی حمیدی از کار با اعضای تحریک طالبان پاکستان نشان می‌دهد که او با افرادی که به احتمال زیاد از تحریک طالبان پاکستان جدا و به ولایت خراسان ملحق شده‌اند، رابطه کاری دارد.

افرادی که معروف به تسهیل فعالیت‌های ضدنیروهای ائتلاف هستند

قاری رحمت، باشنده روستای کام‌کی ولایت ننگرهار^{۲۴۳}

- قاری رحمت به ارائه کمک‌های مرگ‌بار، سرپناه و راهنمایی برای جنگ‌جویان طالبان معروف است. او به اتهام تهیه راکت‌انداز، مسلسل سبک PKM و کلاشینکف (AK-47) برای جنگ‌جویان طالبان در لیست تحریم دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده قرار گرفته است. رحمت همچنین جنگ‌جویان طالبان را در مهمان‌خانه‌ی خود پناه می‌دهد و در کنار آن، به طالبان مشوره‌های تاکتیکی می‌دهد. براساس گزارش‌ها از سال ۲۰۱۱، رحمت مهمان‌خانه‌ای در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار داشته که اغلب اعضای طالبان در آن اقامت داشته‌اند.^{۲۴۴}
- موقعیت رحمت در اچین، که مرکز قدرت شناخته‌شده دولت اسلامی ولایت خراسان است، احتمال همکاری او با این گروه را بسیار بالا می‌برد. سابقه رحمت در داشتن رابطه با طالبان و تهیه اسلحه برای جنگ‌جویان این گروه، بر روابط کاری وی با مقامات پاکستان دلالت می‌کند. رحمت ممکن است فردی باشد که مسئولیت هماهنگی تأمین مواد برای دولت اسلامی ولایت خراسان را به عهده دارد.

²⁴³ US OFAC database. Accessed online

²⁴⁴ UN Security Council Sanctions database. Accessed online

رحمان زیب فقیر محمد^{۲۴۵}

- رحمان زیب فقیر محمد به خاطر ارائه حمایت مالی، مادی یا تکنولوژیکی برای لشکر طیبه شناخته شده است. زیب عامل پیشین لشکر طیبه است و چندین سال مسئولیت جمع‌آوری کمک‌های مالی و اداره شبکه‌ای برای لشکر طیبه در خلیج فارس را به عهده داشت. گفته می‌شود که او در اوایل سال ۲۰۱۶ در همکاری با یک تسهیل‌کننده لشکر طیبه مستقر در پاکستان، انتقال وجوه مالی را برای این گروه هماهنگی کرده است. او دست کم از سال ۲۰۱۴ رابط اعضای لشکر طیبه دخیل در عملیات‌های این گروه در خاک افغانستان بوده است و همچنین با یک فرمانده ناشناخته لشکر طیبه (فردی که مسئول عملیات‌های این گروه در خاک افغانستان خوانده شده است) درگیر فعالیت‌های تجاری بوده است. رحمان زیب در سال ۲۰۱۴ زمینه سفر فاضل‌الشیخ ابومحمد امین‌الپیشاوری (معروف به شیخ امین‌الله) را از پاکستان به خلیج فارس فراهم کرده است.

- سابقه زیب در حمایت از لشکر طیبه نشان می‌دهد که او ممکن است همچنان در حال تسهیل انتقال پول به اعضای سابق لشکر طیبه که اکنون عضو دولت اسلامی ولایت خراسان شده‌اند و در حال حاضر در افغانستان و پاکستان فعالیت می‌کنند، باشد. ارتباط زیب با شیخ امین‌الله نیز نشان می‌دهد که او مایل است خدمات خود را در اختیار هر سازمانی که هدف خود را بیرون‌راندن نیروهای ائتلاف خارجی اعلام کرده، قرار دهد.

شیخ امین‌الله^{۲۴۶}

- امین‌الله در رابطه به ارائه حمایت مادی به القاعده، طالبان و شبه‌نظامیان ضد ائتلاف با کمک لشکر طیبه مستقر در پاکستان، تحت تعقیب قرار دارد.

حزب‌الله استم خان^{۲۴۷}

²⁴⁵ US Treasury (2018, February 7) Treasury Sanctions South Asian Terrorist Facilitators. Accessed online

²⁴⁶ US Federal Bureau of Investigation's most Wanted. Accessed online

- حزب‌الله استم خان به دلیل همکاری و نمایندگی از شیخ امین‌الله تحت تعقیب قرار دارد.

- گزارش‌ها از سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که حزب‌الله زمینه جلب حمایت برای شیخ امین‌الله را فراهم کرده و به‌عنوان مسئول مالی یک مدرسه مستقر در پیشاور که یکی از مؤسسين آن شیخ امین‌الله خوانده شده، خدمت کرده است.

دلورخان نادر خان^{۲۴۸}

- دلورخان نادرخان (معروف به دلور) نیز از جانب ایالات متحده به خاطر همکاری یا کار به نمایندگی از شیخ امین‌الله، تروریست معرفی شده و تحت تعقیب قرار دارد.

افرادی که به نمایندگی از ایران معروف به حمایت از طالبان حمایت هستند

محمد ابراهیم اوحدی^{۲۴۹}

- محمد ابراهیم اوحدی یک افسر نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که گفته می‌شود از طرف نیروی قدس، برای حمایت از طالبان کار کرده است. اوحدی با عبدالله صمد فاروقی، والی طالبان برای ولایت هرات، توافق کرده بود تا در بدل حمله آن‌ها به دولت افغانستان در هرات، به نیروهای صمد کمک‌های نظامی و مالی ارائه دهد.

اسماعیل رضوی (نقشی هم‌سطح با اوحدی ایفا کرده است).^{۲۵۰}

²⁴⁷ US Treasury (2018, February 7) Treasury Sanctions South Asian Terrorist Facilitators. Accessed online

²⁴⁸ US Treasury (2018, February 7) Treasury Sanctions South Asian Terrorist Facilitators. Accessed online

²⁴⁹ US Treasury (2018, October 23) Treasury and the Terrorist Targeting Center Partners Sanction Taliban Facilitators and their Iranian Supporters. Accessed online

²⁵⁰ US Treasury (2018, October 23) Treasury and the Terrorist Targeting Center Partners Sanction Taliban Facilitators and their Iranian Supporters. Accessed online

ابواحمد^{۲۵۱}

- ابواحمد یک فرمانده ایرانی است که زبان‌های عربی، کردی و انگلیسی را روان صحبت می‌کند. او مسئول قاچاق جنگ‌جویمان ایرانی از سراسر ایران به افغانستان از طریق نیمروز و پاکستان است.

حامیان ولایت خراسان از یک جناح موافق درون طالبان

عبدالقادر بصیر عبدالبصیر^{۲۵۲}

- عبدالقادر بصیر عبدالبصیر ده‌ها هزار دالر را برای فرماندهان طالبان به خاطر حملات این گروه در خزان سال ۲۰۱۷ در ولایت کنر، فراهم کرد. گزارش‌ها از سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که باصر رهبری کمیسیون مالی شورای پیشاور طالبان را بر عهده داشته. این کمیسیون مسئول اداره فعالیت‌های نظامی و سیاسی طالبان در شمال و شرق افغانستان دانسته می‌شود. بصیر مسئول جمع‌آوری کمک‌های مالی از حامیان داخلی و خارجی بوده است.
- گفته می‌شود که شورای پیشاور، یک جناح موافق ولایت خراسان در درون طالبان است. موقعیت بصیر در کنر و تجربه‌ی وی در جمع‌آوری کمک‌های مالی از حامیان داخلی و خارجی به این معنی است که او، بسته به اهداف طالبان، ممکن است به ولایت خراسان نیز کمک کند.

مولوی عنایت‌الله^{۲۵۳}

- مولوی عنایت‌الله عضو امور نظامی طالبان در ولایات متعدد افغانستان بوده و همچنین عضویت شورای پیشاور این گروه را داشته است. گزارش‌ها از اواخر سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که عنایت‌الله به‌عنوان مسئول عمومی حملات طالبان علیه نیروهای افغان و

^{۲۵۱} مصاحبه با جنگجوی ایرانی دولت اسلامی ولایت خراسان، امین دلنشین

²⁵² US Treasury (2018, October 23) Treasury and the Terrorist Targeting Center Partners Sanction Taliban Facilitators and their Iranian Supporters. Accessed online

²⁵³ US Treasury (2018, January 25) Treasury Sanctions Taliban and Haqqani Network Financiers and Facilitators. Accessed online

ائتلاف در کابل خدمت کرده است. عنایت‌الله مسئول فراهم‌آوری حمایت مالی و سایر تجهیزات برای برنامه‌ریزان حملات طالبان بوده است.

- موقعیت رده‌بالای عنایت (مانند بصیر) در شورای پیشاور و همچنین موقعیت او در کابل، به این معنی است که او ممکن است از جایگاهی برخوردار باشد که بسته به اهداف طالبان، بتواند زمینه حمایت از ولایت خراسان را نیز فراهم کند.

سازمان‌هایی که به کمک به طالبان معروفند

صرافی حاجی خیرالله و حاجی ستار^{۲۵۴}

سازمان‌هایی که به کمک دولت اسلامی عراق و شام معروفند

صرافی سهلول (ترکیه)^{۲۵۵}

شرکت انتقال پول السلطان^{۲۵۶}

شرکت توسل^{۲۵۷}

اسماعیل بیالتون^{۲۵۸}

احمد بیالتون (ترکیه)^{۲۵۹}

²⁵⁴ US OFAC database. Accessed online

²⁵⁵ US Treasury (2019, November 18) Treasury Designates ISIS Financial, Procurement, and Recruitment Networks in the Middle East and South Asia. Accessed online

²⁵⁶ US Treasury (2019, November 18) Treasury Designates ISIS Financial, Procurement, and Recruitment Networks in the Middle East and South Asia. Accessed online

²⁵⁷ US Treasury (2019, November 18) Treasury Designates ISIS Financial, Procurement, and Recruitment Networks in the Middle East and South Asia. Accessed online

²⁵⁸ US Treasury (2019, November 18) Treasury Designates ISIS Financial, Procurement, and Recruitment Networks in the Middle East and South Asia. Accessed online

ای سی ال (ACL) اصالت الحركات ۲۶۰

افرادى كه به كمك به دولت اسلامى عراق و شام معروفند

مشتاق طالب ذوغیر الراوى ۲۶۱

عمر طالب ذوغیر الراوى ۲۶۲

ولید طالب ذوغیر الراوى ۲۶۳

محمند مشتاق طالب ذوغیر الراوى ۲۶۴

عبدالرحمان على حسين آل احمد الراوى ۲۶۵

محمد عبدالقادر تنى عاصف الراوى ۲۶۶

صرافى الارض الجديده ۲۶۷

حليمه عدن على ۲۶۸

²⁵⁹ US Treasury (2019, November 18) Treasury Designates ISIS Financial, Procurement, and Recruitment Networks in the Middle East and South Asia. Accessed online

²⁶⁰ US Treasury (2019, November 18) Treasury Designates ISIS Financial, Procurement, and Recruitment Networks in the Middle East and South Asia. Accessed online

²⁶¹ US Treasury (2019, April 15) Treasury Designates Key Nodes of ISIS's Financial Network Stretching Across the Middle East, Europe, and East Africa. Accessed online

²⁶² US Treasury (2019, April 15) Treasury Designates Key Nodes of ISIS's Financial Network Stretching Across the Middle East, Europe, and East Africa. Accessed online

²⁶³ US Treasury (2019, April 15) Treasury Designates Key Nodes of ISIS's Financial Network Stretching across the Middle East, Europe, and East Africa. Accessed online

²⁶⁴ US Treasury (2019, April 15) Treasury Designates Key Nodes of ISIS's Financial Network Stretching across the Middle East, Europe, and East Africa. Accessed [online](#)

²⁶⁵ US Treasury (2019, April 15) Treasury Designates Key Nodes of ISIS's Financial Network Stretching across the Middle East, Europe, and East Africa. Accessed [online](#)

²⁶⁶ US Treasury (2019, April 15) Treasury Designates Key Nodes of ISIS's Financial Network Stretching across the Middle East, Europe, and East Africa. Accessed [online](#)

²⁶⁷ US Treasury (2019, April 15) Treasury Designates Key Nodes of ISIS's Financial Network Stretching across the Middle East, Europe, and East Africa. Accessed [online](#)

²⁶⁸ US Treasury (2019, April 15) Treasury Designates Key Nodes of ISIS's Financial Network Stretching across the Middle East, Europe, and East Africa. Accessed [online](#)

پیوست ب: پرسش‌نامه پژوهش دولت اسلامی در ولایت خراسان

لطفاً نام و وظیفه‌تان را بنویسید :

سوالات:

۱- نظر شما در مورد سازمان جهانی دولت اسلامی چیست و چرا چنین نظری دارید؟

۲- به باور شما، آیا دولت اسلامی در افغانستان حضوری واقعی و بدون ابهام در افغانستان دارد؟

لطفاً از ۱ تا ۷ نمره بدهید. نمره ۱ یعنی اینکه دولت اسلامی بدون شک هیچ‌گونه حضوری در افغانستان ندارد. نمره ۴ یعنی اینکه حضور دولت اسلامی در افغانستان را نه تایید می‌کنید و نه رد می‌کنید. نمره ۷ یعنی اینکه دولت اسلامی حضوری غیرقابل انکار و واقعی در افغانستان دارد .

اصول رهبری و ایدئولوژی

۳- بنا بر اصول فکری داعش، داعش مبتنی بر صادرات ویژگی‌های جهادی خود شکل گرفته است. مثل آن چیزی که در لیبیا شاهدش بودیم. به نظر می‌رسد ایدئولوژی کلی گروه‌های وابسته به داعش سلفی یا دیوبندی باشد که شباهت بسیاری به وهابیت دارد. گروه‌های وابسته به داعش در افغانستان، زمان بسیاری را به کشتار شیعیان اختصاص می‌دهند و یا اینکه در کشتن غیرنظامیان هیچ ابایی نمی‌ورزند. همچنین آنها رهنمودها و طرز‌العمل‌هایی را برای عملیات روزانه‌شان از سازمان مرکزی دولت اسلامی در عراق و سوریه دریافت می‌کنند. رهبری دولت اسلامی در خراسان در نوار ویدیویی که در ماه جون منتشر شده بود، بیعت دوباره خود به ابوبکر البغدادی را اعلام کرد. اگرچه که دلایلی برای تردید در مورد بیعت رهبر دولت اسلامی در خراسان با ابوبکر البغدادی وجود دارد. این ادعا وجود دارد که جنگجویان طالبان به دلیل انگیزه‌های مالی و اقتصادی از صفوف طالبان جدا شده‌اند. (یعنی اینکه انشقاق این جنگجویان به دلیل بیعت با ابوبکر البغدادی نبوده است بلکه به دلیل انگیزه‌های مادی و اقتصادی بوده است) همین‌طور هدف تاسیس و استقرار خلافت اسلامی در ولایت خراسان تا هنوز نامشخص است .

بر علاوه جنگجویان جدا شده از صفوف طالبان، اجازه دارند که اعمالی که از طرف دولت اسلامی ممنوع اعلام شده است را انجام دهند (مثل خرید و فروش تریاک) یا اینکه آنها با گروه‌هایی که عقیده‌ای به ایده‌ی جهاد ندارند همکاری می‌کنند. مثل همکاری آنها با ارتش آزادی بلوچستان. برعلاوه شواهدی وجود دارد که آنها همکاری‌های غیررسمی با طالبان در برخی از مناطق مانند میرزااولنگ داشته‌اند. همانطور که در عراق دیدیم، هنوز مشخص نیست با اخراج نیروهای خارجی، برخی از این جنگجویان تا چه اندازه می‌توانند انگیزه پیدا کنند .

الف: از نظر شما چه تفاوتی میان ایدئولوژی و اصول رهبری میان گروه دولت اسلامی خراسان و دولت اسلامی مرکزی در عراق و سوریه وجود دارد؟ اگر تفاوتی وجود دارد، از نظر شما ریشه‌ی این تفاوت در چیست؟

ب: تعلق خاطر و وفاداری گروه دولت اسلامی در خراسان به دولت اسلامی مرکزی در عراق و سوریه را چگونه توصیف می‌کنید و چرا؟

پ: لطفاً از ۱ تا ۷ نمر بدهید. نمر ۱ یعنی اینکه دولت اسلامی در خراسان بدون شک هیچ‌گونه بیعتی با دولت اسلامی مرکزی در عراق و شام ندارد. نمر ۴ یعنی اینکه میان دولت اسلامی در خراسان و دولت اسلامی مرکزی در عراق و سوریه نه بیعتی وجود دارد و نه عدم بیعتی. نمر ۷ یعنی اینکه دولت اسلامی در خراسان بیعتی قوی و واضح با دولت اسلامی مرکزی در عراق و سوریه دارد .

لوجستیک و کمک

در مورد لوجستیک و حمایت، ادعا می‌شود که گروه‌های وابسته به دولت اسلامی در افغانستان به مانند دولت اسلامی در عراق و سوریه، از حمایت‌های مالی کشورهای خلیج یا کمک‌هایی از اشخاص در کشورهای خلیج برخوردار هستند. اما مشخص نیست که انگیزه‌های حمایت با ادعای حمایتی که در سوریه شکل گرفته است مطابقت دارد یا خیر. این حمایت‌های مالی در کشورهای مثل امارات متحده عربی پروسس می‌شود و بعد از آن در افغانستان میان جزوات‌های مختلف افغانستان تقسیم می‌شود. از لحاظ روانی، یک روایت بسیار قوی برای جلب و جذب جنگجویان داعش است که می‌تواند به راحتی و به خوبی با افراد ناتوان و محروم در اجتماع

همصدا و همدل شود. بر همین اساس این وظیفه‌ی مسلمانان است تا از فرهنگ اسلامی خودشان محافظت کنند. تعداد بسیار زیادی از این جنگجویان یا از سوریه بازمی‌گردند یا اینکه در کشورهای خارجی جلب و جذب می‌شوند. از سوی دیگر، دولت اسلامی در ولایت خراسان می‌تواند به صورت خودمختار در مورد بسیاری از مسائل مثل عملیات‌های نظامی تصمیم بگیرد. بر علاوه، به نظر می‌رسد که پروسه‌ی جلب و جذب و ساختار درونی دولت اسلامی در ولایت خراسان شکست خورده است. بسیاری از اعضای جداشده از گروه‌های مختلف جهادی به مانند تحریک طالبان پاکستان، جنبش اسلامی ازبکستان، انصار المجاهدین، انصار خلافت و جهاد، همچنین عثمان قاضی از حرکت اسلامی ازبکستان، به همان اندازه که دولت اسلامی را حمایت می‌کنند، طالبان را هم به همین اندازه حمایت می‌کنند. بر علاوه، گروه القاعده، دهه‌ها وقت خود را برای ارتباط‌گیری با گروه‌های مختلف جهادی سپری کرد. گروه‌هایی که بدون جنگ و مبارزه تسلیم نخواهند شد. شبکه‌های شخصی و خصوصی در مجالس جهادی، بعد منطقه‌ای دارند. همین مسئله به اعتقاد برخی، مولفه‌ی مهمی در جلب و جذب نیروها و حفاظت از نیروها محسوب می‌شود. به طور مثال فرماندهی نظامی هر کجا که برود، نیروهای جنگجوی او هم به دنبال او می‌روند :

۱- در مورد خطوط تمویل اقتصادی، پرسونل و تجهیزات گروه وابسته به دولت اسلامی چه فکر می‌کنید؟ آیا فکر می‌کنید که این‌ها از کشورهای خلیج، یا کشورهای آسیای میانه یا گروه‌های غیرقانونی اقتصادی تغذیه می‌شوند؟

۳- آیا شما نظری در مورد اطمینان و اعتماد به تجهیزات، و سیستم جلب و جذب دولت اسلامی خراسان دارید؟ آیا پرسونل جلب و جذب شده قابل اعتماد هستند یا اینکه تجهیزات با محیط سازگار هستند؟

میزان تهدید

در مورد تصرف و تسلط بر قلمرو، اینطور به نظر می‌رسد که ظرفیت گروه‌های وابسته به داعش برای به کارگیری جهاد مبهم باشد. به نظر می‌رسد آنها در حال حاضر قدرت خود را متمرکز بر دو ولایت: ننگرهار و کابل کرده اند و در ولایت کنر در حال افزایش تحرکات خود در روی زمین

می‌باشند. تاکتیک‌های شورشیان و جنگجوها که آنها به طور فزاینده به آن متکی هستند، به آنها اجازه داده است در برخی از نقاط کشور فعالیت مخفیانه داشته باشند و یا اینکه فعالیت‌های آنها مرگ‌بار تر شده است. (تلفات ناشی از حملات داعش بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ دوبرابر شده است. به طور عمده در کابل یا ننگرهار) آنها همچنین ثابت کرده اند که در تبلیغ پیام خود از طریق رادیو بسیار نخبه و ماهر شده اند. صرف نظر از اینکه زمینه‌ی استخدام پناهندگان از پاکستان تا چه میزان فراهم است، با این حال آنها توسط مردم محلی و بومی به عنوان افراد و جنگجویان خارجی نگریسته می‌شوند. اتکا آنها برای حفظ قدرت به خشونت و توحش باعث شده است که مردم چراغ سبز به آنها نشان ندهند. (به طور مثال در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ دولت اسلامی خراسان به مردم ننگرهار هشدار داده بود که در مراکز رای‌دهی حضور نداشته باشند چرا که این مراکز به عنوان اهداف مشروع دولت اسلامی در خراسان تعریف شده اند). همچنین آنها به طور ناخواسته با طالبان درگیر شده‌اند .

۱- از نظر شما، از لحاظ عملیاتی، دولت اسلامی در خراسان تا چه اندازه محدود به کنر، ننگرهار و کابل می‌باشد؟

۲- شما تاکتیک‌ها و توانایی دولت اسلامی برای جهاد را در وضعیت فعلی و آینده چگونه توصیف می‌کنید؟

۳- به نظر شما، تاکتیک‌ها و استراتژی‌های جنگی دولت اسلامی در خراسان چگونه قدرتمند می‌شود و این تاکتیک‌ها تا چه اندازه بر روی تسخیر و تسلط بر قلمرو تاثیر دارد؟

اهداف:

در مورد اهداف گروه‌های وابسته به دولت اسلامی در افغانستان. در سال ۲۰۱۵ اعلام شد که خراسان به جای موصل به عنوان پایتخت دولت اسلامی مرکزی مدنظر قرار گرفته شده است. گروه‌های وابسته به دولت اسلامی، در مورد مبارزه در چارچوب جهاد جهانی و تاسیس امپراطوری اسلامی صحبت‌های بسیاری می‌کنند. این موضوع یکی از نقاط اختلاف اصلی دولت اسلامی با طالبان و القاعده می‌باشد. اگرچه که این مسئله گیج‌کننده می‌باشد، اما خبرهایی مبتنی بر تاسیس ولایت پاکستان یا ولایت هند وجود دارد. فقدان خلافت یک هدف مشخص

برای آنها است که از درون روابط عمومی آنها به بیرون درز کرده است. همچنین به نظر می‌رسد به جای اینکه یک نیروی متحد باشند، مجموعه‌ای از جماعت‌ها و گروه‌های جدا شده می‌باشند که با گروه‌هایی که اهداف و منافع متفاوت دارند، متحد می‌باشند. مثل ارتش آزادی‌خواه بلوچستان. آنها برای منابع زیرزمینی و حامیان خود در منطقه‌ای مبارزه می‌کنند که می‌توان گفت آن منطقه از نظر فعالیت گروه‌های جهادی اشباع شده است. به طور مثال، لشکر اسلام که متناسب با منافع خود، ترس از دست دادن حمایت طالبان را داشت، از پیوستن به دولت اسلامی خراسان امتناع کرد .

۱- شما اهداف و امکان‌پذیری اهداف گروه‌های وابسته به دولت اسلامی در افغانستان را چگونه توصیف می‌کنید. به خصوص در مورد مسئله‌ی هدف تاسیس خلافت؟

۲- به نظر شما جغرافیا و مسایل اجتماعی سیاسی چه تاثیری بر توانایی آنها برای دستیابی به اهداف‌شان دارد؟

۳- لطفاً از ۱ تا ۷ نمبر بدهید. نمبر ۱ یعنی اینکه اهداف دولت اسلامی در خراسان هیچ انطباقی با اهداف دولت اسلامی مرکزی در عراق و سوریه ندارد. نمبر ۴ یعنی اینکه میان اهداف دولت اسلامی در خراسان و اهداف دولت اسلامی مرکزی در عراق و سوریه نه انطباقی وجود دارد و نه عدم انطباق. نمبر ۷ یعنی اینکه اهداف دولت اسلامی در خراسان انطباقی قوی و واضح با دولت اسلامی مرکزی در عراق و سوریه دارد .

بیوست ج: استطلاع حول دولة الاسلامیة فی افغانستان رجا سجل اسم و وظیفتك:

سوالات:

- ۱- ماذا رایك حول منظمه العالمیة دولة الاسلامیة و لماذا؟
 - ۲- هل تعتقد ان دولة الاسلامیة لها وجود حقیقی او وجود لا لبس فيه فی افغانستان؟
- a. یرجى تقييم رایك من ۱ الى ۷ . مع ۱ یمثل لا وجود على اطلاق لتنظیم الدولة الاسلامیة، مع ۴ لا یمثل انكارا و لا تأكيدا لوجودها، ۷ یمثل وجودا لا یمكن انكارها مطلقا.

المبادئ القياده و الايدئولوجيه:

على المبادئ، داعش شكل على تصدير علاماتها جهاديه مثل ما يقع فى ليبيا، مثل داعش يبدو ان ايدئولوجيه الشاملة للجماعات تابعه داعش هى السلفية-ديوبندى مع تشابه قوى للوهابية. فرع داعش الافغانیة تهتم لتهاجم و الشن على جماعات شیعی فى افغانستان، ليس لديهم اى مانع لتهاجم على جماعات المدنيين. هم استلمو بعض التعليمات و الارشادات من جناح الاصلی دولة الاسلامیة فى عراق و سوريا لاستئناف عملياتهم. اكدت و اعادت مرة الاخرى قيادة الدولة الاسلامیة فى ولاية خراسان ولاءها لبغدادى فى شريط فيديو الذى نشر فى شهر يونيو عام ۲۰۱۹.

لكن هناك اسباب لشك فى ولائهم على فرع الاصلی دولة الاسلامیة و ولائهم على خلیفه ابوبكر البغدادى. ادعى العديد من المنشقين حركة الطالبان ان انشقاقهم كان بسبب دوافع المادية و الاقتصادية (یعنى ليس انشقاقهم بسبب ولائهم على خلیفه ابوبكر البغدادى) و أيضاً هدف الانشاء و اقامة الخلافة فى ولاية خراسان غير واضح.

علاوة على ذلك، هم یرسمون بالممارسات التى المحظورة من قبل الدولة الاسلامیة مثل انتاج و بيع الفیون و المخدرات و یا مثلا التعاون مع المنظمات غير المتلزمة بالظاهرة الجهاد. مثل جيش التحرير بلوشستان.

يوجد بعض الادلة و وثيقة على تعاون غيرالرسمى دولة الاسلاميه في خراسان مع حركة طالبان في بعض المناطق افغانستان. بما فيها التعاون: كارثة ميرزا اولنك (منطقه في مركز افغانستان) و علاوة على ذلك هذه المسئلة غيرواضح ان الى اى مدى انضم هو الاء المقاتلون (دولة الاسلاميه في خراسان) الى دولة الاسلاميه مركزيه في عراق و سوريا بسبب طرد القوات الاجنبيه. و ليس بسبب الايديولوجيه الجهاديه دولة الاسلاميه كما شهدنا في موضوع العراق.

ا: ما هي الاختلافات توجد في شان ايديولوجيه و المبادئ القيادة بين التنظيم الافغانيه التابعه لداعش و تنظيم دولة الاسلاميه في عراق و شام؟ و لماذا تعتقد انها (دولة الاسلاميه في ولايت خراسان) موجوده في افغانستان؟

ب: كيف تصف الاخلاص التنظيم الافغانيه التابعه لداعش بتنظيم دولة الاسلاميه في عراق و سوريا و لماذا؟

ج: يرجى تقييم رايبك من ١ الى ٧. ١.٧ يمثل لاتوجد اى تنسيق بين التنظيم دولة الاسلاميه التابعه الافغانيه و تنظيم دولة الاسلاميه في عراق و سوريا. ٤ يمثل لاتنسيق و عدم اى تنسيق بين هذان التنظيمان و ٧ يوجد تنسيق بين دولة الاسلاميه في عراق و سوريا و تنظيم التابعه الافغانيه

اللوجستيه و الدعم:

في شان اللوجستيه و الدعم يزعم ان الجماعه التابعه لتنظيم الدوله الاسلاميه في افغانستان، تشابه كثيرا مع تنظيم الدوله الاسلاميه في عراق و سوريا. بما فيهما تسلم الدعم المالى من دول الخليج و الافراد اشخاص في دول الخليج. (لكن هذه المسئلة غيرالواضح ما اذا كانت الدوافع المترصف (تنسيق) مع دعمهم المزعوم في سوريا) ثم تتم مصنع الاموال في اماكن مثل الامارات العربيه المتحده و الاموال الموزعه على الوحدات الافغانيه.

في حاله نفساً هناك روائى القوى حول تحنيد بين قوات (Islamic state in ISK Khorasan) ان يقدر تستفيد من ساخط الاجتماعى الشعب و ايضاً هناك وظيفه شرعيه لكل مسلمون في شان حفاظه من ثقافه الاسلاميه.

اکثر بعض هذا المقاتلون رجعوا من سوريا او تجنيد أنفسهم في بلاد الاخرى من جهة الاخرى ISK يجوز ان صنع قرارات مستقلة في مناطقهم بما فيها: عمليات السعري و حصول و توفير. علاوة على ذلك عملية تجنيدهم و انشاهم و تكوينهم بدون محطم. اضافة ان العديد المقاتلون ينتمون الى مجموعات جهادية متنوعه التي مفككون بما فيها: تحريك طالبان باكستان، حركة الاسلاميه ازبكيستان، انصار المجاهدين، انصار الخلافة و الجهاد و ايضا عثمان قاضي من حركة الاسلاميه ازبكيستان. هم يدعمون دولة الاسلاميه في امر تجنيد و دعم العسكري و تمويل المالي . هكذا يدعمون طالبان. و ايضا مثل القاعده الذي حاول منذ عقود لصنع علاقات مختلفه مع مجموعات جهادية متعدده في افغانستان. القاعده لا يجوز الى مجموعات جهادية متعدده لاجل انضمام الى صفوف دولة الاسلاميه.

يعتبر بعض شبكات اتصالات الشخصية داخل جماعات الجهادية الاقليمية هو العنصر الاساسي لتجنيد و الاستبقا المقاتلين. مثلا القائد المنشق من الجماعات الجهادية يانتي معه المقاتلين الذين لديهم ولاء لقائد اي مكان القائد يتجه، هم يتابعون القائد.

ا: ماذا يمكنك ان تقول لنا حول مسئلة التمويل مجموعة، الموظفون و ادوات التي في يد التنظيم تابعة لدولة الاسلاميه في افغانستان. هل هذه الامكانيات و الادوات و مجموعات تمويل و الموظفون ياتي من دول الخليج، منطقة آسيا الاوسط و الانشطة الاقتصادية غيررسمى في افغانستان؟

ب: هل لديك راي حول موثوقية شبكات تمويل و الادوات و الموظفون بتنظيم التابعة دولة الاسلاميه؟ هل الموظفون موثوق و شبكات تمويل لاسلحة ثابتة؟ ذكر المثال

قدرة التهديد:

و على احتمالات استيلاء و سيطرة على الارض، ان قدرة الجماعات التابعة لتنظيم الدولة الاسلاميه على شن الجهاد تبدو غامضه. و يبدو انهم يتركزون حاليا قوتهم في ولايات: ننگرهار و كابول و تسلط على الولايات الكنر. تكتيكات المتردين انهم على نحو متزايد لقد سمح لهم بالاعتماد عليهم ان يعملو سرا في اجزا الاخرى من من البلاد و ان يصبحوا اكثرأ فكتأ. لقد اثبتوا ايضا انهم بارعون جدا في نشر رسالتهم عبر الراديو. مع ذلك، ينظر اليهم الى حد كبير من قبل

السكان المحليين كقوة الاجنبية الاخرى. بعض الانظر على مدى خصوبة الارض قد يعود للاجئين من باكستان. اعتمادهم على الخوف و التوحش للاحتفاظ بالسلطة. (خلال الانتخابات البرلمانية ٢٠١٨ حذر المنتسبون لداعش سكان ننگرهار من الذهاب للتصويت لان المراكز الانتخابية كانت اهداف مشروعاً لهم) لا يخفيهم الكثير من السكان و قد تورطوا في صراغ غير مقصود مع طالبان.

ا: ما مدى حصرک من الناحية العملية العسكرية في ننگرهار و كابول و كتر في اعتبار ان الشركات تابعة لتنظيم الدولة الاسلامية في افغانستان

ب: كيف تصف اساليبهم التكتيكية و قدرتهم على الشين الجهاد الان و في المستقبل؟

ج: كيف تعتقد ان التكتيكات و الاستراتيجية التي تتبعها شركات التابعة لتنظيم الدولة الاسلامية في افغانستان سوف تتطور و ما هو تأثير في هذا الامر على قدرتهم على الاستيلاء على الارض او سيطره اليها في المستقبل.

اهداف:

فيما يتعلق باهداف الشركات التابعة لدولة الاسلامية في خراسان في عام ٢٠١٥ تم اعلان ان خراسان سيحل محل الموصل كمركز لجميع المقاتلين داعش. تتحدث الجماعات التابعة للدولة الاسلامية كثيراً عن كيفية قتالهم الجهاد العالمي لتأسيس و الانشاء امبراطورية الاسلامية. انها واحدة من الخلافات التي لديهم مع طالبان و القاعدة على رغم ذلك فقد كان هناك اعان موحراً عن الانشاء ولايات باكستان و ولاية هند و هناك نقض الخلافة كهدف محدد ينبثق من عمليات العلاقات العامة الخاصة بهم.

كما يبدو انها تجمع بين القوائل و ليس قوة موحدة: انهم متحالفون مع الاخرين الذين لديهم اهداف متباينة تماماً مثل جيش التحرير بلوشستان و يتنافسون على الموارد من اجل المويدين في منطقة يكمن وصفها بانها مشتبه بالمنظمات الجهادية. على سبيل المثال، بعد ان اعربت جماعة فرقة الاسلام عن اهتمامها رفضت الانضمام خشية فقدان دعم طالبان.

ا: كيف تصف اهداف التجهيزات الشركات التابعة لتنظيم الدولة الاسلامية في خراسان خاصة حول الخلافة.

ب: کیف تعتقد ان الجغرافیا و الوضع الاجتماعی-السیاسی یوثر ان علی قدرتهم علی تحقیق الاهداف المذكورة

ج: یرجى ان تقييم رايك من الی ۱ الی ۷. مع ۱ یمثل تماماً عدم التوافق مع اهداف التنظيم دولةً الاسلامیةً. ۴ یمثل لا محاذاةً او عدم محاذاةً و ۷ یمثل التوافق التام مع اهداف التنظيم الدولةً الاسلامیةً.